

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|------------------------------|--|
| ۱. دکتر محمدباقر آخوندی | استادیار جامعه شناسی دانشگاه بیرجند |
| ۲. دکتر حبیب اله احمدی | استاد جامعه شناسی و برنامه ریزی شهری دانشگاه شیراز |
| ۳. دکتر بی بی اقدس اصغری | استادیار مردم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد |
| ۴. دکتر محمد بهنام فر | استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند |
| ۵. دکتر محمدعلی بیدختی | استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند |
| ۶. دکتر هادی پورشافعی | دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند |
| ۷. دکتر محمدتقی راشد محصل | استاد فرهنگ و زبان های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی |
| ۸. دکتر مفید شاطری | استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه بیرجند |
| ۹. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی | دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند |
| ۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک | استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران |
| ۱۱. دکتر محمدرضا مجیدی | دانشیار گروه مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران |
| ۱۲. دکتر جواد میکانیکی | دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه بیرجند |

ویراستار فنی: سیدنورالله نصراللهی

امور فنی: انتشارات چهاردرخت

شمارگان: ۱۰۰

ویراستار ادبی: دکتر عباس واعظزاده

مترجم و ویراستار انگلیسی: الهه توشه

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی - هنری افق هزاره سوم کویر

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳ دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

وبگاه: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.
نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند.
نوشته های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی شوند.
فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر محمد اسکندری ثانی	استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر بی بی اقدس اصغری	استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
دکتر محمدباقر آخوندی	استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر مفید شاطری	استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر زهرا علیزاده بیرجندی	دانشیار دانشگاه بیرجند
دکتر میترا مودی	دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
دکتر جواد میکانیکی	دانشیار دانشگاه بیرجند
دکتر محمد ولی پور	استادیار دانشگاه فرهنگیان بیرجند
دکتر محمدرضا یوسفی روشن	استادیار دانشگاه فرهنگیان بیرجند

به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴

کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه "مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه علمی - ترویجی گردیده است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور به نشانی ww.inti@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه‌پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیر فارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح ۳۰۰ dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیکی، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۷-۶- وب گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). «شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی». [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://www.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html>. [1388/8/2]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

بررسی سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمانی با نقش میانجی خلاقیت سازمانی،
(مورد مطالعه: اداره کل امور مالیاتی استان خراسان جنوبی)

حاجیه رجبی فرجاد، طویه سرگزی ۱

بررسی شاخص‌های سلامت اجتماعی زنان شهر فردوس

محمدحسن شریتیان ۲۳

بررسی اثرات تعاملات بین فرهنگی ساکنان و گردشگران (مورد مطالعه: روستای چنشت
در خراسان جنوبی)

محمدعلی طالبی، جواد یوسفی، محمد براتی ۴۹

کارکردهای آموزشی موقوفه حاج‌عبدالعلی‌خان در شهر بیرجند

مرضیه فاریابی، مفید شاطری ۷۵

تحلیل ادراک شهروندان از پدیده سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان آن
(مورد مطالعه: شهر مشهد)

سیمین فروغزاده، ندا عیدگاهیان ۹۵

جایگاه مضامین عرفانی در کتاب تأملات کلامیه ملامحمدحسن هردنگی

اکرم ناصری ۱۲۵



بررسی سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمانی با نقش میانجی خلاقیت سازمانی

مورد مطالعه: اداره کل امور مالیاتی استان خراسان جنوبی

حاجیه رجبی فرجاد^۱

طیبه سرگزی^۲

سال چهاردهم، شماره اول، پاییز ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲

شماره صفحه: ۱-۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۵

چکیده

سرمایه اجتماعی از آنجا که فرایند نوآوری، خلاقیت، یادگیری تیمی و ... را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آنها را تسهیل می‌کند، مفهومی اساسی و بنیادی در درک نوآوری، خلاقیت و پویایی‌های سازمانی به‌شمار می‌آید. این پژوهش که از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش توصیفی-پیمایشی است، در جهت تعیین تأثیر سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمانی با نقش میانجی خلاقیت سازمانی در اداره کل امور مالیاتی استان خراسان جنوبی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق ۲۱۰ نفر از کارکنان اداره کل امور مالیاتی استان خراسان جنوبی بوده و با توجه به فرمول کوکران ۱۳۶ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات این پژوهش، سه پرسشنامه استاندارد شامل کارایی سازمانی پین‌پریانگ و سینگ‌تای (۲۰۱۲)، خلاقیت سازمانی دیک و متکلف (۲۰۰۱) و سرمایه اجتماعی ناهاپیت و گوشل (۱۹۹۸) بوده است. روایی پرسشنامه از طریق روایی محتوایی مورد تایید قرار گرفته است و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌های کارایی، خلاقیت سازمانی و سرمایه اجتماعی به ترتیب مقدار ۰/۸۲، ۰/۷۷ و ۰/۸۵ به‌دست آمده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار lisrel استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد

۱. دانشیار گروه مدیریت منابع انسانی دانشگاه علوم انتظامی امین، نویسنده مسؤول ajieh_rajabi@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مجازی تهران tsargazi59@gmail.com

سرمایه اجتماعی بر کارایی و خلاقیت سازمانی تاثیر معناداری دارد. اما تأثیر سرمایه اجتماعی از طریق خلاقیت سازمانی بر کارایی سازمانی معنادار نبود. بنا بر یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی بستر مناسب برای دسترسی به فرصت‌ها و اهداف زندگی را مهیا کرده، یکی از منابع مهم موفقیت سازمانی و اجتماعی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، کارایی سازمانی، خلاقیت سازمانی، اداره کل مالیاتی خراسان

جنوبی

مقدمه

نظریه‌پردازان بر این عقیده‌اند که سرمایه اجتماعی به‌منزله یک اصل اساسی برای دستیابی به توسعه پایدار و راهی برای نیل به موفقیت و بهبود عملکرد سازمان قلمداد می‌شود و مدیران و کسانی که بتوانند در سازمان، سرمایه اجتماعی ایجاد کنند، راه کامیابی شغلی و سازمانی خود را هموار می‌سازند. به همین دلیل، در عصر حاضر که بی‌شک عصر سازمان‌ها محسوب می‌شود، مدیران برای توسعه، بیشتر از آن که نیازمند سرمایه‌های فیزیکی و انسانی باشند، به سرمایه اجتماعی نیاز دارند. به بیان دیگر، تا زمانی که سازمان‌ها برای بقا تلاش می‌کنند و خود را نیازمند حضور در عرصه‌های ملی و جهانی می‌دانند، باید اصل بهبود مستمر عملکرد را سرلوحه فعالیت خود قرار دهند و این اصل حاصل نمی‌شود، مگر اینکه زمینه‌دستیابی به ارتقاء سرمایه اجتماعی امکان‌پذیر باشد (رضائی، شعبانعلی فمی و صلاحی‌مقدم، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

سرمایه اجتماعی نه تنها خود مولد است، بلکه باعث اثربخشی و کارآمدتر شدن سایر انواع سرمایه نیز می‌شود. سرمایه اجتماعی به آن دسته از روابط و هنجارهای اجتماعی اشاره دارد که باعث بالارفتن کارایی افراد و گروه‌ها می‌شود. به نظر پوتنام (Putnam, 1995: 66)، شبکه‌های ارتباطی، افراد را با کسانی آشنا می‌سازد که توانمندی‌ها و کارایی‌های متفاوت دارند و فرد هنگام نیاز می‌تواند از آنها استفاده کند. مطالعات گوناگون نقش سرمایه اجتماعی را در رشد و توسعه اقتصادی مناطق و کشورها نشان داده‌اند. بهبود در کیفیت ابزارها و ماشین‌آلات، بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد؛ اما سرمایه تنها جنبه فیزیکی ندارد. سرمایه انسانی مانند مهارت، جزء مهم تولید و بهره‌وری است.

کلمن (Coleman, 1990: 5) نیز معتقد است که ساختار اجتماعی یکی از مهمترین عوامل ارتقاء بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی است. در این راستا امروزه مفهوم سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک راه‌حل برای مشکلات اقتصادی ارائه می‌شود که وجود آن می‌تواند قابلیت‌های اقتصادی را تسهیل کرده، هزینه‌ها را کاهش دهد (نادری مهدیی، فطرس و اصفهانی، ۱۳۹۴: ۲۳). یکی از کارکردهای سرمایه اجتماعی این است که با ارتقای سطح کیفی و کمی اقتصاد، موجب کارآمدتر شدن انواع دیگر سرمایه، به‌خصوص سرمایه انسانی شود. سرمایه اجتماعی به‌عنوان جنبه‌ای از ساخت اجتماعی، کنش‌های افرادی را که درون ساخت هستند، تسهیل کرده، مانند دیگر اشکال سرمایه مولد است و دستیابی به اهداف معینی را که در نبود آن دست‌یافتنی نیست، امکان‌پذیر می‌سازد. فالك و کیل‌پاتریک (Falk & Kilpatrick, 2000: 88)، بیان می‌کنند که سرمایه اجتماعی از طریق روان‌تر کردن جریان اطلاعات و سوق دادن جامعه به سمت شرایط اطلاعات کامل موجب سهولت مبادله و حداکثر کارایی می‌شود. در شرایط کمبود سرمایه مادی، سرمایه اجتماعی می‌تواند عاملی در جهت جبران این کمبود باشد. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست داده و پیمودن راه‌های توسعه ناهموار می‌شود (نادری مهدیی، فطرس و اصفهانی، ۱۳۹۴: ۲۳).

بر اساس نظریه کلمن (Coleman, 1990: 6) در سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی، روابطی با ظرفیت قابل پیش‌بینی هستند و ارزش بالایی دارند. برخلاف سرمایه انسانی و دارایی‌های سنتی سازمان، سرمایه اجتماعی منحصراً نتیجه روابط اجتماعی معنی‌داری است که افراد در طول زمان بر روی آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. یکی از مشکلات تئوری‌های کلاسیک مدیریت، برقراری ارتباط بین کارایی افراد و دستمزد آنها است چرا که نمی‌توان به آسانی، فعالیت‌های کارکنان را تحت نظارت قرار داد. در این شرایط کارکنان انگیزه کمی برای استفاده از تمام توان‌شان دارند. بنابراین شرکت‌ها مجبورند منابعی را برای نظارت بر کار افراد به کارگیرند و یا زیان بیشتری برای عدم استفاده از این نظارت‌ها بینند. در این رابطه سرمایه اجتماعی می‌تواند با ایجاد تعهد بیشتر، هزینه‌های یادشده را به وسیله افزایش اعتماد، کاهش دهد و از این طریق موجب افزایش کارایی سازمانی شود (دستگیر و دیگران، ۱۳۹۳: ۸).

سرمایه اجتماعی راه را برای دستیابی و استفاده از دیگر منابع سازمان هموار می‌کند. در واقع

سرمایه اجتماعی به عنوان یک دارایی ناملموس در سازمان، شبکه‌ای از روابط اثربخش را ایجاد می‌کند (Alguezaui & Filieri, 2010: 892). در سازمان‌های کسب و کار، سرمایه اجتماعی منبع مهمی از کارایی به‌ویژه افزایش کارایی نیروی انسانی به شمار می‌رود؛ برای انجام کارها لازم است که کارگران و متخصصان توصیه‌ها و پشتیبانی‌های دیگران را فراتر از ساختار سلسله مراتبی شرکت به کاربندند (غیائی ندوشن و امین‌الرعا، ۱۳۹۵: ۱۸۶). به طور کلی سرمایه اجتماعی می‌تواند مزایای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به دنبال داشته باشد و کارایی سازمان را بهبود بخشد. به نظر می‌رسد در مورد مکانیزم‌هایی که سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق آنها تأثیر مثبتی بر عملکرد اقتصادی داشته باشد، توافق زیادی وجود دارد. مهم‌ترین این مکانیزم‌ها عبارتند از: هزینه پایین‌تر تبادلات، نرخ پایین‌تر جابه‌جایی افراد، تسهیم دانش و نوآوری، ریسک‌پذیری و بهبود کیفیت محصولات (Starrett, 1976: 262).

در حقیقت، سرمایه اجتماعی یک نوع دارایی سازمانی محسوب می‌شود. وجود سرمایه اجتماعی در سازمان امر جدیدی نیست، اما پذیرش آن به‌عنوان سرمایه در یک سازمان، موضوعی نو است. در هزاره سوم میلادی سرمایه اجتماعی زیربنای اصلی برای پویایی و موفقیت آتی سازمان در اقتصاد دانش‌محور به حساب می‌آید. سرمایه اجتماعی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا کاراتر، اثربخش‌تر، پربازده‌تر و نوآورتر باشند. افزون بر این موفقیت رقابتی سازمان‌ها به میزان کمتری به تخصیص راهبردی منابع فیزیکی و به میزان بیشتری به مدیریت راهبردی سرمایه اجتماعی بستگی دارد (دستگیر و دیگران، ۱۳۹۳: ۳). بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیقات پیشین، سازمان‌ها برای کارایی در زمینه منابع انسانی باید در وهله اول به مهارت‌ها، تجارب و دانش افراد توجه نمایند و به عنوان یک منبع نوآوری و نوسازی استراتژیک در سازمان بها دهند؛ در وهله دوم به پایگاه‌های داده، نمودارهای سازمانی، دستورالعمل‌های اجرایی، فرایندها، استراتژی‌ها و هرآنچه که در بُعد ساختاری، سرمایه اجتماعی تعریف می‌شود، توجه کنند؛ در گام بعدی بُعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی و بُعد ارتباطی سرمایه انسانی را مد نظر قرار دهند. به عبارتی سازمان‌ها برای تعامل مثبت و ایجاد انگیزه در کارکنان باید توجه داشته باشند که اعتماد بین کارکنان زمینه کارایی منابع انسانی را فراهم می‌کند. با این وجود به عقیده استورگس (Sturges, 1997: 50) سرمایه اجتماعی نیازمند تحقیقات

بیشتری است و باید تأثیر آن بر عملکرد سازمانی شفاف تر شود. بنابراین سازمان‌هایی که در توسعه منابع انسانی سرمایه‌گذاری می‌کنند می‌توانند نقش مهمی را سرمایه اجتماعی داشته باشند. کارکنان آموزش دیده و تحصیل کرده نیازمند محیطی هستند که به آن‌ها انگیزه رشد و توسعه را بدهد، چنین محیطی تنها از راه توجه ویژه به سرمایه اجتماعی محقق خواهد شد (Brooks & Muiya Nafukho, 2006: 118). نتایج تحقیقات متعدد نشان داده‌است که وجود سرمایه اجتماعی غنی با افزایش خلاقیت افراد در عملکرد آنها در سازمان تأثیرگذار است. زمانی که کارکنان درجه‌ی بالایی از چالش، مشارکت و خلاقیت را در محل کار درک کنند، با انگیزه و تعهد بیشتری کار کرده، کارایی بهتری در سازمان خواهند داشت. در مقابل، زمانی که احساس کنند، محیط نامطمئن است و در بیان ایده‌های کاری محدودیت دارند، با کاهش انگیزه مواجه شده، کارایی پایین‌تری خواهند داشت. بنابراین خلاقیت از طریق کشف روش‌های جدید و بهینه‌تر انجام کار بر افزایش کارایی مؤثر است؛ در نتیجه سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق خلاقیت سازمانی بر کارایی سازمانی تأثیر گذارد. لذا این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که سرمایه اجتماعی، با توجه به نقش میانجی خلاقیت، بر کارایی سازمان چه تأثیری دارد؟ بر این اساس، فرضیات زیر مطرح می‌شوند:

فرضیه اصلی:

سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمانی با نقش میانجی خلاقیت سازمانی تأثیر دارد.

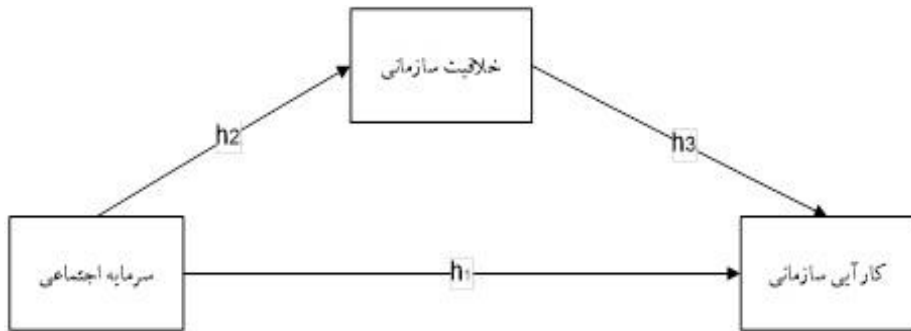
فرضیه‌های فرعی:

۱. سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمانی تأثیر دارد.

۲. سرمایه اجتماعی بر خلاقیت سازمانی تأثیر دارد.

۳. خلاقیت سازمانی بر کارایی سازمان تأثیر دارد.

با توجه بررسی تحقیقات صورت گرفته در پژوهش حاضر سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیر مستقل، کارایی سازمانی به‌عنوان متغیر وابسته و خلاقیت سازمانی به‌عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شده است. بر این اساس مدل مفهومی پژوهش در قالب شکل ۱ قابل مشاهده است.



شکل (۱) مدل مفهومی تحقیق

در شکل ۱، کارایی سازمانی برگرفته از مدل پین پریانگ و سینگ تائی (Pinprayong & Siengtai, 2012)، خلاقیت سازمانی برگرفته از مدل دیک و متکلف (Dick & Metcalfe, 2001) و سرمایه اجتماعی برگرفته از ناهاپیت و گوشل (Nahapiet & Ghoshal, 1998) است.

پیشینه تحقیق

رسولی و هدایتی (۱۳۹۶)، به بررسی نقش خلاقیت و عوامل مؤثر بر آن در کارایی روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد دیدگاه مدیران به جایگاه روابط عمومی، داشتن برنامه راهبردی ارتباطی، تخصیص بودجه مورد نیاز، فعالیت درون و برون سازمانی، استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی نوین در خلاقیت و کارایی روابط عمومی مؤثر است و با توجه به این عوامل، روابط عمومی می‌تواند سازمان را در رسیدن به یک الگوی ارتباطی دوسویه هم‌سنگ بین سازمان و جامعه یاری کند.

فیروزی و کرمی (۱۳۹۵)، به بررسی نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی در رابطه هوش هیجانی با خلاقیت پرداختند؛ نتایج نشان داد خلاقیت تحت تأثیر هوش هیجانی و سرمایه اجتماعی قرار دارد. از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی، خودآگاهی، خود انگیزی، خود مدیریتی و مهارت اجتماعی اثر مستقیم و غیرمستقیم مثبت بر خلاقیت دارند؛ همچنین ابعاد ارتباطی، شناختی و ساختاری سرمایه اجتماعی اثر مستقیم مثبت بر خلاقیت دارند.

فقیه عباسی و کریمی (۱۳۹۴)، به شناسایی رابطه ابعاد سرمایه اجتماعی و خلاقیت سازمانی در بین کارکنان آموزش و پرورش سمنان پرداختند و نتیجه حاکی از آن بود که بین سرمایه اجتماعی

و خلاقیت سازمانی رابطه معنادار وجود دارد. نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام نشان داد بهترین پیش‌بینی کننده خلاقیت سازمانی در بُعد رابطه‌ای از سرمایه اجتماعی بوده است.

ویسه و نصراللهی وسطی (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر ایجاد خلاقیت در دانشجویان مدیریت دانشگاه ایلام پرداختند؛ یافته‌ها نشان داد که اعتماد فردی و نهادی، تأثیر مثبتی بر خلاقیت دانشجویان داشته، مشارکت همیارانه، خیریه‌ای و مذهبی، میزان خلاقیت دانشجویان را بهبود می‌بخشد. با این وجود، تأثیر مشارکت رسمی و اعتماد عمومی بر بروز خلاقیت معنادار نبود.

چنگ، تین و لی (Chang, Tein & Lee, 2010: 43) در پژوهشی بیان می‌کنند که سرمایه اجتماعی به طور معناداری بر خلاقیت تیم‌ها از طریق ترکیب دانش تأثیر می‌گذارد.

چن، ژو و یونکسی (Chen, Zhu & Yuan Xie, 2004: 195) نیز در پژوهشی به بررسی رابطه خلاقیت و کارایی سازمانی پرداختند که نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که خلاقیت رابطه معناداری با کارایی سازمانی دارد.

هو و دیگران (Hou, et al., 2011: 411) به بررسی تعهد سازمانی، خلاقیت و تأثیر سبک‌های تفکر پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که سبک تفکر، خلاقیت کارکنان را مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد؛ تعهد سازمانی در رابطه بین سبک تفکر و خلاقیت نقش واسطه‌ای دارد.

یافته‌های پژوهش سوزبیلیر (Sozbilir, 2018: 92) تحت عنوان «تعامل بین سرمایه اجتماعی، خلاقیت و کارایی در سازمان‌ها» نشانگر تأثیر سرمایه اجتماعی بر خلاقیت سازمانی و کارایی سازمانی بوده، همچنین از تأثیر خلاقیت سازمانی بر اثربخشی سازمانی پشتیبانی می‌کند.

پیشینه تحقیق نشان داد که تاکنون پژوهشی به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمانی، از طریق خلاقیت سازمانی نپرداخته. با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت سرمایه اجتماعی می‌تواند موجب افزایش کارایی سازمان گردد و در این رابطه خلاقیت سازمانی می‌تواند نقش واسطه داشته باشد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر به روش توصیفی - پیمایشی است و جامعه آماری آن ۲۱۰ نفر از کارکنان اداره کل امور مالیاتی استان خراسان جنوبی است که از طریق فرمول کوکران ۱۳۶ نفر به روش نمونه‌گیری ساده تصادفی انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد. در روش کتابخانه‌ای از منابع کتابخانه‌ای (مقالات و منابع اینترنتی) و در روش میدانی از سه پرسشنامه استاندارد زیر استفاده شد:

۱- پرسشنامه استاندارد کارایی سازمانی

این پرسشنامه شامل ۲۱ سؤال و ۷ مؤلفه استراتژی سازمانی^۱ (سؤالات ۱ و ۲)، ساختار سازمانی^۲ (سؤالات ۳، ۴ و ۵)، ساختار مدیریت و رهبری^۳ (سؤالات ۸، ۹ و ۱۰)، توسعه و برنامه‌ریزی کار کارکنان^۴ (سؤالات ۶، ۷ و ۱۶)، انگیزش تعهد کارکنان^۵ (سؤالات ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵)، مهارت‌های کارکنان^۶ (سؤالات ۱۷، ۱۸ و ۱۹) و اهداف فرعی^۷ (سؤالات ۲۰ و ۲۱) است. پرسشنامه کارایی سازمانی که روایی محتوایی آن در تحقیقی که توسط پین‌پریانگ و سینگ‌تای (Pinprayong & Siengtai, 2012) انجام شده است، مورد تأیید قرار گرفته است.

۲- پرسشنامه استاندارد خلاقیت سازمانی

این پرسشنامه دارای ۱۵ سؤال و تک‌عاملی است. در پژوهش میرعبداللهی تولون (۱۳۹۲) نیز برای تعیین روایی پرسشنامه خلاقیت سازمانی از روایی محتوایی آن که توسط دیک و متکلف (Dick & Metcalfe, 2001) انجام شده، استفاده شده است.

۳- پرسشنامه استاندارد سرمایه اجتماعی

پرسشنامه سرمایه اجتماعی ناهاپیت و گوشل (Nahapiet & Ghoshal, 1998) دارای سه بُعد

-
- 1 . Organizational strategy
 - 2 . Corporate structure design
 - 3 . Management and business system building
 - 4 . Development of corporate and employee styles
 - 5 . Motivation of staff commitment
 - 6 . Development of employee's skills
 - 7 . Subordinate goals

ساختاری (سؤالات ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷)، ارتباطی (سؤالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸)، و شناختی (۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۸، ۱۹، ۲۰) است که هفت خرده‌مقیاس شبکه‌ها، اعتماد، همکاری، فهم متقابل، روابط، ارزش‌ها و تعهد را مورد بررسی قرار می‌دهد و در ۲۸ گویه تنظیم شده و براساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی موافقم = ۵، موافقم = ۴، نظری ندارم = ۳، مخالفم = ۲ و خیلی مخالفم = ۱) ساخته شده است.

بدین صورت که پرسشنامه، در اختیار مدیریت و تعدادی از صاحب‌نظران سازمان قرار گرفته است در نتیجه مواردی جهت اصلاح پیشنهاد گردید و سرانجام پس از اعمال اصلاحات در پاره‌ای از موارد، پرسشنامه نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

در این تحقیق، پرسشنامه به ۱۰ نفر از متخصصان ارائه شده و از آنجا که مقدار روایی محتوایی ۰/۸ به‌دست آمده است، در نتیجه از روایی محتوایی قابل‌قبولی برخوردار است. در پژوهش میرعبداللهی تولون (۱۳۹۲) پایایی پرسشنامه خلاقیت سازمانی بر اساس روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS، مقدار ۰/۸۸ به‌دست آمده است و در نهایت بر گروه نمونه آماری اصلی به اجرا گذاشته شد. اونق (۱۳۸۴)، در مطالعه‌ای ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه سرمایه اجتماعی را برای هر سه بُعد ۰/۹۱ به‌دست آورده و روایی آن را تأیید کرده است. در این پژوهش نیز به‌منظور سنجش پایایی ابزار پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. با توجه به اینکه مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌های سرمایه اجتماعی، خلاقیت سازمانی و کارایی سازمانی به ترتیب مقدار ۰/۸۵، ۰/۷۷ و ۰/۸۲ به‌دست آمده است، لذا می‌توان پایایی پرسشنامه مذکور را خوب ارزیابی کرد. در بخش تحلیل استنباطی از نرم‌افزار lisrel به‌منظور آزمون فرضیه‌ها استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش به کمک معادلات ساختاری به تجزیه و تحلیل هر یک از فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود. قبل از ورود به تحلیل هر یک از فرضیه‌های تحقیق ابتدا دو مورد بررسی خواهد شد. ابتدا باید از نرمال بودن داده‌های مربوط به هریک از متغیرهای تحقیق اطمینان حاصل کرده،

سپس همبستگی بین آنها بررسی شود. به همین منظور از آزمون کولموگروف اسمیرنف برای نرمالیتی داده‌های مربوط به هریک از متغیرها استفاده شد. نتایج مربوط به این آزمون در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱) آزمون کولموگروف-اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن متغیرها

متغیرها	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی داری	نتیجه
سرمایه اجتماعی	۰/۰۶۷	۱۳۶	۰/۰۶۴	تأیید نرمال بودن
خلاقیت سازمانی	۰/۰۷۵	۱۳۶	۰/۰۵۸	تأیید نرمال بودن
کارایی سازمانی	۰/۰۶۹	۱۳۶	۰/۰۷۲	تأیید نرمال بودن

با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون برای هر سه متغیر سرمایه اجتماعی، خلاقیت سازمانی و کارایی سازمانی بیشتر از ۰/۰۵ است فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن داده‌های مربوط به هر یک از این سه متغیر مورد تأیید قرار می‌گیرد. با توجه به تأیید نرمالیتی سه متغیر مورد نظر، می‌توان ضریب همبستگی بین آنها را از طریق ضریب همبستگی پیرسون محاسبه کرد. جدول ۲ نشان می‌دهد که بین تمام متغیرهای مورد نظر رابطه‌ای مستقیم و معنی دار وجود دارد (زیرا سطح معنی داری آنها از ۰/۰۵ کمتر گزارش شده است).

جدول ۲) ضریب همبستگی پیرسن بین متغیرهای تحقیق

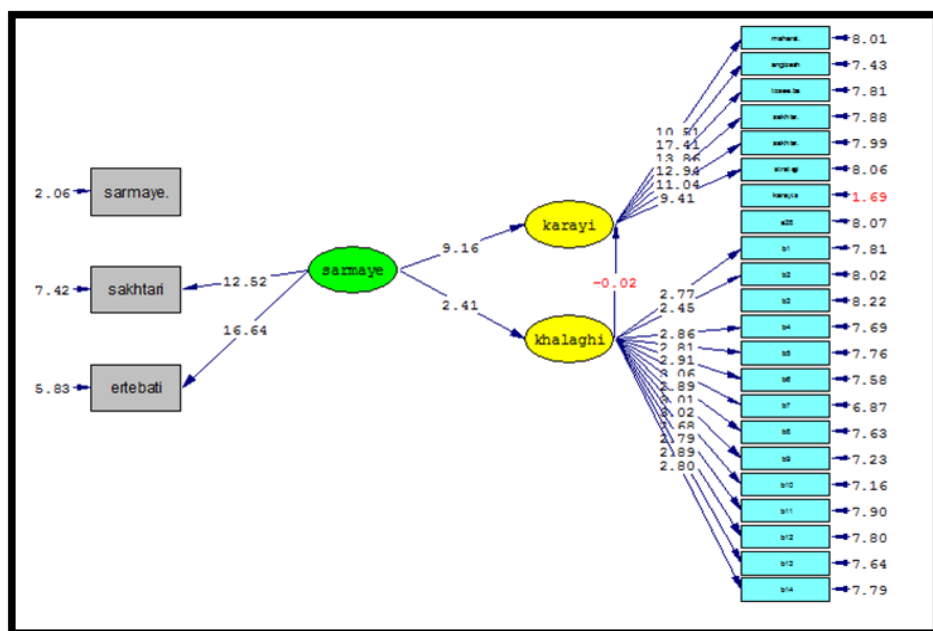
متغیرها		سرمایه اجتماعی	خلاقیت سازمانی	کارایی سازمانی
سرمایه اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسن سطح معنی داری تعداد	۱		
خلاقیت سازمانی	ضریب همبستگی پیرسن سطح معنی داری تعداد	۰/۳۰۴ ۰/۰۰۰ ۱۳۶	۱	
کارایی سازمانی	ضریب همبستگی پیرسن سطح معنی داری تعداد	۰/۶۷۷ ۰/۰۰۰ ۱۳۶	۰/۲۰۲ ۰/۰۱۹ ۱۳۶	۱

با توجه به تأیید نرمال بودن هر یک از متغیرها و معنی داری روابط بین آنها می توان به سراغ رسم مدل مورد نظر از طریق معادلات ساختاری رفت. نتایج مربوط به رسم مدل در شکل های ۱ و ۲ آمده است. برای اینکه بتوان به نتایج به دست آمده اعتماد نمود باید برخی از معیارهای لازم مورد بررسی قرار گیرد.

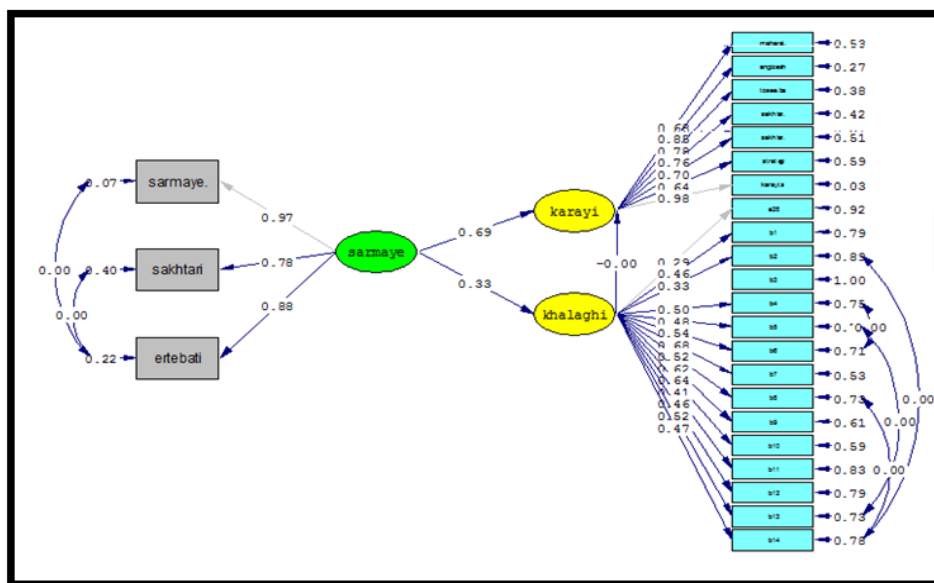
جدول ۳) بررسی نیکویی برازش مدل

	RMSEA	آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معنی داری
مدل	۰/۰۴۲	۳۱/۷۷	۲۷۶	۰/۰۷۳۲

با توجه به جدول ۳ مقدار RMSEA از ۰/۰۸ کمتر شده که قابل قبول و مطلوب ارزیابی می شود همچنین سطح معنی داری ۰/۰۷۳۲ شده است که از ۰/۰۵ بیشتر بوده و به معنای برازش قابل قبول مدل تحقیق است. از طرفی با توجه به شکل ۲، آماره های t برای تمام گویه ها از ۱/۹۶ بیشتر بوده که مؤید معنی داری آنها است.



شکل ۲) آماره‌های t مربوط به ضرایب مسیر مدل تحقیق



شکل ۳) ضرایب مسیر مدل تحقیق

با توجه به تأیید نیکویی برازش مدل، می‌توان به تحلیل هر یک از فرضیه‌های تحقیق پرداخت.

فرضیه اصلی عنوان می‌کند سرمایه اجتماعی از طریق خلاقیت سازمانی بر کارایی سازمانی تأثیر معنی‌داری دارد. نتایج مربوط به فرضیه اصلی تحقیق در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴) نتایج برآورد ضرایب معناداری t و ضریب مسیر استاندارد شده فرضیه اصلی تحقیق

نتیجه	مقدار t	ضریب مسیر	فرضیه اصلی
رد	۲/۴۱ و -۰/۰۲	۰/۳۳ و ۰/۰۰	سرمایه اجتماعی → خلاقیت سازمانی → کارایی سازمانی

بررسی ضریب اثر سرمایه اجتماعی بر خلاقیت سازمانی در جدول ۴ و شکل ۳ نشان می‌دهد که این ضریب مسیر به میزان ۰/۳۳ برآورد شده است. با توجه به اینکه مقدار عدد

معناداری (t-value) برابر با ۲/۴۱ و از ۱/۹۶ بیشتر است، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است؛ یعنی اثر سرمایه اجتماعی بر خلاقیت سازمانی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین ضریب اثر خلاقیت سازمانی بر کارایی سازمانی در جدول فوق نشان می‌دهد که این ضریب مسیر به میزان ۰/۰۰۰ برآورد شده است. با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری (t-value) برابر با ۰/۰۲- که قدرمطلق آن از ۱/۹۶ کمتر است، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار نیست، یعنی خلاقیت سازمانی بر کارایی سازمانی تأثیر معناداری ندارد. لذا در مجموع می‌توان گفت سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمانی از طریق خلاقیت سازمانی معنی‌دار نبوده، تأثیرگذار نیست. بنابراین با توجه به داده‌های گردآوری شده می‌توان گفت فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر وجود تأثیر اثر سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمانی از طریق خلاقیت سازمانی با احتمال ۹۵٪ تأیید نمی‌شود. برای اطمینان از نتیجه بدست آمده برای فرضیه اصلی تحقیق، آزمون سوبل نیز در خصوص این فرضیه انجام می‌شود. در آزمون سوبل فرضیه H_1 مبین این موضوع است که متغیر خلاقیت سازمانی نمی‌تواند در رابطه بین سرمایه اجتماعی و کارایی سازمانی نقش میانجی ایفا کند. در حالی که فرضیه H_1 بیان می‌کند که خلاقیت سازمانی قادر است رابطه بین سرمایه اجتماعی و کارایی سازمانی را میانجی‌گری کند.

جدول ۵) نتیجه آزمون سوبل برای فرضیه اصلی تحقیق

نتیجه	سطح معنی‌داری	آماره سوبل	فرضیه اصلی
رد	۰/۹۸۴	۰/۰۱۹۹	سرمایه اجتماعی $\rightarrow$ خلاقیت سازمانی $\rightarrow$ کارایی سازمانی

با توجه به جدول ۵ ملاحظه می‌شود که سطح معنی‌داری آزمون سوبل ۰/۹۸۴ گزارش شده است که از ۰/۰۵ بیشتر بوده و موید فرضیه H_1 مبنی بر عدم توانایی متغیر خلاقیت سازمانی در ایفای نقش متغیر میانجی در رابطه بین سرمایه اجتماعی و کارایی است.

نتایج مربوط به فرضیه فرعی ۱ تحقیق در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶) نتایج برآورد ضرایب معناداری t و ضریب مسیر استاندارد شده فرضیه فرعی ۱ تحقیق

نتیجه	مقدار t	ضریب مسیر	فرضیه فرعی ۱
تایید	۹/۱۶	۰/۶۹	سرمایه اجتماعی $\rightarrow$ کارایی سازمانی

بررسی ضریب سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمانی در جدول فوق نشان می‌دهد که این ضریب مسیر به میزان ۰/۶۹ برآورد شده است. با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری (t -value) برابر با ۹/۱۶ و از ۱/۹۶ بیشتر است، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است؛ یعنی سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمانی تأثیر مثبت و معناداری دارد. با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات اثر سرمایه اجتماعی، شاهد کاهش در نمرات کارایی سازمانی به اندازه ۰/۶۹ انحراف استاندارد خواهیم بود. در نتیجه فرضیه فرعی اول با توجه به داده‌های گردآوری شده مبنی بر وجود تأثیر سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمانی با احتمال ۹۵٪ تأیید می‌شود.

نتیجه فرضیه فرعی ۲ در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷) نتایج برآورد ضرایب معناداری t و ضریب مسیر استاندارد شده فرضیه فرعی ۲ تحقیق

نتیجه	مقدار t	ضریب مسیر	فرضیه فرعی ۲
تایید	۲/۴۱	۰/۳۳	سرمایه اجتماعی $\rightarrow$ خلاقیت سازمانی

بررسی ضریب سرمایه اجتماعی بر خلاقیت سازمانی در جدول فوق نشان می‌دهد که این ضریب مسیر به میزان ۰/۳۳ برآورد شده است. با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری (t -value) برابر با ۲/۴۱ و از ۱/۹۶ بیشتر است، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است؛ یعنی سرمایه اجتماعی بر خلاقیت سازمانی تأثیر مثبت و معناداری دارد. با افزایش

یک انحراف استاندارد در نمرات اثر سرمایه اجتماعی، شاهد کاهش در نمرات خلاقیت سازمانی به اندازه ۰/۳۳ انحراف استاندارد خواهیم بود. در نتیجه با توجه به داده‌های گردآوری شده فرضیه فرعی دوم تحقیق مبنی بر وجود تأثیر سرمایه اجتماعی بر خلاقیت سازمانی با احتمال ۹۵٪ تأیید می‌شود.

نتایج مربوط به فرضیه فرعی ۳ تحقیق در جدول ۸ بیان شده است.

جدول ۸) نتایج برآورد ضرایب معناداری t و ضریب مسیر استاندارد شده فرضیه فرعی ۳ تحقیق

نتیجه	مقدار t	ضریب مسیر	فرضیه فرعی ۳
رد	-۰/۰۲	۰/۰۰۰	خلاقیت سازمانی ← کارایی سازمانی

بررسی ضریب خلاقیت سازمانی بر کارایی سازمانی در جدول فوق نشان می‌دهد که این ضریب مسیر به میزان ۰/۰۰۰ برآورد شده است. با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری (t-value) برابر با -۰/۰۲ شده که قدر مطلق آن از ۱/۹۶ کمتر است، پس می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار نیست؛ یعنی خلاقیت سازمانی بر کارایی سازمانی تأثیر معناداری ندارد. در واقع با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات اثر خلاقیت سازمانی، شاهد تغییری در نمرات کارایی سازمانی نخواهیم بود. در با توجه به داده‌های گردآوری شده، فرضیه فرعی سوم تحقیق مبنی بر وجود تأثیر خلاقیت سازمانی بر کارایی سازمانی با احتمال ۹۵٪ تأیید نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که از بین فرضیه‌های تحقیق، فرضیه‌های فرعی ۱ و ۲ (تأثیر سرمایه اجتماعی بر کارایی و تأثیر سرمایه اجتماعی بر خلاقیت سازمانی) تأیید و فرضیه اصلی (تأثیر سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمانی از طریق خلاقیت سازمانی) و فرضیه فرعی ۳ (تأثیر خلاقیت بر کارایی سازمانی) رد شد.

در خصوص رابطه سرمایه اجتماعی با کارایی سازمانی می توان گفت، بُعد ساختاری سرمایه اجتماعی با روابط شبکه‌ای گسترده، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی با ایجاد کانال‌های ارتباطی، تصمیم‌گیری گروهی را تسهیل کرده، زمان و هزینه‌های مربوط به آن را کاهش می‌دهد. همچنین با انعطاف‌پذیر کردن قوانین، گردآوری اطلاعات و انتقال دانش سریع‌تر انجام می‌شود که این مسئله با کارایی رابطه دارد.

کارکنانی که از لحاظ بُعد شناختی سرمایه اجتماعی دارای ظرفیت بالایی هستند، با داشتن اعتماد و همکاری گروهی، آسان‌تر می‌توانند ایده‌های خود را به یکدیگر منتقل و دانش خود را با دیگران تقسیم کنند که این امر باعث بهبود کارایی می‌شود. بُعد ارتباطی سرمایه اجتماعی نیز با افزایش روابط بین کارکنان باعث افزایش اعتماد، احساس هویت، انجام تکالیف و انتظارات و رعایت هنجارها می‌شود که این موضوع سبب افزایش کارایی کارکنان می‌شود. یافته‌های حاصل فرضیه اول فرعی تحقیق، هم راستا با نتایج تحقیق سوزبیلیر (Sozibilir, 2018) است.

یافته‌های پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی بر خلاقیت سازمانی و کارایی سازمانی تأثیر دارد. در خصوص دلائل و نحوه تأثیر سرمایه اجتماعی بر خلاقیت کارکنان می‌توان گفت کارکنانی که سرمایه اجتماعی بالایی دارند، از توانایی بیشتری برای حل اختلافات و کاهش هنجارهای منفی بین خود برخوردارند؛ میزان تعامل و اعتماد بین آنها زیاد است پس ایده‌ها و تفکرات خلاقانه و نوآور را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند و به تبع آن میزان خلاقیت در آنها بهبود می‌یابد. همچنین افراد در سازمان‌هایی با مشارکت، تعهد و اعتماد در سطح بالاتر، برای حراست و حمایت از خود در جهت استثمار نشدن در تعاملات اقتصادی و نظارت بر اعمال خلاف شرکا و همکاران زمان کم‌تری را صرف می‌نمایند؛ لذا تبادل اطلاعات در سطح اعتماد بالا صورت گرفته، فرد از زمان بیشتری برای فکر کردن، خلاقیت، نوآوری و در نهایت کارآفرینی برخوردار است؛ بنابراین سرمایه اجتماعی بر خلاقیت کارکنان تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتایج فرضیه فرعی دوم با یافته‌های فیروزی و کرمی (۱۳۹۵)، فقیه و کریمی (۱۳۹۴)، ویسه و نصراللهی وسطی (۱۳۹۴) و چنگ، تین و لی (Chang, Tein & Lee, 2010) همخوانی دارد.

پیشنهادهای

نتایج این تحقیق تأثیر سرمایه اجتماعی را بر کارایی و خلاقیت سازمانی مورد تأیید قرار داد. از این رو پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود: با توجه به تأثیر سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمانی، مدیران باید به این سرمایه به عنوان محور اصلی مدیریت در سازمان ها توجه کرده، برای افزایش آن برنامه‌های متنوعی در نظر بگیرند. تشویق به ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی یکی از راه‌حل‌های ساختاری افزایش سرمایه اجتماعی است. مدیران دولتی باید از طریق احساس مسئولیت اجتماعی، یگانگی و وحدت با جامعه و پایبندی به اصول اخلاقی بر ضایعه کاهش اعتماد کارکنان غلبه نموده، به ایجاد سرمایه اجتماعی و فضای اطمینان و اعتماد، یاری رسانند.

منابع

- اونق، محمد (۱۳۸۴). "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی". پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- دستگیر، محسن، و دیگران (۱۳۹۳). "تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی شرکت". *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، دوره ششم، ش ۲۱ (بهار): ۱-۳۶.
- رسولی، محمدرضا؛ هدایتی، محمدرضا (۱۳۹۶). "نقش خلاقیت و عوامل مؤثر بر آن در کارایی روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی". *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، دوره هفتم، ش ۲ (پاییز): ۲۱۷-۲۴۲.
- رضائی، روح الله؛ شعبانعلی فمی، حسین؛ صلاحی مقدم، نفیسه (۱۳۹۵). "بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد سازمانی در سازمان جهاد کشاورزی استان البرز". *علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، دوره یازدهم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۱۲۱-۱۳۳.
- غیاثی ندوشن، سعید؛ امین‌الرعا، احسان (۱۳۹۵). "بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری بر میزان بهره‌وری منابع انسانی". *مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، دوره بیست و پنجم، ش ۸۰ (تابستان): ۱۸۳-۲۰۹.
- فقیه عباسی، امیر؛ کریمی، گلناز (۱۳۹۴). "شناسایی رابطه بین ابعاد سرمایه اجتماعی و خلاقیت سازمانی در بین کارکنان آموزش و پرورش سنندج". در: *مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران*. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی: ۱-۸.
- فیروزی، محمدرضا؛ کرمی، میثم (۱۳۹۵). "بررسی نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی در رابطه هوش هیجانی با خلاقیت". *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، دوره پنجم، ش ۴ (بهار): ۵۳-۷۸.
- میرعبداللهی تولون، سیدمحمد (۱۳۹۲). "بررسی تأثیر مدیریت دانش بر یادگیری و خلاقیت سازمانی از دیدگاه مدیران دستگاه‌های اجرایی استان اردبیل". پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت M.A.، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات گیلان.
- نادری مهدی، کریم؛ فطرس، محمدحسن؛ اصفهانی، سیدمحمدجعفر (۱۳۹۴). "رابطه ابعاد

سرمایه اجتماعی و کارایی (مطالعه موردی: زعفران کاران شهرستان فردوس). "پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، دوره چهارم، ش ۲ (تابستان): ۲۱-۳۴.

- ویسه، مهدی؛ نصراللهی وسطی، سیمین (۱۳۹۴). "تأثیر سرمایه اجتماعی بر ایجاد خلاقیت در دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان مدیریت دانشگاه ایلام)". *اسلام و مطالعات اجتماعی*، دوره دوم، ش ۳ (زمستان): ۱۲۱-۱۴۵.

- Alguezaui, Salma; Filieri, Raffaele (2010). "Investigating the role of social capital in innovation: sparse versus dense network". *Journal of knowledge management*, Vol. 14, No. 6: 891-909.

- Brooks, Kit; Muyia Nafukho, Fredrick (2006). "Human resource development, social capital, emotional intelligence: any link to productivity?". *Journal of European industrial training*, Vol. 30, No. 2: 117-128.

- Chang, S. C.; Tein, S. W.; Lee, H. M. (2010). "Social capital, creativity, and new product advantage: An empirical study". *International Journal of Electronic Business Management*, Vol. 8, No. 1: 43-55.

- Chen, J.; Zhu, Z.; Yuan Xie, H. (2004). "Measuring intellectual capital: A new model and empirical study". *Journal of Intellectual capital*, Vol. 5, No. 1: 195-212.

- Coleman, J. S. (1990). *Foundations of Social Theory*. Cambridge: Harvard University Press.

-Dick, G.; Metcalfe, B. (2001). "Managerial factors and organisational commitment-A comparative study of police officers and civilian staff". *International Journal of Public Sector Management*, Vol. 14, No. 2: 111-128.

- Falk, L.; Kilpatrick, S. (2000). "What is social capital? A study of interaction in a rural community". *Sociological Rualis*, Vol. 40, No. 1: 87-110.

- Hou, Y., et al. (2011). "Organizational Commitment and Creativity: the Influence of Thinking Styles". *Annals of Economics & Finance*, Vol. 12, No. 2: 411-431.

- Nahapiet, J.; Ghoshal, S. (1998). "Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage". *Academy of management review*. Vol. 23, No. 2: 242-266.

- Pinprayong, B.; Siengtai, S. (2012). "Restructuring for organizational efficiency in the banking sector in Thailand: A case study of Siam Commercial Bank". *Far East Journal of Psychology and Business*, Vol. 8, No. 2: 29-42.

- Putnam, R. D. (1995). "Bowling alone: America's declining social capital". *Journal of democracy*, Vol. 6, No. 1: 65-78.

- Sozbilir, F. (2018). "The interaction between social capital, creativity and efficiency in organizations". *Thinking Skills and Creativity*, Vol. 27, No. 1: 92-100.

- Starrett, D. (1976). "Social institutions, imperfect information, and the distribution of income". *Journal of Economics*, Vol. 90, No. 2: 261-284.

- Sturgess, G. (1997). "Taking social capital seriously Social capital: The individual". *Civil society and the state*, 49-83.

ردیف	پرسشنامه شماره ۱ (خلاقیت سازمانی)	کاملاً موافقم	موافقم	ممتنع	مخالقم	کاملاً مخالفم
۱	مدیران مأموریت، چشم‌اندازهای سازمان را در خصوص بروز خلاقیت تدوین کرده‌اند و خود زمینه‌ساز بروز خلاقیت در سازمان می‌باشند.					
۲	مدیران سازمان از فعالیت‌های بهبود خلاقیت حمایت می‌کنند و حضور شخصی در این فعالیت‌ها دارند.					
۳	مدیران توانمندسازی (تفویض اختیار)، خلاقیت و نوآوری، ایجاد انگیزه و تشویق می‌کنند.					
۴	خط‌مشی‌ها، استراتژی‌ها و برنامه‌های منابع انسانی سازگار با خط‌مشی و استراتژی تشویق نوآوری ایجاد شده‌اند.					
۵	استخدام و پیشرفت حرفه‌ای منابع انسانی، سازگار با خط‌مشی و استراتژی خلاقیت در سازمان مدیریت شده است.					
۶	سازمان از نظرسنجی و سایر روش‌های اخذ بازخور از کارکنان جهت بهبود خط‌مشی‌ها، استراتژی‌ها و برنامه‌های منابع انسانی در راستای بروز خلاقیت استفاده می‌نماید.					
۷	کیفیت محیطی سازمان (ساختمان‌ها، امکانات، دسترسی‌پذیری خدمات و ...) مطابق با الگوی استاندارد و زمینه‌ساز بروز خلاقیت و نوآوری سازمانی می‌باشد.					
۸	خدمات ارائه شده در سازمان مطابق با انتظارات کارمندان می‌باشد.					
۹	کارکنان سازمان متمایل به ارائه خدمات نوآورانه بوده و از هر گونه سازوکار خلاقانه در کار استقبال می‌کنند.					
۱۰	خط‌مشی و استراتژی سازمان بر اطلاعات پیرامون بروز خلاقیت و نوآوری در کارکنان سطوح مختلف مبتنی است.					
۱۱	خط‌مشی و استراتژی سازمان بر اطلاعات گردآوری شده به منظور تعریف حوزه فعالیت سازمان در حال و آینده و مبتنی بر بروز خلاقیت در کارکنان است.					
۱۲	فرایندهای سازمان بر اطلاعات پیرامون نیازها و انتظارات خلاقانه کارکنان مبتنی است.					
۱۳	قابلیت سازمان در بسترسازی محیطی برای بروز خلاقیت در سطوح مختلف بسیار بالاست.					
۱۴	سازمان سرمایه‌گذاری مناسبی روی برگزاری دوره‌های آموزشی خلاقیت و نوآوری در سازمان دارد.					
۱۵	شاخص‌های فرآیندی سازمان (در رابطه با: بهبودها، ابداعات، کاهش تغییرپذیری، افزایش خلاقیت و نوآوری و ...) مورد استفاده کارکنان در کلیه سطوح سازمان است.					

ردیف	پرسشنامه شماره ۲ (کارایی سازمانی)	کاملاً موافقم	موافقم	ممتنع	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱۶	بازگشت سرمایه (سوددهی) در سازمان ما بالاتر از حد متوسط است.					
۱۷	ارزش افزوده نسبت به هر کارمند در سازمان ما بالاتر از حد متوسط است.					
۱۸	ما با تأمین کنندگان مالی این سازمان مشارکت واقعی برقرار می‌کنیم.					
۱۹	ما روابط بلند مدت و باثباتی با تأمین کنندگان مالی این سازمان داریم.					
۲۰	ما تأمین کنندگان مالی را در فرآیندهای توسعه سازمان درگیر می‌کنیم.					
۲۱	در سازمان ما هیچ موردی وجود ندارد تا کارکنان سازمان را ترک نمایند.					
۲۲	بهره وری کارکنان بسیار بیشتر از حد متوسط است.					
۲۳	اعتماد کارکنان به رهبری بسیار بالا است.					
۲۴	اعتماد در میان خود کارمندان بسیار قوی است.					
۲۵	سازمان ما، در مسائل زندگی کاری کارآمد است.					
۲۶	کارکنان تعهد زیادی به سازمان احساس می‌کنند.					
۲۷	کارمندان بخاطر سازمان، آمادگی لازم به کار اضافی را دارا می‌باشند.					
۲۸	هزینه‌های کار هر کارمند پایین تر از حد متوسط است.					
۲۹	غیبت از کار در سازمان ما (نسبت به رقابت) بسیار پایین است.					
۳۰	کارمندان با وضعیت موجود در شرکت بسیار راضی هستند.					
۳۱	توانایی یادگیری و سازگاری کارمندان بسیار بالا است.					
۳۲	تعداد شکایات ارباب رجوع در دوره گذشته به شدت کاهش یافته است.					
۳۳	ما به شکایات ارباب رجوع سریعتر از رقابت سازمانی عمل می‌کنیم.					
۳۴	ما برای جذب ارباب رجوع جدید برنامه ریزی و طرح داریم.					
۳۵	اعتبار و آبروی سازمان ما در چشم مشتریان بهبود یافته است.					
۳۶	شکل خدمات و سطوح آن در سازمان برای ارباب رجوع آسان بوده است.					

ردیف	پرسشنامه شماره ۳ (سرمایه اجتماعی)	کاملاً موافقم	موافقم	ممتنع	مخالفم	کاملاً مخالفم
۳۷	کارکنان این شرکت به همدیگر اعتماد دارند.					
۳۸	همکارانم در رفتار خود با من صادق و دستکار هستند.					
۳۹	همکارانم اطلاعات مهم را با من در میان می‌گذارند.					

					کارکنان همیشه یکدیگر را از امور مطلع می کنند.	۴۰
					به طور کلی کارکنان این شرکت قابل اعتمادند.	۴۱
					کارکنان این شرکت اطلاعات، ایده ها و دیگر منابعشان را برای انجام وظایف با یکدیگر ترکیب می کنند.	۴۲
					کارکنان به احساسات همدیگر احترام می نهند.	۴۳
					سازمان برای کارکردهای گروه ها و تیم های کاری ارزش زیادی قائل است.	۴۴
					سازمان برای عضویت افراد در گروه ها فرصت های زیادی فراهم می کند.	۴۵
					در شرکت ما تمایل زیادی به راه حل های همکارانه وجود دارد.	۴۶
					کارکنان این شرکت معمولاً به همکاران خود کمک می کنند.	۴۷
					روحیه گروهی و تیمی در میان کارکنان این شرکت وجود دارد.	۴۸
					کارکنان این شرکت در امور مختلف مشارکت و همکاری می کنند.	۴۹
					کارکنان شرکت با یکدیگر رابطه خوبی دارند.	۵۰
					کارکنان شرکت معمولاً هنگام تصمیم گیری اطلاعات و نظرات خود را با یکدیگر مبادله می کنند.	۵۱
					کارکنان شرکت اطلاعات را از روی میل و داوطلبانه با همدیگر تسهیم و تقسیم می کنند.	۵۲
					کارکنان شرکت هنگام بروز مشکل به شیوه ای مفید و سالم با یکدیگر بحث و گفتگو می کنند.	۵۳
					به طور کلی ارزش های کارکنان مشابهت و مطابقت زیادی با اهداف و ارزش های شرکت دارد.	۵۴
					اهداف و ارزش های مشترکی در بین کارکنان این شرکت وجود دارد.	۵۵
					اعتقاد کارکنان بر این است که نیت و اهداف کارکنان خیر و خوب است.	۵۶
					کارکنان این شرکت تفاوت های همکاران خود را به آسانی می پذیرند.	۵۷
					کارکنان شرکت احساسات یکدیگر را درک می کنند و به راحتی با همدیگر کنار می آیند.	۵۸
					کارکنان به شیوه ای سالم و سازنده همدیگر را نقد می کنند.	۵۹
					کارکنان شرکت به احساسات یکدیگر احترام می گذارند.	۶۰
					کارکنان و شرکت نسبت به تحقق اهداف یکدیگر متعهد هستند.	۶۱
					کارکنان خود را عضو یک خانواده مشترک تلقی می کنند.	۶۲
					اصولاً کارکنان نسبت به ارزش های شرکت وفادار هستند.	۶۳
					شرکت و مدیران آن نسبت به ارزش های کارکنان وفادار هستند.	۶۴

بررسی شاخص‌های سلامت اجتماعی زنان شهر فردوس

محمدحسن شربتیان^۱

سال چهاردهم، شماره اول، پاییز ۱۳۹۸

شماره صفحه: ۴۷-۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۰

چکیده

سلامت اجتماعی عبارت است از ارزیابی توانایی انجام مؤثر، کارآمدی عملکردها، مهارتها و نقش‌های اجتماعی فرد در جامعه تعریف می‌شود. هدف از نوشتار حاضر ارزیابی وضعیت سلامت اجتماعی زنان شهر فردوس بوده است. این تحقیق بر مبنای نظریه کییز و با روش پیمایشی از نوع توصیفی انجام شده، جامعه آماری آن را زنان ۲۰ تا ۴۵ ساله شهر فردوس در سال ۱۳۹۵ تشکیل می‌دهند که براساس فرمول کوکران ۳۰۴ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه استاندارد شده سلامت اجتماعی کییز است؛ و میزان آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۷۲۴ در حد متوسط بدست آمده است. نتایج نشان داد که میانگین سنی بین گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ ساله بیشتر از سایر گروه‌ها بوده است؛ و ۶۶٪ جامعه زنان متأهل و در حدود ۴۲٪ زنان تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. در بین متغیرهای زمینه‌ای مورد سنجش در این پژوهش، میزان درآمد ماهیانه خانوار رابطه معناداری با سلامت اجتماعی داشته است. میانگین بهره‌مندی زنان از شاخص‌های سلامت اجتماعی در حد متوسط رو به بالا (۶۴٪) بوده است. از میان میانگین

۱. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران. پژوهشگر اجتماعی و مدرس دانشگاه جامع علمی-

مؤلفه‌های سلامت اجتماعی به ترتیب انطباق اجتماعی (۲۴/۳۹)، پذیرش اجتماعی (۲۲/۷۱)، شکوفایی اجتماعی (۲۱/۴۴)، انسجام اجتماعی (۱۹/۴۱) و سهم‌داشت اجتماعی (۱۶/۴۱) حائز اهمیت بوده است. با توجه به نتایج باید اشاره به این کرد که وضعیت سلامت اجتماعی زنان در راستای توانمندی‌ها، عملکردها، سطوح مهارت‌های اجتماعی و نقش‌های جمعی زندگی از موقعیت مناسب و روبه بالایی برخوردار است.

واژگان کلیدی: سلامت اجتماعی، زنان، شهر فردوس

مقدمه

سلامتی و رفاه، در گسترده‌ترین معنا، پدیده‌ای است که همواره مورد علاقه و توجه همه‌ی انسان‌ها، گروه‌های اجتماعی و جوامع بشری بوده است. با در نظر گرفتن سلامت به منزله‌ی مفهومی متأثر از مجموعه پیچیده‌ای از عوامل زیستی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و محیطی، باید اذعان داشت که در این معنا، سلامتی فقط دغدغه دست‌اندرکاران علوم زیستی و پزشکی نیست، بلکه همه دانشمندان علوم اجتماعی و انسانی بویژه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان نیز به بررسی آن علاقه‌مند شده‌اند (هزارجریبی، صفری شالی، ۱۳۹۱: ۲۹۸). با توجه به اهمیت این موضوع، کیز^۱ حلقه مفقوده مطالعات مربوط به سلامت را در جامعه جستجو می‌کند و در صدد پاسخ به این سؤال است که آیا ممکن است کیفیت زندگی و عملکرد شخصی افراد بدون توجه به معیارهای اجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرد؟ وی پاسخ می‌دهد که سلامت اجتماعی^۲ می‌تواند عملکرد خوب زندگی افراد را تحت پوشش قرار دهد و این نوع سلامت چیزی بیش از سلامت جسمی و روانی است که می‌تواند تکالیف و چالش‌های اجتماعی را نیز در برگیرد (صفاری نیا، ۱۳۹۴: ۲۵).

بر این مبنا امروزه، سلامت اجتماعی به منزله یکی از ابعاد سلامت، در کنار سلامت جسمانی و روانی، نقش گسترده‌ای یافته است؛ به گونه‌ای که دیگر سلامتی، فقط عاری بودن از بیماری‌های

1. Keyes

2. Social Health

جسمی و روانی نیست، بلکه چگونگی عملکرد انسان در روابط اجتماعی و چگونگی تفکر وی در باب اجتماع نیز به منزله معیارهای ارزیابی سلامت فرد در سطح کلان جامعه به شمار می‌رود (Roothman, et. al, 2003: 215).

سلامت اجتماعی گاه یک ویژگی فردی و بخشی از سلامت فرد و زمانی ویژگی جامعه و مترادف با جامعه سالم شمرده می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت فرد سالم کسی است که از نظر اجتماعی، جامعه را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم و بالقوه برای رشد و شکوفایی دانسته و احساس می‌کند که به جامعه تعلق دارد، از طرف جامعه پذیرفته می‌شود و در پیشرفت آن سهیم است (Negovan, 2013: 89) در نهایت در یک جامعه پایدار، برابری، آموزش، بهداشت و احترام به حقوق دیگر انسان‌ها و برخورداری از نیازهای اساسی، از ملزومات یک جامعه و شاخص‌های توسعه آن به شمار می‌رود (سجادی و صدرالسادات، ۱۳۸۴: ۲۴۴). در این راستا موضوع سلامت اجتماعی زنان یک مسئله حیاتی است که امروزه با چالش‌های فراوانی روبرو شده است.

بنا بر نظریه کییز، سلامت اجتماعی به چگونگی عملکرد انسان در روابط اجتماعی و چگونگی تفکر وی در باب اجتماع به منزله معیاری در سطح خرد و کلان مورد مطالعه قرار می‌گیرد (بخارایی، شربتیان و طوافی، ۱۳۹۴: ۳). بنابراین، پرداختن به مسائل سلامت (جسمانی، روانی و اجتماعی) زنان می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم نقش بسزایی در تأمین سلامت عمومی جامعه داشته باشد.

از این‌رو سلامت زنان در قالب پیوستاری در نظر گرفته می‌شود که در چرخه زندگی با کیفیت زندگی ارتباط بسیاری دارد. زنانی که از سلامت اجتماعی برخوردارند، ممکن است بتوانند در چالش‌های ناشی از ایفای نقش‌های اصلی اجتماعی موفق‌تر عمل کرده، سهم بیشتری در فعالیت‌های جمعی داشته باشند؛ در نتیجه انتظار می‌رود با هنجارهای اجتماعی و شرایطی که می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی که ابعادی فراتر از قلمرو رفتارهای فردی دارد، تطابق بیشتری داشته باشند (فتحی، عجم‌نژاد و خاک‌رنگین، ۱۳۸۹: ۲۲۷-۲۲۸).

در سال‌های اخیر، تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، دانشگاهی و... در تمام مناطق شهری و روستایی جامعه ما باعث شده که موضوعات و مسائل بین رشته‌ای برای پژوهشگران، دانشجویان،

دانشگاهیان و سازمان‌های مرتبط با حوزه مسائل انسانی برای شناخت بهتر و ارتقای کیفیت زندگی گروه‌های مختلف جامعه از جمله زنان مورد اهمیت قرار گیرد. بنابراین پژوهش‌هایی جدید و بین رشته‌ای برای گروه‌های اجتماعی زنان در راستای سنجش وضعیت پدیده‌های انسانی از جمله سلامت اجتماعی حائز اهمیت است، از سوی دیگر تأثیر عوامل شکل‌گیری این پدیده‌ها برای گروه‌های اجتماعی بویژه زنان از منظر رویکرد بین رشته‌ای در یک دهه اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به اینکه سنجش موقعیت و سیاست‌گذاری اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی و تقویت شاخص‌های رفاه اجتماعی شهروندان و گروه‌های اجتماعی زنان در یک دهه اخیر مورد توجه روانشناسان، برنامه‌ریزان شهری، جامعه‌شناسان و سایر صاحب نظران قرار گرفته است، ساختار زندگی شهروندان بویژه زنان شهر فردوس خراسان جنوبی هم از این توجه تأثیر پذیرفته است. با توجه به روند تحولات همه جانبه ساختار زندگی اجتماعی در یک دهه اخیر، زندگی سنتی شهروندان این جامعه بومی نیز در راستای ارتقای کیفیت زندگی شهری و تقویت شاخص‌های رفاه اجتماعی شهروندان متحول شده است؛ اما از آنجایی که تاکنون پژوهشی در این خصوص انجام نشده است، لذا پژوهش حاضر به‌عنوان توصیفی از وضع موجود، یکی از شاخص‌های رفاه را در جهت ارتقای کیفیت زندگی زنان مورد مطالعه قرار می‌دهد. با توجه به این نکته که ساختار شهرستان‌های استان خراسان جنوبی از جمله فردوس، ساختاری نیمه سنتی و در حال گذار است و این فرایند، نظم اجتماعی و سنتی ساختار زندگی شهروندان را دستخوش تغییراتی کرده است؛ بنابراین در نوشتار حاضر، شاخص سلامت اجتماعی زنان این شهر در فرایند گذار مورد سنجش قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که این شاخص‌ها باید بر اساس یک رویکرد بومی و بین رشته‌ای سنجیده شود و عوامل مؤثر بر آن تبیین و تحلیل گردد.

بنابراین با حصول نتایج این پژوهش می‌توان سیاست‌گذاری اجتماعی و برنامه‌ریزی‌های رفاهی را از سوی صاحب نظران، کارشناسان و مدیران عالی رتبه در جهت ارتقای کیفیت زندگی جامعه آماری مورد توجه قرار داد تا کیفیت زندگی زنان جامعه مذکور بهتر شده، در سایه تدوین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بومی و محلی از آسیب‌های اجتماعی و روانی کاسته شده، در لوای

تصحیح شیوه‌های رفتاری و مهارتی روابط شهروندان بهبود یابد.

هدف پژوهش حاضر این است که سلامت اجتماعی و مؤلفه‌های آن به‌عنوان یکی از شاخص‌های ابعاد اجتماعی و روانی کیفیت زندگی و سلامت پایدار زنان در قالب پرسشنامه استاندارد شده مورد مطالعه قرار گیرد تا با ارزیابی وضعیت مؤلفه‌های این حوزه از سوی مسئولین و برنامه‌ریزان، سطح شاخص‌های کیفیت زندگی شهری زنان در آینده بهبود یابد. بر این مبنا پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

بهره‌مندی زنان شهر فردوس از مؤلفه‌های شاخص سلامت اجتماعی چقدر است؟

و رابطه معناداری بین ویژگی‌های جمعیت شناختی جامعه مورد مطالعه با این متغیر وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که تاکنون در ارتباط با موضوع مورد مطالعه، در داخل و خارج از کشور انجام شده است، به اختصار از این قرارند:

فیروزبخت، ریاحی و تیرگر (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی زنان: یک مطالعه مروری در مجلات فارسی» نشان می‌دهند که عوامل فردی مانند اشتغال، تحصیلات و وضعیت اجتماعی-اقتصادی بر سلامت اجتماعی زنان تأثیرگذار است که از این میان، اشتغال زنان تأثیری دوسویه بر سلامت آنان دارد. در سویه منفی، اشتغال زنان در ترکیب با تعهدات خانگی، به تضاد و تناقض نقش‌ها، سوء عملکرد اجتماعی و روابط مخدوش با دیگران (خانواده، محیط کار و اجتماع بزرگتر) منجر شده و کلیت سلامت (جسمی، روانی، اجتماعی) آنان را به خطر می‌اندازد. در سویه مثبت نیز مطلوبیت شرایط شغلی (حقوق و مزایا، امنیت شغلی، حمایت سازمانی و ...) بیشترین اثر را داشته است.

قاضی‌نژاد و سنگری سلیمانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «رابطه شغل و سلامت اجتماعی زنان» بر این باورند که صرف داشتن شغل تغییری در میزان سلامت اجتماعی زنان ایجاد نمی‌کند؛ آنچه مهم است مؤلفه‌های ماهوی شغلی، شامل نوع شغل، مطلوبیت شرایط شغلی و توانمندی‌های اجتماعی و روانی (پیامدهای شغلی) است که بر سلامت اجتماعی آنان تأثیرگذار است. زنان شاغل برخوردار از استقلال مالی، روابط اجتماعی قوی و حمایت

اجتماعی بالا، سلامت اجتماعی بیشتری دارند.

شربتیان و طوافی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی شاخص‌های احساس بهزیستی اجتماعی شهروندان شهر مشهد» نشان می‌دهند که میزان بهزیستی اجتماعی در بین جامعه آماری مورد مطالعه با ۴۸٪ در سطح بالایی است. بر اساس نظریه کییز پاسخگویان مناطق شهری (۱، ۹ و ۱۱)، دیدگاه مطلوبی نسبت به ماهیت انسان دارند و با دیگران احساس راحتی کرده، اجتماع و مردم آن را با همه نقص‌ها و جنبه‌های مثبت و منفی باور داشته، می‌پذیرند. همچنین یافته‌ها نشان داد که پاسخگویان از اینکه اجتماع سرنوشت خود را در دست دارد و به مدد توان بالقوه‌اش مسیر تکاملی خود را کنترل می‌کند، ارزیابی مثبتی دارند.

افشانی و شیرمحمدی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه رضایت از زندگی و سلامت اجتماعی زنان شهر یزد» نشان داده‌اند که میزان سلامت اجتماعی و رضایت از زندگی پاسخگویان در سطح متوسط بوده است و بین میزان رضایت از زندگی و ابعاد سلامت اجتماعی (انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و انطباق اجتماعی) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. از بین ابعاد سلامت اجتماعی مؤلفه پذیرش اجتماعی قوی‌ترین و متغیر شکوفایی اجتماعی ضعیف‌ترین رابطه را با رضایت از زندگی زنان دارند.

ایمنی (۱۳۹۴) در بررسی «تأثیر امنیت اجتماعی بر سلامت اجتماعی زنان منطقه چهار شهر تهران» بر اساس تئوری مازلو نشان داده است که میزان سلامت اجتماعی زنان در حد متوسط به بالا بوده و بین احساس امنیت اجتماعی و ابعاد آن با میزان سلامت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون چند متغیره هم نشان داده است که متغیرهای گرایش دینی و احساس امنیت اجتماعی زنان به بهترین وجه متغیر سلامت اجتماعی را تبیین می‌کنند.

آباجی‌زاده و دیگران (Abachizadeh, et.al, 2014) در پژوهشی با عنوان «اندازه‌گیری سلامت اجتماعی خود امتیاز از ایرانیان (یک بررسی مبتنی بر جمعیت سه شهرستان)» نشان داده‌اند که میانگین نمره سلامت اجتماعی نمونه مورد بررسی، برابر با ۱۰۵ بوده است و ۵۰٪ شرکت‌کنندگان در سطح متوسط از سلامت اجتماعی برخوردار بوده‌اند. نمره سلامت اجتماعی در ارومیه بالاتر از تهران برآورد شده است. در این مقاله صرفاً سنجش شاخص‌های سلامت اجتماعی به اختصار بیان شده

است و رابطه آن با متغیرهای زمینه‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است.

ساراسینو (Sarracino, 2013) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه سرمایه اجتماعی و فرایند بهزیستن در بین یازده کشور اروپایی» به بررسی رابطه این دو متغیر می‌پردازد. او از نتایج تحقیق خود دریافت که سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن با بهزیستی رابطه مثبت و معناداری دارد؛ یعنی وقتی افراد از شبکه‌های بیشتری برخوردارند (سرمایه اجتماعی بیشتری دارند)، رضایت از زندگی و بهزیستی روانی و اجتماعی بالاتری نیز دارند.

یاماوکا (Yamaoka, 2008) طی مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و سلامت و بهزیستی در آسیای شرقی مطالعه‌ای مبتنی بر شاخص‌های جمعیتی» به این نتیجه رسیده است که بین سرمایه اجتماعی و بهزیستی رابطه معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی افرادی که در زندگی، فردی اجتماعی هستند و دوستان بیشتری دارند، از سلامت اجتماعی و بهزیستی اجتماعی بالاتری برخوردارند.

در نهایت شایان ذکر است که مفهوم حاضر به عنوان شاخصی از مباحث برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی شهروندان می‌تواند سهم عمده‌ای در حل مسائل اجتماعی جامعه بالاخص برای این گروه اجتماعی داشته باشد، با توجه به اینکه محققان به توصیف و سنجش مؤلفه‌های این شاخص در جامعه سنتی فردوس نپرداخته‌اند و سازمان‌های ذی‌ربط نیز چه در سطح محلی و چه استانی، برنامه‌ریزی خاصی در این رابطه نداشته‌اند، لذا توصیف و تفسیر وضعیت مؤلفه‌های این متغیر می‌تواند در راستای برنامه‌ریزی‌های روانی و اجتماعی زندگی زنان این شهر برای بسترسازی تحولات مثبت اجتماعی و سلامت پایدار و حل مشکلات و معضلات اجتماعی در جهت توسعه پایدار این جامعه سنتی نقش بارزی داشته باشد. علاوه بر اینکه توصیف و تحلیل مؤلفه‌های سلامت اجتماعی زنان می‌تواند از طریق استمرار اجرای برنامه‌های بهتر زیستن با حوزه کیفیت زندگی زنان و شاخص‌های آن ارتباط تنگاتنگی داشته باشد.

چارچوب نظری

سلامت اجتماعی، مفهومی است که در کنار ابعاد جسمی و روانی سلامت مورد توجه قرار گرفته است. نظریه سلامت اجتماعی کیز از یک اصل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی نشأت

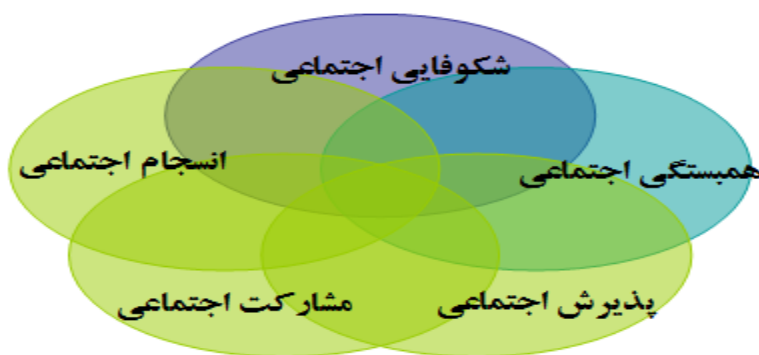
می‌گیرد. به عقیده او سلامت اجتماعی چگونگی ارزیابی فرد از عملکردش در برابر اجتماع است. فرد سالم از نظر اجتماعی، اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم و بالقوه برای رشد و شکوفایی دانسته و احساس می‌کند که به جامعه تعلق دارد، از طرف جامعه پذیرفته می‌شود و در پیشرفت آن سهم است (Keyes & Shapiro, 2004: 5).

کیز پنج ملاک را برای سلامت اجتماعی برمی‌شمارد که هم راستا با نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بسط پیدا می‌کند. یکی از این مؤلفه‌ها انطباق اجتماعی^۱ است. انطباق اجتماعی، با بی معنا بودن زندگی قابل مقایسه است و دیدگاه قابل سنجش و قابل پیش‌بینی بودن جامعه را شامل می‌شود. از حیث روان‌شناختی، افراد سالم زندگی شخصی خود را با معنا و منسجم می‌بینند (حاتمی، ۱۳۸۹: ۳۰). از دیگر مؤلفه‌های این شاخص انسجام اجتماعی^۲ است. به معنای احساس بخشی از جامعه بودن، فکر کردن به اینکه فرد به جامعه تعلق دارد. احساس حمایت شدن از طریق جامعه و سهم داشتن در آن؛ بنابراین انسجام اجتماعی آن درجه‌ای است که در آن مردم احساس می‌کنند که چیز مشترکی بین آنها و کسانی که واقعیت اجتماعی آنها را می‌سازند وجود دارد مثل همسایه‌هایشان (سام‌آرام، ۱۳۸۸: ۱۸). دیگر مؤلفه این شاخص سهم داشت اجتماعی^۳ است، که عبارت از ارزیابی ارزش اجتماعی فرد است و شامل این موضوع است که فرد جزئی مهم از جامعه محسوب می‌گردد و چه ارزشی را به جهان اجتماعی خود اضافه می‌کند (Keyes & Shapiro, 2004: 542). مؤلفه بعدی این شاخص شکوفایی اجتماعی^۴ است که ارزیابی پتانسیل و خط سیر جامعه و درک افراد از این موضوع است که آن‌ها هم از رشد اجتماعی سود خواهند برد و اینکه نهادها و افراد حاضر در جامعه به شکلی در حال شکوفایی‌اند که نوید دهنده توسعه بهینه است، هرچند این امر برای همه افراد درست نیست (Keyes, 1998: 123). آخرین مؤلفه این شاخص پذیرش اجتماعی^۵ است که پذیرش تکثر با

-
1. Social coherence
 2. Social Integration
 3. Social Contribution
 4. Social Actualization
 5. Social acceptance

دیگران، اعتماد به خوب بودن ذاتی دیگران و نگاه مثبت به ماهیت انسان‌ها را در برمی‌گیرد که همگی آنها باعث می‌شوند فرد در کنار سایر اعضای جامعه انسانی، احساس راحتی کند (صفاری‌نیا، ۱۳۹۴: ۸۸).

با توجه به مؤلفه‌های نظری مطرح شده در خصوص شاخص سلامت اجتماعی، این مؤلفه‌ها در قالب یک مدل پنج بعدی به‌عنوان شاخصی از متغیر سلامت کیفیت زندگی افراد هر جامعه‌ای، قابل‌سنجش و توصیف خواهد بود. طبق این مدل، فرد سالم، از نظر اجتماعی، زمانی عملکرد خوبی دارد که اجتماع را به‌صورت یک مجموعه معنادار، درک کند و برای رشد و شکوفایی خود در راستای پیشرفت جامعه تلاش کند. بنابراین به گروه‌های اجتماعی احساس تعلق داشته، خود را در پیشرفت اجتماعات محلی و در نهایت جامعه سهیم می‌داند. بر این اساس محتوای مقیاس مؤلفه‌های سلامت اجتماعی به صورت گویه‌های مثبت مبتنی بر دامنه طیف پژوهشی به ارزیابی تجربیات فرد در زندگی اجتماعی می‌پردازد. این مقیاس جدید در سطح بین فردی (اجتماعی) به صورت مثبت‌نگر در پی آن است که رویه‌های مثبت زندگی اجتماعی را تقویت کند تا از طریق آن بتوان آسیب‌های اجتماعی و روانی زندگی را که گریبان‌گیر جامعه است کاهش داد. نمودار ۱ مؤلفه‌های شاخص سلامت اجتماعی را که به بهتر زیستن اجتماعی افراد در زندگی کمک می‌کند، نشان می‌دهد.



نمودار (۱) مؤلفه‌های شاخص سلامت اجتماعی

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مبانی نظری، فرضیه‌های تحقیق از این قرارند:

- بین سن زنان و شاخص‌های سلامت اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- میزان تحصیلات زنان و شاخص‌های سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- میزان درآمد ماهیانه خانواده و شاخص‌های سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- میانگین شاخص سلامت اجتماعی در بین مجردان و متأهلین، متفاوت است.

روش‌شناسی تحقیق

الگوی بررسی

این تحقیق، به روش پیمایشی از نوع کاربردی است. جامعه آماری این تحقیق کلیه زنان ۲۰ تا ۴۵ ساله شهر فردوس بوده‌اند که طبق آخرین سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۵)، تعداد کل افراد جامعه مورد مطالعه ۶۸۴۵ نفر بوده و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران کمی و با احتساب واریانس ۳۰۴ نفر انتخاب شده‌اند. در این پژوهش بر اساس شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده مناطق و محله‌های مختلف شهر فردوس به طور برابر در حجم نمونه قرار گرفته‌اند.

$$n = \frac{Nt^2.S^2}{Nd^2 + t^2s^2} = \frac{6845 \times 1.16^2 \times 0.5^2}{6845 \times 0.005^2 + 1.16^2 \times 0.5^2} = 304$$

سؤالات پرسشنامه استاندارد شده کبیز (۱۹۹۸) برای بررسی روان‌سنجی با استفاده از تحلیل عوامل تأییدی مدل پنج بعدی (شکوفایی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و انطباق اجتماعی) مبتنی بر مقیاس ترتیبی حاوی ۳۳ گویه بر مبنای طیف لیکرت و باز دامنه (۱ تا ۵) بر روی دو نمونه ۳۷۳ و ۲۸۸۷ نفری در جامعه آمریکا اجرا شد (محقق کی‌مال و عبدالله تباردرزی، ۱۳۹۵: ۵۰). میزان ضرایب آلفای کرونباخ در مطالعه اول برای ابعاد انسجام اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و پذیرش اجتماعی به ترتیب برابر با ۰/۵۷، ۰/۶۹، ۰/۸۱، ۰/۷۵ و ۰/۷۷ در مطالعه دوم به ترتیب برابر با ۰/۶۴، ۰/۶۴، ۰/۷۳، ۰/۶۶ و ۰/۴۱ به‌دست آمد که ضرایب قابل قبولی است (صفاری‌نیا، ۱۳۹۱: ۶۰).

تعریف مفاهیم

با توجه به آنچه که در مبانی نظری تحقیق به اجمال بیان شد در راستای تعاریف عملیاتی مؤلفه-های متغیر سلامت اجتماعی در این تحقیق، جدول ۱ به اجمال به این تعاریف می‌پردازد.

جدول (۱) تعاریف مفهومی و عملیاتی

متغیر و مؤلفه‌ها	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی	گویه
سلامت اجتماعی	انسجام اجتماعی	ارزیابی یک فرد با در نظر گرفتن کیفیت همراهی او با جامعه اطرافش است. (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱: ۳۱۷)	۱- من فکر می‌کنم متعلق به مجموعه‌ای به نام جامعه هستم. ۲- من فکر می‌کنم که بخشی مهم از اجتماعم هستم. ۳- من فکر می‌کنم اگر خواسته یا ایده‌ای برای گفتن داشتم، سایر افراد به من توجه می‌کردند. ۴- جامعه من منبع آرامش و راحتی من است. ۵- من فکر می‌کنم اگر خواسته یا ایده‌ای برای گفتن داشتم جامعه من را جدی نمی‌گرفت. ۶- سایر افراد اجتماع برای من به‌عنوان یک شخص ارزش قائل‌اند. ۷- من نسبت به سایر افراد اجتماعم احساس نزدیکی نمی‌کنم.
	پذیرش اجتماعی	درک فرد از جامعه با توجه به خصوصیات سایر افراد است. به عبارت دیگر پذیرش تکثر با دیگران، اعتماد به خوب بودن ذاتی دیگران (صفاری‌نیا، ۱۳۹۴: ۸۹)	۱- رفتار من روی سایر افراد اجتماعم اثر می‌گذارد. ۲- من فکر می‌کنم افراد دیگر قابل اعتماد هستند. ۳- به نظر من مردم مهربانند. ۴- به نظر من مردم خودم‌محورند. ۵- من احساس می‌کنم که مردم قابل اعتماد نیستند. ۶- من فکر می‌کنم که مردم فقط برای خودشان زندگی می‌کنند. ۷- من فکر می‌کنم مردم به مشکلات افراد دیگر اهمیت می‌دهند.

	مشارکت اجتماعی	نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده تعریف می‌شود (صفاری‌نیا، ۱۳۹۱: ۶۰).	ارزیابی که فرد از ارزش اجتماعی خود دارد و احساس می‌کند سهم مهمی در جامعه خود دارد.	۱- من فکر می‌کنم می‌توانم کار ارزشمندی به دنیا عرضه کنم. ۲- فعالیت‌های روزانه من هیچ نتیجه ارزنده‌ای برای جامعه ندارد. ۳- من زمان و توان لازم را ندارم تا چیز مهمی به جامعه‌ام عرضه کنم. ۴- من فکر می‌کنم کار من نتیجه مهمی برای جامعه ندارد. ۵- من محصول ارزشمندی برای سهمی شدن در اجتماع ندارم. ۶- به نظر من مردم این روزها بیشتر متقلب شده‌اند.
	شکوفایی اجتماعی	ارزیابی پتانسیل و خط سیر جامعه است. درک افراد از این موضوع که آن‌ها هم از رشد اجتماعی سود خواهند برد و اینکه نهادها و افراد حاضر در جامعه به شکلی در حال شکوفایی‌اند (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱: ۳۱۴)	احساس نسبت به پیشرفت در جامعه و اعتقاد به اینکه نظام اجتماعی عاملی مؤثر در پیشرفت فرد خواهند بود.	۱- من معتقدم که اجتماع مانع پیشرفت من است. ۲- من معتقدم که اجتماع در جهت تحقق خواسته‌های من تغییر نمی‌کند. ۳- من فکر نمی‌کنم که تشکیلات اجتماعی نظیر قانون و دولت در زندگی من مؤثر باشند. ۴- من اجتماع را به‌صورت یک تحول دائمی می‌بینم. ۵- به نظر من جامعه مکانی پربار و مفید برای افراد آن است. ۶- به نظر من پیشرفت اجتماعی، مفهومی ندارد. ۷- به نظر من دنیا برای هر فرد دارد مکانی بهتری می‌شود
	هستی اجتماعی	اعتقاد به اینکه اجتماع قابل فهم، منطقی و قابل پیش بینی است. دانستن و علاقه مند بودن به جامعه و مفاهیم مربوط به آن (سام- آرام، ۱۳۹۲: ۱۱)	احساس درک کردن تغییرات پیچیده جامعه و سازگاری با آن	۱- دنیا برای من پیچیده است. ۲- محققین تنها افرادی هستند که می‌توانند آنچه پیرامون دنیای اطرافشان رخ می‌دهد، درک کنند. ۳- من نمی‌توانم بفهمم که در دنیا چه پیش خواهد آمد. ۴- اغلب فرهنگ‌ها آن قدر عجیب و بیگانه هستند که من از آن‌ها سر در نمی‌آورم. ۵- به نظر من دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم ارزش درک کردن دارد. ۶- به نظر من پیش‌بینی آنچه در اجتماع آینده اتفاق خواهد افتاد، کار سختی است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

از آنجایی که تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار Spss22 صورت گرفته است؛ لذا استفاده از سازه سلامت اجتماعی در این تحقیق، مبتنی بر نتایج تأیید تحلیل عاملی و اعتبار سازه‌ای شاخص‌ها و مؤلفه‌های یاد محاسبه شده است، با توجه به این نکته، نتایج آزمون KMO برای سازه مذکور برابر با ۰/۷۸۹ به‌دست آمده است؛ بنابراین داده‌های تحقیق قابل تقلیل به تعدادی عامل زیربنایی و بنیادی بوده است. همچنین نتیجه آزمون بارتلت برای سازه در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنی‌دار بدست آمده که نشان می‌دهد ماتریس همبستگی بین گویه‌ها، ماتریس همانی و واحد نیست؛ به عبارتی از یک طرف بین گویه‌های داخل هر عامل همبستگی بالایی وجود دارد و از طرف دیگر بین گویه‌های یک عامل با گویه‌های عامل دیگر هیچ‌گونه همبستگی مشاهده نمی‌شود که نشان از اعتبار سازه است. همچنین از آلفای کرونباخ جهت پایایی و همسازی درونی سؤالات استفاده شده است جدول ۲ مقادیر پایایی درونی متغیرها، آزمون بارتلت و KMO را نشان می‌دهد.

جدول ۲) ضریب پایایی متغیر سلامت اجتماعی و مؤلفه‌های آن

متغیر / مؤلفه	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	KMO	آزمون بارتلت	درجه آزادی	سطح معناداری
انجام اجتماعی	۷	۰/۶۸۶	۰/۷۶۳	۳۰۱/۴۶۰	۲۱	۰/۰۰۰
پذیرش اجتماعی	۷	۰/۷۰۰	۰/۶۵۴	۳۵۸/۴۵۷	۲۱	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی	۶	۰/۷۴۱	۰/۶۶۸	۳۳۱/۰۷۷	۱۵	۰/۰۰۰
همبستگی اجتماعی	۶	۰/۷۵۵	۰/۷۶۳	۲۵۵/۳۳۴	۱۵	۰/۰۰۰
شکوفایی اجتماعی	۷	۰/۷۳۱	۰/۶۸۴	۲۳۹/۲۸۱	۱۵	۰/۰۰۰
سلامت اجتماعی	۳۳	۰/۷۲۴	۰/۷۸۰	۲۷۹۲/۳۲۶	۴۹۶	۰/۰۰۰

بر اساس داده‌های جدول فوق مقدار آلفای سلامت اجتماعی ۰/۷۲۴ و آزمون KMO مقدار متغیر سلامت اجتماعی ۰/۷۸۰ به‌دست آمده است، در نتیجه آزمون بارتلت ۲۷۹۲/۳۲۶ متغیر یاد شده در

سطح خطای ۰/۰۵ بوده است در نهایت می‌توان گفت ۸ عامل از ۳۳ عامل سلامت اجتماعی توانسته‌اند در این تحقیق در حدود ۵۸/۸۳۷٪ از واریانس ۳۳ گویه مرتبط با مقیاس سلامت اجتماعی را تبیین کنند.

ارائه یافته‌ها

در این تحقیق متغیرهای جمعیت‌شناختی زنان جامعه آماری پژوهش چون: سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات و درآمد ماهیانه خانواده به‌عنوان شاخص‌های متغیر زمینه‌ای در نظر گرفته شده که نتایج آن در جداول ۳ مشاهده است.

جدول ۳) توزیع فراوانی گروه‌های سنی و وضعیت تأهل زنان

سن	فراوانی	درصد
۲۰-۲۵ سال	۱۹۶	۶۴/۵
۲۶-۳۰ سال	۰	۰
۳۱-۳۵ سال	۴۲	۱۳/۸
۳۶-۴۰ سال	۴۲	۱۳/۸
۴۱-۴۵	۲۴	۷/۹
جمع	۳۰۴	۱۰۰
میانگین	۲۹/۷۰	
وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
مجرد	۷۰	۲۳
متأهل	۲۰۳	۶۶/۸
مطلقه	۲۱	۶/۹
همسر فوت شده	۱۰	۳/۳
جمع	۳۰۴	۱۰۰

جدول ۳ نشان می‌دهد بیش از نیمی پاسخگویان جامعه مورد مطالعه ما را زنان ۲۰ تا ۲۵ ساله شهر فردوس تشکیل داده و میانگین سنی پاسخگویان ۳۰ سال بوده است. همچنین بیش از ۲/۳ پاسخگویان حاضر در این تحقیق متأهل بوده‌اند.

جدول ۴) توزیع فراوانی میزان تحصیلات و درآمد ماهیانه خانواده

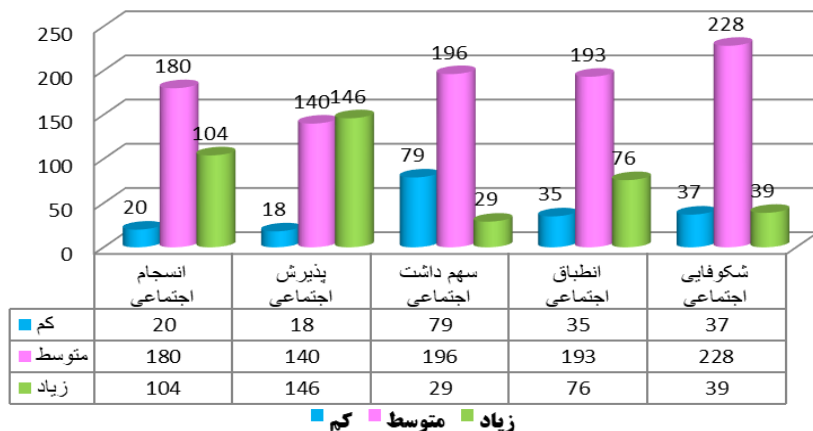
درصد	فراوانی	میزان تحصیلات
۰/۳	۱	ابتدایی
۴/۹	۱۵	راهنمایی
۲۵/۷	۷۸	دیپلم
۲۱/۱	۶۴	فوق دیپلم
۴۱/۸	۱۲۷	لیسانس
۶/۳	۱۹	فوق لیسانس و بالاتر
۱۰۰	۳۰۴	جمع
درصد	فراوانی	میزان درآمد ماهیانه خانواده
۴/۳	۱۳	بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان
۱۲/۵	۳۸	بین ۳۰۱ تا ۵۰۰ هزار تومان
۲۳	۷۰	بین ۵۰۱ تا ۷۰۰ هزار تومان
۹/۲	۲۸	بین ۷۰۱ تا ۹۰۰ هزار تومان
۱۶/۴	۵۰	بین ۹۰۱ تا یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان
۳۴/۵	۱۰۵	بالاتر از یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان
۱۰۰	۳۰۴	جمع

داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان تحصیلات دانشگاهی دارند. همچنین میزان درآمد بیشتر از یک سوم پاسخگویان بالاتر از یک میلیون و یکصد هزار تومان بوده است.

جدول ۵) توزیع فراوانی پاسخگویان (زنان) در بین شاخص‌های سلامت اجتماعی

شاخص	کم	متوسط	زیاد	میانگین	انحراف معیار	واریانس
انسجام اجتماعی	۲۰	۱۸۰	۱۰۴	۱۹/۴۱	۲/۵۶۰	۶/۵۵۴
	۶/۶	۵۹/۲	۳۴/۲			
پذیرش اجتماعی	۱۸	۱۴۰	۱۴۶	۲۲/۷۱	۳/۵۴۵	۱۲/۵۶۴
	۵/۹	۴۶/۱	۴۸			
سه‌م‌داشت اجتماعی	۷۹	۱۹۶	۲۹	۱۶/۴۱	۲/۵۸۱	۶/۶۶۵
	۲۶	۶۴/۵	۹/۵			
انطباق اجتماعی	۳۵	۱۹۳	۷۶	۲۴/۳۹	۳/۲۳۶	۱۰/۴۶۹
	۱۱/۵	۶۳/۵	۲۵			
شکوفایی اجتماعی	۳۷	۲۲۸	۳۹	۲۱/۴۴	۲/۹۸۲	۸/۸۹۵
	۱۲/۲	۷۵	۱۲/۸			

بر اساس داده‌های جدول ۵، مؤلفه‌های متغیر مورد مطالعه به ترتیب ابعاد انطباق، پذیرش، شکوفایی، انسجام و سهم‌داشت از بُعد اجتماعی بیشترین میانگین و اهمیت را در زندگی اجتماعی جامعه مورد مطالعه (زنان فردوس) داشته است. با توجه به این امر نمودار ۲ بیانگر موقعیت پاسخگویان به مؤلفه‌های سلامت اجتماعی است.



نمودار ۲) توصیف وضعیت پاسخگویان (زنان) نسبت به خرده مؤلفه‌های سلامت اجتماعی

با توجه به نمودار ۲ می‌توان گفت که میزان مؤلفه‌های سلامت اجتماعی زنان در شهر فردوس در حد متوسط بدست آمده است. علاوه بر این، داده‌های جدول و نمودار در خصوص توصیف مؤلفه‌های متغیر مورد مطالعه نشان می‌دهد که بر مبنای سنجه‌ها (کم، متوسط، زیاد)، در بین پاسخگویان سنجه کم، مؤلفه‌های پذیرش اجتماعی کمترین و سهم‌داری اجتماعی بیشترین؛ در بین پاسخگویان سنجه متوسط شکوفایی اجتماعی بیشترین و پذیرش اجتماعی کمترین و در بین پاسخگویان سنجه زیاد، سهم‌داری اجتماعی کمترین و پذیرش اجتماعی بیشترین فراوانی را داشته‌اند.

جدول ۶) میزان سطوح متغیر سلامت اجتماعی

میزان سلامت اجتماعی	سطوح سلامت اجتماعی	
۳۹۴	فراوانی	بالا
٪۲۶	درصد	
۹۳۷	فراوانی	متوسط
٪۶۲	درصد	
۱۸۹	فراوانی	پایین
٪۱۲	درصد	
۱۵۲۰	فراوانی	جمع
۱۰۰	درصد	
۱۰۸/۲۷	میانگین	
۹/۲۱۷	انحراف معیار	

جدول ۶ نشان می‌دهد ترکیب نتایج مؤلفه‌های متغیر سلامت اجتماعی در سه سطح (بالا، متوسط و پایین) در راستای توصیف وضعیت سلامت زنان جامعه مورد پژوهش، حائز اهمیت است. با توجه به نتایج، میانگین به‌دست آمده از شاخص سلامت اجتماعی کل ۱۰۸/۲۷ بوده است؛^۱ این مطلب نشان می‌دهد که سلامت اجتماعی در بین زنان شهر فردوس، در سطح متوسطی قرار دارد و بیانگر این موضوع است که ساختارهای اجتماعی، انسجامی و انطباقی زنان تحت تأثیر تحولات اجتماعی قرار گرفته، زندگی شهروندان را با مسائل اجتماعی پیچیده‌ای روبه‌رو کرده است؛ هنوز در سطح این شهر ساختارهای زندگی اجتماعی از نظر شهروندان مورد توجه قرار دارد. بنابراین رویکرد سلامت محوری که به بهتر زیستن ترغیب می‌کند برای حفظ شاخص‌های مثبت سلامت اجتماعی و روانی زنان این شهر باید مورد اهتمام و برنامه‌ریزی قرار گیرد. به عبارت دیگر نتایج بُعد اجتماعی سلامت زنان این شهر دربرگیرنده سطوح مناسب و خوبی از مهارت‌ها، عملکردها، و توانمندی‌های شناختی است که باید هر زن در ساختار زندگی اجتماعی شهر فردوس، خود را به‌عنوان عضوی از اجتماع بداند و بر اساس مکانیسم‌های فرایند جامعه‌پذیری مناسبی که در سطح زندگی وجود دارد، به حیات اجتماعی خود و دیگران توجه ویژه‌ای نماید و تلاش کند این حیات کمتر دستخوش تحولات قرار گیرد.

از بُعد دیگر نتایج متغیرهای سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات و درآمد ماهیانه خانواده، جزء متغیرهای جمعیت‌شناختی (زمینه‌ای) بوده‌اند که رابطه آن‌ها با سلامت اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است و برای سنجش میزان همبستگی این متغیرها با سلامت اجتماعی از آزمون استنباطی استفاده شده است، نتایج در جدول ۷ آمده است.

۱. در این تحقیق بر اساس دامنه طیف لیکرت (۱ تا ۵) کمترین نمره ۳۳ و بیشترین نمره ۱۶۵ به‌دست آمده است. لذا بر اساس تقسیم یافته‌ها و نظرات داوران مقاله یافته‌ها به سه دسته (پایین، متوسط و بالا) تقسیم‌بندی شده که میانگین نمرات پایین بین ۳۳ تا ۷۶، نمرات متوسط بین ۷۷ تا ۱۲۰ و نمرات بالا بین ۱۲۱ تا ۱۶۵ به این ترتیب دسته‌بندی شده است.

جدول ۷) ضریب همبستگی متغیرهای جمعیت‌شناختی (زمینه‌ای) و سلامت اجتماعی

متغیر	سن	میانگین	F	سطح معناداری
سلامت اجتماعی	بین‌گروهی	۱۶/۰۹۴	۰/۱۸۸	۰/۹۰
	درون‌گروهی	۸۵/۶۴۷		
متغیر	وضعیت تأهل	میانگین	F	سطح معناداری
سلامت اجتماعی	بین‌گروهی	۱۶/۰۹۴	۰/۸۶۲	۰/۵۱
	درون‌گروهی	۸۵/۶۴۷		
متغیر	میزان تحصیلات	میانگین	F	سطح معناداری
سلامت اجتماعی	بین‌گروهی	۷۳/۳۶۶	۰/۸۶۲	۰/۵۱
	درون‌گروهی	۸۵/۱۵۳		
متغیر	میزان درآمد ماهیانه خانواده	میانگین	F	سطح معناداری
سلامت اجتماعی	بین‌گروهی	۲۹۴/۰۶۱	۰/۳۶۱	۰/۰۰۳
	درون‌گروهی	۸۱/۴۵۰		

با توجه به داده‌های جدول ۷، غیر از متغیر میزان درآمد ماهیانه خانواده هیچکدام از متغیرهای زمینه‌ای سطح معناداری قابل قبولی در ارتباط با سلامت اجتماعی نداشته‌اند، و برای متغیر میزان درآمد ماهیانه خانوار، شدت رابطه به‌دست آمده برابر با ۳۶٪ مثبت و مستقیم و در حد متوسط ارزیابی شده و سطح معناداری آزمون، کوچکتر از ۰/۰۵ بوده است؛ بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. به عبارتی، هر چه سطح درآمد خانوار بالاتر رود، میزان بهره‌مندی آن‌ها از شاخص سلامت اجتماعی بیشتر می‌گردد، به این معنا که وجود شاخص‌های اقتصادی و عدم نگرانی از وضعیت اقتصادی در سهم داشت زنان در پیشرفت جامعه حائز اهمیت است، به نحوی که پذیرش نظرات دیگران و شکوفایی توانمندی‌ها و خلاقیت‌ها در سایه احساس امنیت اقتصادی مطلوب در پیشرفت پایدار جامعه برای زنان این شهر از اهمیت برخوردار است.

نتیجه گیری

سلامت اجتماعی در راستای توانمندسازی زنان نقش بارزی در توسعه پایدار جامعه دارد. این حوزه نقش مهمی در پویایی و کارآمدی فعال شهروندان بویژه زنان با خود به همراه می‌آورد. امروزه سلامت اجتماعی به این امر معطوف است که شهروندان از جمله زنان درباره اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، چگونه به تفکر و ارزیابی از آن می‌پردازند. این ارزیابی در راستای ارتقای کیفیت زندگی شهروندان حائز اهمیت است.

پژوهش حاضر از روش کمی و از نوع راهبرد پیمایش توصیفی به منظور شناسایی وضعیت بهره‌مندی از مؤلفه‌های سلامت اجتماعی زنان ۲۰ تا ۴۵ ساله شهر فردوس بوده که می‌توان اذعان به این کرد که ساختار زندگی شهروندان این شهر از روند زندگی در حال گذار برخوردارند، بنابراین در این نوشتار متغیر یاد شده در وضع موجود از سوی نویسندگان صرفاً جهت آگاهی بخشی به مسئولان و برنامه‌ریزان توصیف شده، تا از این طریق تحولات اجتماعی مثبت، سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی و رفاهی خوبی در راستای ارتقای آرامش و آسایش ایجاد کرد.

یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این موضوع است که وضعیت اقتصادی رابطه معنادار و اثرگذاری با سلامت اجتماعی دارد، این نتیجه با یافته‌های فیروزبخت، ریاحی و تیرگر (۱۳۹۶) که وضعیت اقتصادی را مؤلفه اثرگذار بر وضعیت زنان می‌دانند، همخوانی دارد. علاوه بر این نتیجه حاضر با تحقیق قاضی‌نژاد و سنگری سلیمانی (۱۳۹۵) که استقلال مالی زنان را مؤلفه‌ای مؤثر بر وضعیت سلامت اجتماعی زنان دانسته، همخوانی دارد. بنابراین میزان درآمد خانوار در این تحقیق در بهبود ارتقای وضعیت اقتصادی، اشتغال و استقلال مالی زنان و ... می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی از جمله سلامت اجتماعی و روانی زنان کمک مؤثری کند.

همچنین میانگین متوسط روبه بالای وضعیت کلی سلامت اجتماعی این تحقیق با تحقیق شربتیان و طوافی (۱۳۹۵) که در مناطق (۱، ۹ و ۱۱) شهر مشهد صورت گرفته و با تحقیق افشانی و شیرمحمدی (۱۳۹۵) با محوریت زنان شهر یزد و تحقیق زنان منطقه ۴ شهر تهران توسط ایمنی (۱۳۹۴) و آباچی‌زاده و دیگران (Abachizadeh, et.al: 2014) صورت گرفته، همخوانی داشته است. علاوه بر این باید بیان کرد که مؤلفه پذیرش اجتماعی برای زنان در بین مؤلفه‌های سلامت اجتماعی

هم حائز اهمیت بوده است؛ که همانند نتایج تحقیق افشانی و شیرمحمدی (۱۳۹۵) برای زنان شهر یزد هم این مؤلفه اهمیت زیادی داشته است؛ همچنین وجود تقویت شبکه روابط اجتماعی از نوع (خانوادگی، دوستان و...) در بحث پذیرش اجتماعی برای زنان فردوس از اهمیت زیادی برخوردار بوده است که با یافته‌های تحقیق سارسینو (Sarracino, 2013) و یاماوکا (Yamaoka, 2008) همخوانی داشته است.

یافته‌ها نشان داد که زنان شهر فردوس دیدگاه متوسطی نسبت به احساس راحتی با دیگران دارند به این معنا که افراد، اجتماع و مردم را با همه نقایص و جنبه‌های مثبت باور داشته، می‌پذیرند؛ همچنین پاسخگویان نسبت به این که در اجتماع سرنوشت خود را در دست دارند و به مدد توان بالقوه می‌توانند مسیر تکاملی خود را کنترل کنند، دیدگاه متوسطی داشته‌اند؛ یعنی براین باورند که جامعه تا حدی می‌تواند قابلیت رشد به شکل مثبت را برای آن‌ها فراهم کرده، این قابلیت را به شکل بالفعل درآورد.

از نظر وضعیت تحصیلی بیش از نیمی از پاسخگویان (۷۰٪) تحصیلات دانشگاهی (مقطع کاردانی و کارشناسی) داشته‌اند، در حدود ۲۵٪ از زنان دارای تحصیلات متوسطه و دیپلم بوده‌اند و در حدود ۵٪ تحصیلات کمتر از دیپلم داشته‌اند. همچنین میزان درآمد سطح خانوار پاسخگویان نشان می‌دهد که در زمان جمع‌آوری یافته‌ها ۵۱٪ پاسخگویان، پایگاه اقتصادی در سطح متوسط روبه بالا داشته‌اند، ۳۲٪ در سطح متوسط و ۱۷٪ در سطح پایین بوده‌اند. در حدود ۲۳٪ زنان جامعه مورد مطالعه مجرد و ۶۹٪ متأهل و مابقی مطلقه بوده، یا همسرشان فوت کرده است و بیشترین دامنه گروه سنی به زنان بین ۲۰ تا ۲۵ ساله اختصاص داشته است.

در پژوهش حاضر با بررسی رابطه متغیرهای جمعیت‌شناختی سن، وضعیت تأهل و پایگاه تحصیلی زنان، با شاخص‌های سلامت اجتماعی، رابطه معناداری وجود نداشته است؛ بنابراین دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی سطح شهرستان که برای ارتقای تحصیلات افراد در تلاشند، نتوانسته‌اند در روند سلامت پایدار جامعه زنان سهم مهمی داشته باشند، به عبارت دیگر تأثیر فضاها و محتوای آموزشی و ارتقای مقاطع تحصیلات تکمیلی در مراکز آموزشی این شهر بر حوزه سلامت زنان تأثیر چندانی نداشته است، بنابراین تحول رویه‌های اجتماعی و بازبینی آموزش‌های فرهنگی در سطح

سازمان‌ها و مراکز آموزشی بر روند توسعه پایدار شهرستان می‌تواند گام مؤثری در راستای ارتقای کیفیت زندگی شهروندان در نظر گرفته شود.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان میانگین مجموع کل شاخص‌های سلامت اجتماعی زنان در بین جامعه آماری در حدود ۶۲٪ در سطح متوسط روبه بالایی ارزیابی شده است. در بین مؤلفه‌های این متغیر مورد مطالعه مؤلفه پذیرش اجتماعی حائز اهمیت بوده است؛ بنابراین مطابق با نظریه کیز، شناخت و پذیرش دیگران و ارزش فرد به‌عنوان یک شریک اجتماع می‌تواند سهم مهمی در ارتقای سلامت و تحولات زندگی داشته باشد. مؤلفه سهم داشت اجتماعی (مشارکت اجتماعی) در رتبه بعدی قرار دارد؛ که در راستای توانمندی‌ها و ظرفیت‌های امروزه زنان بالاخص نسل جوان می‌تواند به تحولات مثبت جامعه فردوس کمک شایانی نماید. علاوه بر این، اعتقاد به تحول مثبت اجتماعی که زنان می‌توانند در زندگی جامعه سنتی داشته باشند، به‌عنوان عنصر شکوفایی اجتماعی در درجه بعدی قرار دارد؛ که با تکیه بر توانمندی‌های متنوع زنان این شهر این مولفه از اهمیت برخوردار است و می‌تواند برای تغییر بینش‌ها و باورهای جامعه زنان این شهر در حال گذر مؤثر باشد. در نهایت وجود مؤلفه‌های سلامت اجتماعی زنان می‌تواند وحدت اجتماعی، تشریک مساعی، پیوند اجتماعی و ارتقای توانمندی‌های زنان را برای تحولات مثبت جامعه سنتی فردوس بوجود آورد.

از منظر دیگر در بین مؤلفه‌های سلامت اجتماعی در سطح سنجه‌های بالا میانگین میزان انطباق اجتماعی حائز اهمیت است. به عبارت دیگر انطباق اجتماعی یعنی اعتقاد به این‌که اجتماع قابل فهم، منطقی و قابل پیش‌بینی است. زنان علاقه‌مند به ایده‌های اجتماعی این شهر احساس می‌کنند که قادر به فهم وقایع اطراف‌شان هستند و خود را با تصور این‌که در حال زندگی در یک دنیای متکامل و عالی هستند، فریب نمی‌دهند و خواسته‌ها و آرزوهای‌شان را از جهت فهم و درک زندگی بهبود می‌بخشند. همان‌طور که هویدا است زنان جامعه مورد مطالعه قادرند وقایع اطراف خود را بشناسند و آرزوها و خواسته‌های شهروندان خود را مطابق با این وقایع ارتقا بخشند.

از سوی دیگر با توجه به نظریه سلامت اجتماعی کیز، باید جهت ترغیب زنان فردوس برای حضور در جامعه تلاش کرد تا دچار انزوای اجتماعی نشوند؛ به عبارت دیگر زمانی این اتفاق می‌افتد

که زنان احساس ارزشمندی و تأثیرگذاری در جامعه کنند خود را در سرنوشت اجتماع تأثیرگذار بدانند. به دنبال آن شکوفایی اجتماعی افزایش می‌یابد و زنان احساس می‌کنند علی‌رغم پیچیدگی جامعه می‌توانند تا حدی آینده آن را پیش‌بینی کنند؛ لذا همبستگی اجتماعی افزایش می‌یابد. همچنین زنان حس می‌کنند بین ارزش‌های فردی و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند اشتراکی وجود دارد، بنابراین نسبت به رعایت هنجارها و ارزش‌های جامعه بی‌تفاوت و بی‌اعتماد نخواهند بود؛ بدین ترتیب انسجام اجتماعی افزایش می‌یابد و باعث می‌شود که شخص نگرش مثبت خود را نسبت به جامعه از دست ندهد. بر این اساس پذیرش اجتماعی افزایش می‌یابد و در نهایت زمانی که همه این اثرات در زندگی فردی و جمعی زنان به‌وجود آید، شخص و جامعه احساس مسئولیت-پذیری و کارآمدی اجتماعی خود را تقویت کرده، به این احساس دست پیدا می‌کنند که می‌توانند نقش مهمی در پیشرفت جامعه خود داشته باشند؛ در نتیجه مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد. همه این مسائل باعث افزایش میزان سلامت اجتماعی و کاهش از خودبیگانگی، انومی اجتماعی، آسیب‌های جمعی و روانی در جامعه می‌شود و با کاهش این آسیب‌ها، فساد و نابهنجاری اجتماعی کمتر شده، کنترل اجتماعی و در نهایت میزان احساس امنیت شهروندان در هر بُعدی افزایش می‌یابد.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که توانمندسازی حوزه سلامت اجتماعی زنان با هدف ایجاد تحولات اجتماعی مثبت در شهر فردوس - که در موقعیت گذار از اجتماع سنتی است- با تقویت شبکه‌های روابط اجتماعی، ارتقای سطوح مشارکت فعال زنان در عرصه‌های مختلف، رفع محدودیت‌های اجتماعی و سنتی، کاهش انزوای اجتماعی، تقویت مهارت‌های زندگی و ارتباطی، افزایش آگاهی، درک و فهم زنان از وضعیت جامعه، ارائه خدمات حمایت عاطفی و اجتماعی، تشکیل گروه‌های همیاری اجتماعی در جهت دسترسی به منابع، تسهیل سهم داشت زنان در فرایندهای شهری، بالابردن عزت نفس و اعتماد به نفس، تشویق انگیزه‌های روانی و اجتماعی زنان در راستای ارتقای حوزه سلامت و ... می‌تواند سهم عمده‌ای در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های رفاهی و اجتماعی مؤثر در توسعه پایدار و زندگی زنان این شهر داشته باشد.

منابع

- افشانی، سیدعلیرضا؛ شیرمحمدی، حمیده (۱۳۹۵). "بررسی رابطه رضایت از زندگی و سلامت اجتماعی زنان شهر یزد". *طلوع بهد/شت دانشکده بهد/شت یزد*، سال پانزدهم، ش ۲ (خرداد و تیرماه): ۴۴-۳۴.
- ایمنی، نفیسه (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر امنیت اجتماعی بر سلامت اجتماعی زنان منطقه چهار شهر تهران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور مرکز غرب تهران.
- بخارایی، احمد؛ شربتیان، محمدحسن؛ طوافی، پویا (۱۳۹۴). "مطالعه جامعه‌شناختی رابطه نشاط با سلامت اجتماعی (جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال شهرستان ملایر)". *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره هفتم، ش ۲۵ (زمستان): ۳۹-۱.
- حاتمی، پریرسا (۱۳۸۹). "بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی دانشجویان با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سام‌آرام، عزت‌الله (۱۳۸۸). "بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس جامعه‌محور". *انتظام اجتماعی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۲۹-۹.
- _____ (۱۳۹۲). *نظریه‌های مددکاری اجتماعی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- سجادی، حمیرا؛ صدرالسادات، سیدجلال (۱۳۸۴). "شاخص‌های سلامت اجتماعی". *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، دوره نوزدهم، ش ۳۰۴ (آذر و دی): ۲۴۴-۲۵۳.
- شربتیان، محمدحسن؛ طوافی، پویا (۱۳۹۵). "مطالعه جامعه‌شناختی شاخص‌های احساس بهزیستی اجتماعی شهروندان شهر مشهد". *مطالعات فرهنگی و اجتماعی خراسان*، سال دهم، ش ۴۰ (تابستان): ۱۱۵-۱۳۸.
- صفاری‌نیا، مجید (۱۳۹۱). *آزمون‌های روانشناسی اجتماعی و شخصیت*. تهران: ارجمند.
- _____ (۱۳۹۴). *روانشناسی سلامت اجتماعی*. تهران: آوای نور.
- فتحی، منصور؛ عجم‌نژاد، رضا؛ خاک‌رنگین، مریم (۱۳۸۹). "عوامل مرتبط با سلامت اجتماعی معلمان شهر مراغه". *رفاه اجتماعی*، سال دوازدهم، ش ۴۷ (زمستان): ۲۲۵-۲۴۱.

- فیروزبخت، مژگان؛ ریاحی، محمداسماعیل؛ تیرگر، آرام (۱۳۹۶). "عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی زنان: یک مطالعه مروری در مجلات فارسی". *سلامت اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی*، دوره چهارم، ش ۳ (تابستان): ۱۹۰-۲۰۰.
- قاضی‌نژاد، مریم؛ سنگری سلیمانی، هاجر (۱۳۹۵). "رابطه شغل و سلامت اجتماعی زنان". *زن در توسعه و سیاست*، دوره چهاردهم، ش ۳ (پاییز): ۲۷۳-۲۸۸.
- محقق‌کی‌کمال، سیدحسین؛ عبدالله تباردرزی، هادی (۱۳۹۵). *سلامت اجتماعی (درآمدی بر مبانی نظری، مفاهیم، ابعاد و شاخص‌ها)*. تهران: سخنوران.
- هزارجریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا (۱۳۹۱). *آناتومی رفاه اجتماعی*. تهران: جامعه و فرهنگ.
- Abachizadeh, k., et al. (2014). "Measuring self – rated social health of Iranians apoplotion based survey in three cities". *NBM (Novelty in Biomedicine)*, Vol. 2, No. 3: 79- 84.
- Keyes, C. L. M. (1998). "Social well-being". *Social Psychology Quarterly*, Vol. 61, No. 2: 121-140.
- Keyes, C. L. M; Shapiro, A. D. (2004). "Social well-being in the U. S.: A descriptive Epidemiology". In: Orville Brim, Healthing are you? A national study of well-being of Midlife. By Orville Gilbert Brim, Carol D. Ryff, Ronald C. Kessler. Chicago: University of Chicago press: 350-372.
- Negovan, A. (2013). "Diensions of students Psychosocial Well-being and their measurement: validation of a student's psychosocial well being ventory". *Europe's journal of Psychology*, Vol. 6, No. 2: 85-104.
- Roothman, B.; Kirsten, D. K.; Wissing. M. P. (2003). "Gender differences in aspects of psychological well-being". *South African journal of psychology*, Vol. 33, No. 4: 212-218.
- Sarracino, F. (2013). "Social capital and subjective well-being trends: Comparing 11 western European countries". *The Journal of Socio- Economics, Elsevier*, Vol. 39, No. 4: 482-517.
- Yamaoka, K. (2008). "Social capital and health and well-being in East Asia: A population-based study". *Journal Social Science & Medicine*, Vol. 66, No. 4: 885-899.

بررسی اثرات تعاملات بین فرهنگی ساکنان و گردشگران مورد مطالعه: روستای چنشت در خراسان جنوبی

محمدعلی طالبی^۱

جواد یوسفی^۲

محمد براتی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۶

سال چهاردهم، شماره اول، پاییز ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲

شماره صفحه: ۷۴-۴۹

چکیده

آثار فرهنگی و اجتماعی گردشگری بخشی از مهم‌ترین ملاحظات توسعه گردشگری در هر منطقه بویژه در مناطق روستایی به شمار می‌رود. اثرگذاری و اثرپذیری فرهنگی در هر دو جامعه میزبان و میهمان گردشگری روستایی دارای اهمیت است که بسته به شرایط اجتماعی، پذیرش یا رد آن متفاوت است. در پژوهش حاضر میزان تغییرات فرهنگی که تحت تأثیر حضور گردشگران یا مهاجرت جامعه میزبان از روستا به شهر بوده، در روستای گردشگری چنشت واقع در شهرستان سربیشه استان خراسان جنوبی بررسی شده است. نمونه آماری از بین ۱۷۰ نفر از افراد سرپرست خانوار ساکن در روستا که قادر به پرکردن پرسشنامه بودند، به روش نمونه‌گیری در دسترس، در تیرماه ۱۳۹۵ انتخاب گردید و ضمن بررسی اسنادی، با روش پیمایش میدانی داده‌های پژوهش با روش تحلیل مسیر ارزیابی گردید. تجزیه و تحلیل آماری نشان داد مؤلفه‌های تأثیرگذار در مراودات جامعه میزبان و گردشگران به ترتیب اولویت در زمینه‌هایی

talebi856@yahoo.com

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، ایران، نویسنده مسؤول

Javad.yousefi@pnu.ac.ir

۲. مربی گروه مدیریت جهانگردی، دانشگاه پیام‌نور، ایران

m.barati@yahoo.com

۳. مدیر ارتباطات و روابط بین‌الملل شهرداری بیرجند

مانند: تغییر الگوی مصرف، نوسازی و بازسازی مساکن، آداب و رسوم، قوانین و ضوابط، پوشش، زبان و لهجه، قوانین، شغل و شیوه تغذیه بوده است. چهار عامل آداب و رسوم، قوانین و ضوابط، زبان و لهجه و شغل به ترتیب بیشترین تأثیر را در مراجعه به شهرها برای ساکنان داشته است و از طرفی عواملی مانند الگوی مصرف، پوشش، تغذیه و نوسازی و بازسازی مساکن نقش بازدارنده در این میان داشته است. به عبارت دیگر در تعامل بین گردشگران و ساکنان روستا، عوامل اخیر نه تنها در مراجعه به شهر روستاییان تأثیر نداشته بلکه به عنوان نقاط قوت فرهنگ جامعه میزبان اثرگذاری سایر عوامل را به حداقل رسانده است.

واژگان کلیدی: گردشگری روستایی، تعاملات بین فرهنگی، چنشت، خراسان جنوبی

مقدمه

زندگی شهری با تمام مخاطرات، ناآرامی‌ها و مشکلات روحی و روانی، پدیده شهرگریزی و بازگشت به روستاها را به دنبال داشته است. محیط آرام، تمیز و جذاب روستاها، فضای مناسبی را برای استراحت پایان هفته شهرنشینان فراهم می‌سازد. از این‌رو جوامع روستایی با تعاملاتی روبه‌رو هستند که سبک‌های ارتباطی متفاوتی نیاز دارد. مراوده‌های بین فرهنگ‌های برخاسته از جوامع شهری و روستایی اغلب در قالب جوامع میهمان و میزبان در جریان سفر و گردشگری اثرات اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی را خلق می‌کند که درک و شناخت آن‌ها در مدیریت و کنترل پیامدهای منفی اجتماعی- فرهنگی مؤثر خواهد بود؛ بویژه در استان‌های کمتر توسعه‌یافته مانند خراسان جنوبی با مدیریت هر چه بهتر اثرات و تدوین برنامه‌های دقیق توسعه گردشگری روستایی می‌توان وضعیت رفاهی رو به رشدی برای معیشت پایدار روستاییان ایجاد کرد تا اهدافی مانند کارآفرینی، اشتغال‌زایی، رشد اقتصاد محلی و جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه جوانان روستایی تحقق پذیرد و زمینه توسعه پایدار روستایی نیز فراهم گردد. در همین راستا بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ شمسی، جمهوری اسلامی ایران باید توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت

و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی باشد. به همین جهت، سرمایه‌گذاری در گردشگری روستایی، در استان خراسان جنوبی که از حیث درآمدهای کشاورزی و صنعت در سطح پایینی قرار دارد، مفید و ارزنده بوده، به تحقق سند مذکور کمک خواهد کرد.

هر چند رکن اصلی پدیده گردشگری جاذبه‌های طبیعی مقصد است که سبب جذب گردشگران می‌شود؛ اما عامل مؤثر دیگر در گردشگری امروز کسب تجربه و آشنایی با سبک زندگی مردمان سایر کشورها است. به طور کلی گردشگری از یک طرف تحت تأثیر جاذبه‌های مکانی و از طرف دیگر بر گرفته و تأثیر پذیرفته از ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ساکنان محلی و گردشگران است (یوسفی، ۱۳۹۷: ۴۱). بنابراین برقراری تعاملات فرهنگی بین ساکنان منطقه میزبان و گردشگران از موضوعات مورد توجه این حوزه است. فرهنگ مردم هر منطقه منعکس‌کننده ویژگی‌های ساکنان آن منطقه است. موفقیت در این عرصه و دستیابی به منافع مادی و غیرمادی حاصل از آن مستلزم درک پدیده گردشگری، شناخت ابعاد و آثار آن و همچنین آشنایی با مدیریت صحیح مؤسسات و دستگاه‌های متولی صنعت گردشگری است (یوسفی و شریفی تهرانی، ۱۳۹۵: ۱۳۸).

تأثیرگذاری و تأثیرپذیری گردشگری، در دو بعد جامعه میزبان و میهمان تحلیل می‌شود که بسته به شرایط اجتماعی، پذیرش یا رد آن متفاوت است (ادبی ممقانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۵). تبادل فرهنگی در زمانی که ناهمسانی و نابرابری بین جامعه میزبان و میهمان بیشتر باشد، افزایش می‌یابد که از آن جمله می‌توان به تأثیرات فرهنگی گردشگران شهری در مناطق روستایی اشاره کرد. تبادلات فرهنگی در همه گونه‌های گردشگری، قابل مشاهده است، اما نوع خاصی از گردشگری وجود دارد که ذات بنیادین آن فرهنگ و تبادلات فرهنگی (گردشگری فرهنگ محور) است که در حوزه پژوهشی کشور کمتر به آن پرداخته شده است. از این‌رو، در تحقیق حاضر تأثیرگذاری برخی از مؤلفه‌های فرهنگی جامعه روستایی بر حضور گردشگران و تأثیرپذیری جامعه میزبان از رفت و آمد به شهر مورد بررسی قرار می‌گیرد. لذا این تحقیق در پی پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

- عوامل فرهنگی محیط روستا چه تأثیری بر حضور یا جذب گردشگران دارد؟

- حضور گردشگران در محیط روستا و مشاهده رفتار و آداب آنان چه تأثیری بر ایجاد تمایل به شهرنشینی دارد؟

تاکنون مطالعات متعددی در رابطه با گردشگری، بویژه گردشگری روستایی و ابعاد مختلف آن در کشور صورت گرفته است که از رویکردهای مختلف مانند توسعه پایدار، رویکرد اقتصادی، رویکرد زیست محیطی، رویکرد اجتماعی و ... به بررسی و تحلیل گردشگری روستایی پرداخته‌اند؛ اما در این بین، تعاملات میان فرهنگی بین جوامع میزبان و میهمان کمتر مورد توجه محققان بوده است. نکته مهم اینکه، گردشگری و خاصه گردشگری روستایی به‌عنوان یکی از شاخه‌های صنعت گردشگری با وجود برخورداری از ویژگی‌های متفاوت، در همه شرایط دارای بار فرهنگی عظیمی است که به‌عنوان ویژگی نرم‌افزاری، غیرعینی و بلندمدت گردشگری یاد می‌شود. به‌عبارت دیگر گردشگری روستایی با توجه به ظرفیت‌ها و جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی موجود در روستاها، می‌تواند نقش مهمی در تجدید حیات روستاها، ایجاد اشتغال و درآمد برای روستاییان، حفاظت از میراث طبیعی، فرهنگی، تاریخی و فرهنگی و در نهایت توسعه یکپارچه و پایدار روستایی داشته باشد. گردشگری با توجه به ماهیت مفهومی و ذاتی خود، ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و محیطی را در بر می‌گیرد (ادبی مقانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۶).

پیشینه پژوهش

در خصوص موضوعات فرهنگی در گردشگری تحقیقات متعددی صورت گرفته است (وئوقی و خوش‌نمک، ۱۳۹۴: ۱۰۴) اما مبحث تعاملات میان فرهنگی جوامع در مقصدهای گردشگری کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. با توجه به اهمیت موضوع، برخی از پژوهش‌هایی که تاکنون در ارتباط با موضوع ارتباطات و تعامل در گردشگری صورت گرفته است، به اختصار اشاره می‌شود.

شالچیان (۱۳۸۲) با تبیین اهمیت مقوله گردشگری در هزاره سوم، ضمن تبیین آثار و نتایج جانبی صنعت گردشگری بر فرایند توسعه اثرات مثبت تعامل میان فرهنگی را بین طرفداران ادیان اسلام و مسیحیت مورد بررسی قرار می‌دهد. او از یک طرف راه‌های دستیابی به تفاهم و همدلی را از طریق گردشگری مطرح کرده، از طرف دیگر به آسیب‌شناسی تعامل فرهنگی بین ادیان اسلام و

مسیحیت می‌پردازد.

کروبی (۱۳۸۸) ابعاد مختلف ارتباطات انسانی را در گردشگری مورد مطالعه قرار داده است و نتیجه می‌گیرد که از نظر جنسیت، بیشتر گردشگران ورودی به ایران مرد هستند و از منظر ارتباطات غیرکلامی بیشترین ارتباط از طریق حرکات سر و صورت و چشم‌ها است و از جهت تبلیغات گردشگری نیز بیشترین تأثیر از طریق تبلیغات چهره به چهره صورت می‌گیرد.

وثوقی و خوش‌نمک (۱۳۹۴)، با معرفی گردشگری به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و بین‌المللی پیچیده که ناشی از ارتباطات و تعاملات میان فرهنگی انسان‌ها شکل می‌گیرد، درک تفاوت‌های فرهنگی را لازمه توسعه گردشگری معرفی می‌کنند. نتایج تحقیق این پژوهشگران شش موضوع اصلی مرتبط با تفاوت‌های میان فرهنگی در گردشگری را از این قرار می‌دانند: ۱- عوامل مؤثر بر تماس بین گردشگران و جامعه محلی، ۲- نقش فرهنگ در گردشگری، ۳- انواع برخوردهای میان فرهنگی، ۴- تفاوت‌های فرهنگی گردشگران با جامعه محلی، ۵- تأثیر تفاوت‌های فرهنگی بر جامعه محلی، ۶- نحوه برخورد جامعه محلی در مواجهه با تفاوت‌های میان فرهنگی در گردشگری.

حیدری چپانه و قاسمی (۱۳۹۵) توسعه صنعت گردشگری را مستلزم فراهم کردن زمینه‌های مناسب فرهنگی - اجتماعی در میان جوامع میزبان و میهمان می‌دانند و با بررسی تطبیقی خط‌مشی‌های گردشگری ایران و ترکیه، روابط اجتماعی بین جامعه میزبان و میهمان و تأثیر آن بر توسعه گردشگری را در این دو کشور بررسی نمودند. بر اساس یافته‌ها محققان نتیجه می‌گیرند که ریشه عدم توسعه یافتگی گردشگری در ایران عمدتاً به چالش‌های اجتماعی - فرهنگی مربوط می‌شود.

چیدچانوک، بوچر و وانگ (Anantamongkolkul, Butcher & Wang, 2019) به بررسی الگوهای رفتاری بین فرهنگی گردشگران با اقامت طولانی در یک مقصد فرهنگی تفریحی ناآشنا پرداختند. آنها راهبردهای سازگاری بین فرهنگی را معرفی کردند که از منطقه آسایش خانگی تا سازگاری مقصد به‌عنوان خانه دوم متفاوت است. همچنین تأکید می‌کنند که راهبردهای سنتی بازاریابی مبتنی بر مبادله برای گردشگران با اقامت طولانی کافی نبوده و باید توجه بیشتری به میهمان‌نوازی

مقصد و ایجاد روابط صورت گیرد.

شاطری، حجتی‌پور و آقاجان‌پور (۱۳۹۴) در تحقیق مرتبط با قلمروی مکانی پژوهش حاضر، با بررسی ظرفیت‌های توسعه گردشگری روستایی در روستای چنشت به این نتیجه رسیده‌اند که ظرفیت‌های انسانی روستا نسبت به توان محیطی آن نقش بیشتری در جذب گردشگر دارد. از بررسی پیشینه تحقیق چنین استنباط می‌شود که گردشگری به‌عنوان وسیله‌ای برای ایجاد تفاهم در بین ملل و ادیان مختلف از کارکرد بالایی برخوردار است و درک تفاوت‌های فرهنگی برای توسعه گردشگری ضرورت دارد.

دیدگاه‌های مختلف در خصوص موضوع

همان‌طور که در بخش پیشین بیان شد، تجربیات گوناگون نشان داده که گردشگری، فرهنگ و جامعه میزبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. امروزه در بسیاری از کشورهای آسیایی، آفریقایی، آمریکای لاتین یا خاورمیانه، صنعت گردشگری به حرفه‌ها و تولید اقلام زیادی از کالا و صنایع دستی رونقی دوباره بخشیده است (محلاتی، ۱۳۸۱: ۶۱). گردشگری، علاوه بر رونق تولید دارای اثرات فرهنگی و اجتماعی نیز هست.

پدیده جهانی شدن^۱ در ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی، زندگی جوامع محلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که از آن جمله تغییرات مختلف سبک زندگی در مناطق بکر روستایی است. سرمایه‌داری در دوره جهانی شدن، به ابعاد فرهنگی و سیاسی بیش از استعمار اقتصادی توجه کرده، در جهت خلق فرهنگ‌های جهانی فعالیت می‌کند (Johnston, 1985). تولیدات فرهنگی، تحت تسلط سرمایه‌داری، با تولیدات کالا یکپارچه می‌شود و یک تسلط جدید فرهنگی از طریق رسانه‌ها بر زندگی مردم سایه می‌افکند، بدینسان که تولیدات فرهنگی در چارچوب شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی صورت می‌گیرد (فرهادی محلی، ۱۳۹۰). جوامع محلی روستایی میزبان نیز به علت بهبود شریان‌های ارتباطی نسبت به گذشته، دسترسی به اینترنت و رسانه‌های جمعی و همچنین تمایل گردشگران به

بازدید از این مناطق دستخوش تغییرات روزافزون فرهنگی شده‌اند.

از بُعد فرهنگی، جهانی شدن بیشتر ناظر بر فشردگی زمان و مکان و پیدایش شرایط جدید برای جامعه جهانی و جهانی شدن فرهنگ است. این بُعد از جهانی شدن بر اقتصاد و سیاست تفوق دارد و عمده تمرکز آن بر مشکلاتی است که فرهنگ جهانی با بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی برای هویت ملی و محلی بوجود می‌آورد. مبانی تحلیلی طرفداران فرهنگ جهانی، بر این اصل مبتنی است که رشد فزاینده فناوری وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و ماهواره، موجب فشردگی زمان - مکان و نزدیکی فرهنگ کشورها شده و از این طریق یک فرهنگ مسلط در جهان تشکیل داده است (همان، ۱۱).

در گردشگری فرهنگی، گردشگران با علم و آگاهی نسبت به پدیده جهانی شدن فرهنگ، در تلاش برای آشنایی با فرهنگ مناطق مختلف، خواهان کاوش در چشم‌اندازهای فرهنگی جوامع محلی و درک آن‌ها هستند. در این نوع گردشگری به جذابیت‌های فرهنگی از قبیل موزه‌ها، نمایشگاه‌ها، ارکسترها، نمایشنامه‌ها، هنرهای دستی، معماری، سبک زندگی، آداب و رسوم بومی و ... توجه می‌شود (جهانیان و نادعلی‌پور، ۱۳۸۸: ۸۵ به نقل از Mathieson & Wall, 1982)؛ بنابراین فرهنگ و آثار فرهنگی، خود به‌عنوان جاذبه اصلی گردشگری محسوب می‌شود و اساساً بدون فرهنگ که تفاوت‌ها را ایجاد می‌کند، همه‌جا شبیه هم خواهد بود و گردشگری عینیت نخواهد داشت. از نظر فنی، گردشگری فرهنگی، حرکت انسان برای دیدن جاذبه‌های فرهنگی خاص همچون مکان‌های دارای میراث فرهنگی، نشانه‌های زیبایی‌شناختی و فرهنگی، هنرها و نمایش‌ها که در خارج از مکان معمولی سکونت قرار دارد، است (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۸۹: ۵)؛ اما باید گردشگری در هر نوع و مقیاسی را فعالیتی دوپهلو دانست؛ به عبارت دیگر، می‌توان گردشگری را به شمشیری دو لبه تشبیه نمود که از دید مثبت قادر است موجبات پیشرفت‌های اجتماعی- اقتصادی را فراهم آورد، اما در عین حال، رشد سریع و بی‌رویه آن ممکن است آن را به عامل اصلی تخریب محیط‌زیست و نابودی هویت محلی و فرهنگ‌های بومی و سنتی جامعه میزبان تبدیل سازد. چراکه بیشترین سهم توسعه گردشگری متکی بر جاذبه‌ها و فعالیت‌هایی است که به محیط طبیعی، میراث تاریخی و الگوهای فرهنگی مناطق

گردشگری مربوط می‌شوند؛ پس نظارت و پایش اثرات گردشگری بویژه در بُعد اجتماعی - فرهنگی به صورت مثبت و منفی ضروری است. اثرات فرهنگی گردشگری، تغییراتی است که در هنر، عادات، رسوم و معماری مردم ساکن جامعه میزبان رخ می‌دهد و این تغییرات بیشتر به سبب تماس مستقیم اهالی و ساکنان آن دیار و گردشگران صورت می‌گیرد. اصطلاح "اثرات اجتماعی - فرهنگی" به معنای تغییراتی بکار می‌رود که در تجربه‌های روزانه ارزش‌ها، شیوه زندگی و محصولات هنری و فکری جامعه میزبان رخ می‌دهد (گی، ۱۳۸۲: ۳۲۷). این تغییرات در بلندمدت اثرات خود را نشان داده و سبب رشد و توسعه صنعت گردشگری می‌شود. با توجه به اینکه تأثیرات فرهنگی گردشگری بسیار گسترده است، گردشگری را می‌توان هم عامل و هم محصول توسعه اجتماعی و فرهنگی دانست و از آنجا که کارگزاران، مؤسسات و افراد مختلف با انگیزه‌های متفاوتی را در بر می‌گیرد، اثرات آن نیز متنوع و گاهی غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود. این امر منجر به تنوع فضایی و زمانی در ماهیت رابطه میان گردشگری، جامعه، فرهنگ و اثرات ناشی از آن خواهد شد. پیامدهای اجتماعی و فرهنگی گردشگری نیز مانند دیگر آثار، طیفی از مثبت تا منفی را در بردارد (ویلیامز، ۱۳۸۸: ۱۶۰، ۱۶۲).

اثرات فرهنگی - اجتماعی مثبت و مهم گردشگری روستایی بر جوامع بومی عبارت است از: خودکفایی و تقویت اقتصاد محلی، احترام بیشتر به جامعه محلی و فرهنگ آن‌ها، سرمایه‌گذاری مجدد درآمد گردشگری در منابع فرهنگی، تقویت و تداوم سنت‌های فرهنگی، افزایش میزان درک مدارا بین فرهنگ‌ها بویژه از طریق اجرای موسیقی، عرضه صنایع‌دستی محلی، نوع زندگی بومی، مسکن و سایر تجربیات زندگی روستایی، باز تعریف و اهمیت یافتن آثار فرهنگی فراموش‌شده، امکان تشخیص و توسعه آگاهی‌های منطقه‌ای در بُعد فضایی و هویت فرهنگی و توسعه فزاینده یک احساس، برقراری پیوند و ارتباط فرهنگی میان مرزی، درون‌مرزی و فرامرزی با جوامع و ملت‌ها، رشد شخصیت و شکوفایی استعداد، نوآوری و خلاقیت، وسعت نظر، بسط افق دید، غنای تجارب فرهنگی، حفظ ارزش‌ها و سنن ملی (تولایی، ۱۳۸۵: ۸۶). از طرف دیگر احتمال بروز آسیب‌ها و اثرات منفی اجتماعی - فرهنگی نیز در کنار توسعه گردشگری وجود دارد لیکن مضرات احتمالی نباید مانع توسعه گردشگری فرهنگی گردد. آموزش، کنترل، نظارت و

محافظت هم برای جامعه میزبان و هم میهمان، می‌تواند گردشگری فرهنگی را پایدار نماید (رضوانی، ۱۳۸۵: ۵۰). گردشگری بر جوامع محلی اثرات فرهنگی-اجتماعی منفی از قبیل: محرومیت از برخی مزایای رفاهی برای جامعه میزبان، فشار تقاضا برای منابع کمیاب مانند آب آشامیدنی، وابستگی بیش از اندازه نواحی میزبان به گردشگری، رفتار نامناسب و عدم حساسیت فرهنگی گردشگران دارد (محلای، ۱۳۸۱: ۱۲۶). در چنین مواردی رفتارهای جهانگردان گاه با اصول فرهنگی، معنوی جامعه میزبان منافات دارد که می‌توان از آن به‌عنوان تجاری شدن یا کالایی شدن فرهنگ جامعه میزبان یاد کرد، به این معنا که ساکنان، محصولات فرهنگی خود را آن‌گونه که مورد پسند گردشگران باشد، عرضه می‌کنند. در این خصوص گردشگری می‌تواند در نظام‌های گوناگون، نمادهای فرهنگی یک جامعه را تبدیل به کالا نماید و تماس سطحی گردشگران با فرهنگ محلی و صرف تفریح و گذران اوقات فراغتی دل‌چسب سبب می‌شود که تمام تأسیسات و خدمات محلی به نحوی سازمان یابد که بتواند رضایت گردشگران را جلب نماید. از این‌رو فرهنگ محلی به مجموعه‌ای درهم‌پیچیده در چارچوب کالایی شدن تبدیل می‌شود و همه‌چیز در خدمت پول و درآمد ارزی قرار می‌گیرد و این درآمد به بهای گزافی به دست می‌آید. یکی از این موارد از دست دادن هویت خود برای رضایت دیگری است. بعلاوه ممکن است به‌واسطه مصرف‌گرایی گردشگران، مردم مقصدهای گردشگری بویژه جوانان دچار عارضه تشابه به بیگانگان شده، از الگوهای رفتاری آنان تقلید کنند؛ تقلیدی که بدون شناخت تفاوت پیشینه‌های فرهنگی و موقعیت اجتماعی- فرهنگی گردشگران صورت می‌گیرد. همچنین ممکن است به‌واسطه نامتوازن شدن تبادلات میان گردشگران و مردم محلی، رفتارهای ضداجتماعی در جوانان بروز کند (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۸۹: ۹۷). ترویج فحشا و روسپی‌گری، وقوع جرم و جنایت و گسترش برخی از بیماری‌ها، گسترش مواد مخدر و سوءاستفاده جنسی از کودکان و افزایش منازعات در استفاده از منابع محلی خصوصاً منابع کمیاب (آب) جهت استفاده مصارف تشریفاتی گردشگران، از دیگر اثرات سوء فرهنگی و اجتماعی گردشگری قلمداد می‌شود.

ارزیابی اثرات فرهنگی-اجتماعی گردشگری و سایر عوامل بر سبک زندگی جوامع قومی در

روستاهای میزبان، فعالیتی چالش برانگیز است که نیاز به مطالعه دامنه گسترده‌ای از تغییرات فرهنگی که در جوامع میزبان رخ می‌دهد، دارد (بونی‌فیس، ۱۳۸۷: ۱۴۳). این تأثیر به تفاوت‌های مشهود بین گردشگر و جامعه میزبان بستگی دارد. چنین وضعیتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به وجود می‌آید. در همین راستا بر اساس نظریه فرهنگ‌پذیری ویلیامز، وقتی دو فرهنگ برای مدت‌زمانی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند مبادله عقاید و محصولات به‌گونه‌ای صورت می‌گیرد که در طی زمان منجر به ایجاد سطوح مختلف همگرایی بین فرهنگ‌ها می‌شود. به عبارت دیگر دو فرهنگ شبیه هم می‌شوند (ویلیامز، ۱۳۸۸: ۱۶۳). علاوه بر تحقیقات پیشین که به اثرات اجتماعی - فرهنگی گردشگری پرداخته‌اند، تحقیق حاضر به بررسی اثرات فرهنگی هشت عامل: شغل، تغذیه، آداب و رسوم، قوانین و ضوابط، پوشش، شیوه مصرف، نوسازی ساختمان و زبان و لهجه بر حضور گردشگران و همچنین تمایل به شهرنشینی در جامعه روستایی می‌پردازد.

شغل

موضوع اشتغال به یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوعات مورد توجه دولت‌ها در کشورهای مختلف تبدیل شده است. بیکاری از یک‌طرف به معنای از دست دادن انرژی سرمایه‌های انسانی و در نتیجه ضعیف شدن اقتصاد یک کشور و از طرف دیگر به معنای به وجود آمدن آسیب‌های جدی اجتماعی است. هر پدیده‌ای نظیر گردشگری که با ابعاد اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و زیست محیطی زندگی بشر به شکل پیچیده‌ای در ارتباط باشد، یقیناً تأثیرات شگرفی بر الگوی زندگی مردم نیز دارد. همچنین، طبق آمارهای شورای جهانی سفر و گردشگری، در سال ۲۰۱۸ گردشگری ۱۰/۴٪ کل تولید ناخالص داخلی کشورهای دنیا و حدود ۳۱۹ میلیون شغل از کل مشاغل دنیا (به عبارت دیگر ۱ شغل از میان ۱۰ شغل دنیا) را به خود اختصاص می‌دهد همچنین از هر ۵ شغل جدیدی که در دنیا به وجود می‌آید ۱ شغل توسط گردشگری تولید شده است. همین آمارها برای کشور ایران در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد گردشگری تنها ۶/۵٪ تولید ناخالص داخلی و از نظر اشتغال (مستقیم و غیرمستقیم) ۵/۴٪ کل مشاغل را به خود اختصاص داده است (WTTC^۱, 2019).

قابلیت صنعت گردشگری در ایجاد اشتغال باعث شده که شغل هم به عنوان یک متغیر اقتصادی و هم به عنوان یک متغیر اجتماعی - فرهنگی در مقوله گردشگری مورد مطالعه قرار گیرد. آنچه در این مقاله مورد نظر است بیشتر از جنبه اجتماعی - فرهنگی است. روستای چنشت به واسطه شرایط خاص طبیعی ضمن بهره‌مندی از مواهب طبیعی و دارا بودن منابع آبی (عمدتاً به شکل قنوات) دارای تولیدات کشاورزی بویژه محصولات چوبی و زعفران است. زنان در حوزه صنایع دستی فعالیت می‌کنند؛ مردان نیز علاوه بر کار کشاورزی در بخش خدمات در قالب کارگران روزمزد ساختمانی و ... مشغول به کارند. علاوه بر این اهالی روستا که عمدتاً سادات هستند، در ایامی که فعالیت کشاورزی کمتر می‌شود جهت جمع‌آوری سهم سادات از خمس به شهرهای مختلف چون تهران و مشهد مراجعه می‌نمایند.

وضعیت تغذیه

غذا علاوه بر ارزش تغذیه‌ای، دارای ارزش فرهنگی بوده، نشانی از هویت محلی - فرهنگی قلمداد می‌شود. دگرگونی تقاضا در گردشگری از جاذبه‌های عمومی و شناخته‌شده به سمت جاذبه‌های خاص و منحصر به فرد سبب ظهور محصولات جدید گردشگری شده است که عمدتاً با طبیعت و ورزش، بهداشت و سلامتی، غذا و نوشیدنی مرتبط هستند (Gomez, et al. به نقل از ایزدی، ۱۳۹۴: ۶۷). یکی از مقوله‌های ملموس تغییر سبک زندگی جوامع، به نوع تغذیه آنان مربوط می‌شود. در مقصدهای گردشگری به دلیل تعامل بین گردشگر و مردم محلی تغییرات بیشتر و سریع‌تری در این زمینه رخ می‌دهد. خود غذا و آداب مرتبط با تهیه و صرف آن عموماً در جوامع روستایی برای گردشگران جذابیت دارد؛ به‌طوری‌که به بخش جدایی‌ناپذیر تجربه‌های گردشگری و مؤلفه‌ای مهم در بازاریابی گردشگری تبدیل شده است و عنصری مهم در تعیین سطح رضایت گردشگر به حساب می‌آید (ایزدی، ۱۳۹۴: ۶۸)؛ از دیگر سو، از آنجاکه در این گونه جوامع سبک زندگی گردشگران بسیار مورد توجه است، ممکن است آداب غذا خوردن و تمایل گردشگران به غذاهای خاص به‌مرور زمان در جوامع محلی نیز تأثیر بگذارد.

قوانین و ضوابط

از ضروریات هر جامعه، نظم و انضباط است تا همه افراد بتوانند با آرامش در کنار یکدیگر زندگی کنند. تدوین قوانین مناسب و متناسب و پایبندی شهروندان به آن می‌تواند برقراری نظم را در جامعه تضمین کند. با توجه شرایط و اقتضائات خاص در هر جامعه، باید به قوانین و ضوابط آن جامعه پایبند بود تا خللی در اداره آن به وجود نیاید. این قوانین در جهت حمایت و ایجاد امنیت برای گردشگران نیز ضروری است چراکه ورود گردشگران خارجی به هر کشور و رونق گردشگری خارجی تا حد زیادی با قوانین و مقرراتی که از حقوق آن‌ها حمایت کند مرتبط است. در جریان گردشگری و ارتباط میان گردشگران و جوامع محلی نیز بهره‌برداری پایدار از تمام ظرفیت‌های گردشگری تنها در سایه قواعد اصولی و قانونی امکان‌پذیر است (بابایی فینی، ۱۳۹۴: ۲۷). در صورت عدم آگاهی بخشی مناسب به گردشگران در خصوص قوانین و مقررات حاکم در مقصد، زمینه بروز چالش‌های جدی فراهم خواهد شد.

پوشش

از جمله مقوله‌های حساسیت‌برانگیز فرهنگی در تعاملات بین گردشگران و جوامع محلی، نوع و سبک پوشش است. از آنجاکه حضور گردشگران در جامعه با دیدگاه‌های فرهنگی مختلف، در پوشش آنان ظهور و بروز می‌یابد عدم توجه به فرهنگ جوامع میزبان می‌تواند به صنعت گردشگری منطقه آسیب جدی وارد کند؛ اما از جنبه دیگر، سبک لباس پوشیدن مردم محلی، خود جاذبه‌ای در جهت جلب توجه گردشگران است. روستای چنشت - که در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفته است - از نظر پوشش ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد (تصویر ۱)، به‌طوری‌که این روستا به دلیل تنوع در رنگ لباس‌های زنان، به سرزمین رنگ‌های ایران معروف شده است (خادم، ۱۳۹۴: ۱۳).



تصویر ۱) شمایی از رنگ‌بندی پوشش لباس محلی در چنشت

آداب و رسوم

آداب و رسوم هر منطقه از جمله مهم‌ترین جاذبه‌های مورد توجه گردشگران در گردشگری فرهنگی است. شناخت فرهنگ جز از طریق شناخت رفتار و آداب و رسوم زندگی مردمان یک ناحیه امکان‌پذیر نیست (لبافی، ۱۳۹۳: ۵). مطالعات مختلف نشان می‌دهد این مقوله نیز همانند بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگی، هم به عنوان جاذبه گردشگری مطرح است و هم تحت تأثیر گردشگری قرار می‌گیرد که اثرات مخربی مانند کالایی شدن فرهنگ را در پی دارد.

مردم روستای چنشت آداب و رسوم ویژه‌ای در مراسم مختلف چون عروسی، مراسمات مذهبی و عزاداری ماه محرم دارند (خادم، ۱۳۹۴: ۱۳). بسیاری از این آداب و رسوم تحت تأثیر حضور گردشگران در منطقه و مراجعه اهالی به شهرهای مختلف قرار گرفته است.

الگوی مصرف

الگوی مصرف در جامعه عبارت است از آن نوع چارچوب مصرفی که بیشتر افراد جامعه هنگام مصرف، از آن الگو تبعیت کرده، شکل و میزان مصرف خود را بر آن منطبق می‌کنند (سلیمانی و شهبازی، ۱۳۹۸)؛ بنابراین رفتار مصرفی جامعه تحت تأثیر فرهنگ آن جامعه بوده، تغییر در آن مستلزم تغییر در فرهنگ است. آنچه بیشتر در الگوی مصرف جوامع محلی روستایی به چشم می‌خورد مصرف بهینه و مدیریت شده منابع در اختیار است. در حالی که در برخی شهرها و بویژه کلان‌شهرها الگوی مصرف غالباً افسارگسیخته و سامان نیافته است. در جریان تعاملات گردشگری، تلاقی دو رویکرد مصرفی به جهت تقلید از گردشگران، می‌تواند برای جامعه روستایی آسیب‌هایی در پی داشته، از طرفی برای جامعه شهری مزیت‌هایی به جهت الگوگیری از زندگی روستایی به همراه داشته باشد.

نوسازی و بازسازی مساکن

فضاها و بافت‌های تاریخی و قدیمی به علت وجود جاذبه‌های نوستالژیک، معماری، فرهنگی و بناهای ارزشمندی که نمادی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و اعتقادی آن دوران است از مقصدهای مهم گردشگری به شمار می‌روند؛ لذا توجه به نوسازی و احیای بافت در صورت ضرورت نه تنها به لحاظ کالبد و عملکرد بلکه به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و گردشگری از اهمیت قابل توجهی برخوردار است (کردوانی و موردغفاری، ۱۳۹۰: ۲۰). لزوم بهبود، بازسازی و نوسازی ساختمان‌ها و بافت شهری به واسطه حضور و تردد مداوم گردشگران در مقصدهای گردشگری روستایی احساس می‌شود و متصدیان و تصمیم‌گیران محلی، بیشتر با هدف تسهیل رفت‌وآمد، ایمنی و خدمت‌رسانی به گردشگران وارد عمل می‌شوند؛ این بازسازی باید مبتنی بر الگوی بومی همان منطقه و با کمترین آسیب به بافت و ابنیه تاریخی انجام شود. روستای چنشت دارای معماری خاص و پلکانی است (تصویر ۲) و اهالی روستا سادات هستند و درب و پنجره‌های منازلشان را به رنگ سبز رنگ‌آمیزی می‌نمایند.



تصویر ۲) نمایی از روستای چنشت و بافت پلکانی روستا

گویش و لهجه

از جمله مؤلفه‌های فرهنگی هر منطقه، زبان و گویش محلی آن منطقه است که جذابیت‌های خاص خود را دارد. زبان تکلم مهم‌ترین رکن برقراری ارتباط دوجانبه است، از این‌رو آشنایی با یک‌زبان مشترک بین‌المللی در جوامع گردشگرپذیر ضروری است هرچند آسیب‌هایی نیز به همراه دارد.

گویش مردم چنشت به گویش سربیشه بیشتر شبیه است. که در آن لهجه و کشیدگی خاصی مانند گویش بیرجندی ندارد و برخلاف گویش بیرجند است که در آن کلمات با مُصوت — آغاز می‌شوند و بیشتر به زبان سیستانی نزدیک است. آنچه گویش سربیشه‌ای را سخت کرده انتخاب واژگان اصیل فارسی دری در تکلم سربیشه‌ای هاست که به دلیل نزدیکی سربیشه با مرز افغانستان بوده و هنوز هم پا بر جاست (نجفیان، روشن و قیراطی، ۱۳۹۴: ۲۹).

موقعیت جغرافیایی و جمعیت روستای چنشت

روستای چنشت در فاصله ۶۰ کیلومتری جنوب شرق شهرستان بیرجند بخش مرکزی، دهستان

نهارجان شهر مود در شهرستان سربیشه و با طول جغرافیایی ۵۹ درجه و ۲۴ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳۸ دقیقه شمالی واقع شده است (گل محمدی و رضانی، ۱۳۹۵). شهر مود در فاصله ۲۴/۳ کیلومتری شمال شرق روستای چنشت، نزدیک‌ترین شهر به این منطقه است. فاصله شهر مود تا بیرجند ۳۵ کیلومتر می‌باشد. روستاهای متعددی چون: فنود، هریوند، کاهی، رزق، کلاته سلیمان، چهکندوک، گز و در نهایت روستای اصغول، پیرامون این شهر واقع شده‌اند که از نظر گردشگری در حوزه نفوذ روستای چنشت قرار داشته، می‌توانند نقش مهمی در جذب گردشگر داشته باشند.

جمعیت روستای چنشت در سرشماری ۱۳۸۵ نفوس و مسکن ۱۰۰۲ نفر بوده است که در سال ۱۳۹۴ تغییرات زیر را داشته است:

جدول (۱) جمعیت روستا به تفکیک خانوار و مرد و زن

تعداد خانوار	۲۹۹		
جمعیت مرد	۵۵۸ نفر	جمعیت سالمند بالای ۶۰ سال	۶۹ نفر
جمعیت زن	۵۰۸ نفر	جمعیت سالمند بالای ۶۰ سال	۵۲ نفر
کل جمعیت	۱۰۶۶ نفر		

منبع: آمار گردشگران روستای چنشت، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی، ۱۳۹۵

آمار گردشگری روستای چنشت

متأسفانه آمار دقیقی از میزان بازدیدکنندگان از روستای چنشت موجود نیست؛ اما قرار داشتن مزار سید حامد علوی، غارهای چهل چاه و چنشت و سنگ نگاره و کتیبه اسلامی تنگل استاد در این روستا و طبیعت زیبا و باغاتی که این روستا را همچون نگینی مقدس در درون خود جای داده است و ترکیب سه نوع جاذبه گردشگری (مذهبی، طبیعی و تاریخی) تعداد گردشگران و بازدیدکنندگان از این روستا را افزایش داده است. مزارکاهی نیز که در حوزه نفوذ روستای چنشت و در ۹/۳ کیلومتری شرق آن واقع شده است، به دلیل داشتن زوار فراوان و تأثیر اساسی آن در میزان جذب گردشگران به منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

براساس مطالعات میدانی و کسب اطلاع از مسئولان منطقه، از جمله دهیار و اعضای شورای

روستا، تعداد گردشگران در فصول معتدل سال به ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر در روز می‌رسد که از شهرها و شهرستان‌های مختلف همچون بیرجند، سربیشه، مود، قاین، طبس و حتی شهرستان‌های استان‌های مجاور مانند سیستان و بلوچستان، کرمان و ... به این روستا می‌آیند. علاوه بر این، دانشجویان و کارمندان ادارات مختلف، دسته دومی هستند که در فصل‌های معتدل سال در قالب اردوهای یک‌روزه از روستای چنشت بازدید می‌کنند و میزان آن به هر دو هفته یک اتوبوس می‌رسد. دسته سوم گردشگران این منطقه، دانش‌آموزانی هستند که در طول سال تحصیلی برای اردو به «اردوگاه دانش‌آموزی هدایت» می‌آیند و تقریباً از کل منطقه، بخصوص روستای چنشت بازدید به عمل می‌آورند و میزان آن در فصول معتدل سال به یک اتوبوس گردشگری در هفته می‌رسد. در ذیل آمار مربوط به گردشگری روستایی در شش‌ماهه اول سال ۱۳۹۴ آمده است. شایان ذکر است این آمار تمام مراجعان را اعم از اهالی شهرنشین روستای چنشت و گردشگران در برمی‌گیرد.

جدول ۲) مراجعان به روستای چنشت در تعطیلات نوروز ۱۳۹۳ و تابستان ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵

از ۲۸ اسفند ۹۳ تا ۹۴/۱/۱۴	۶۶۱۲ نفر
سه ماه تابستان ۹۴	۴۲۷۰ نفر
سه ماه تابستان ۹۵	۵۰۰۰ نفر

منبع: داده‌های جمعیتی روستا، دهیاری روستای چنشت، ۱۳۹۵

روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها یک تحقیق توصیفی و از نوع پیمایشی است. از نظر هدف نیز جزء تحقیقات کاربردی به حساب می‌آید. جامعه آماری مورد مطالعه کلیه ساکنان روستای چنشت است که بر اساس آمار سال ۱۳۹۴ حدود ۱۰۶۶ نفر بوده‌اند. حجم نمونه مورد نیاز برای مطالعه جامعه با در نظر گرفتن میزان خطای ۰/۰۵ و در سطح اطمینان ۹۵٪ با استفاده از رابطه کوکران حدود ۱۷۰ نفر محاسبه گردیده است. روش نمونه‌برداری نیز روش تصادفی ساده است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه محقق ساخته بوده که با توجه مبانی نظری موجود طراحی و

تدوین گردید. مقیاس مورد استفاده برای سنجش گویه‌های مطرح‌شده در پرسشنامه طیف پنج گزینه‌ای لیکرت در نظر گرفته شده است.

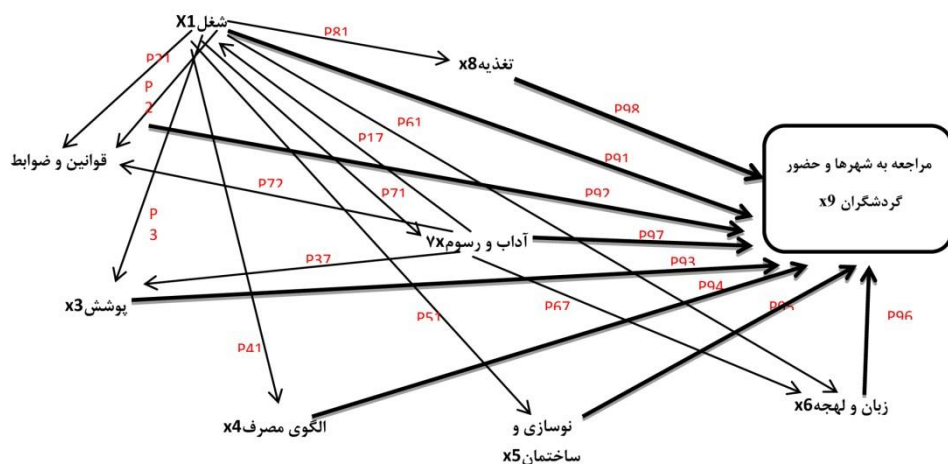
جهت تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در خصوص اثرات فرهنگی تعامل بین گردشگران و ساکنان منطقه مورد مطالعه، از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. این تکنیک بر پایه مجموعه‌ای از تحلیل رگرسیون چندگانه و بر اساس فرض ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته استوار است و بر استفاده ابتکاری از نمودار تصویری تأکید خاص دارد (کلانتری، ۱۳۸۷: ۲۲۴) به همین جهت در این تحقیق اثرات هشت متغیر شغل، پوشش، تغذیه، آداب و رسوم، قوانین و ضوابط، الگوی مصرف، زبان و لهجه، نوسازی و بازسازی مسکن بر دو متغیر وابسته حضور گردشگران و مراجعه به شهرها در نمودار مشخص شده است. با توجه به ماهیت متغیرهای مورد مطالعه و تأثیرگذاری برخی از آن‌ها بر یکدیگر دو عامل شغل و آداب و رسوم نیز به عنوان متغیر وابسته، تحت تأثیر برخی از مؤلفه‌های مؤثر، مورد مطالعه قرار گرفته است. برای تحلیل مسیر از ضرایب رگرسیون استاندارد شده جزئی (که به وزن بتا معروف است) به عنوان ضرایب مسیر استفاده شد و اثرات مستقیم هر متغیر تعیین شده است. به عبارت دیگر، این ضریب سهم یا وزن متغیر مستقل را در تبیین واریانس متغیر وابسته نشان می‌دهد (همان: ۲۲۷). برای محاسبه اثرات غیرمستقیم نیز با توجه به مسیر و حاصل ضرب ضرایب بتا در هر مرحله اثرات غیرمستقیم متغیرها مشخص شده است.

یافته‌های تحقیق

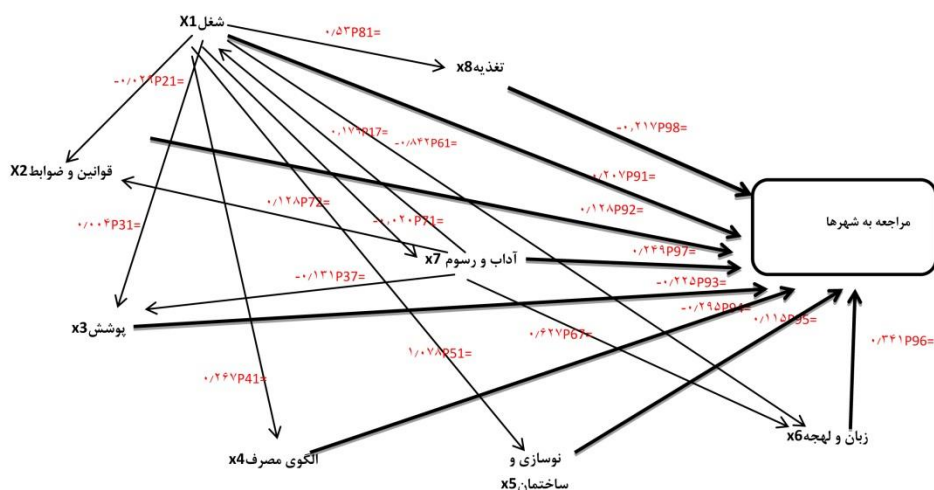
یکی از قوی‌ترین و مناسب‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل در تحقیقات علوم رفتاری و اجتماعی تجزیه و تحلیل چند متغیره است؛ زیرا ماهیت این موضوعات چند متغیری است و نمی‌توان آن را به صورت دو متغیری حل نمود. روش تحلیل مسیر^۱، تعمیمی از رگرسیون معمولی است که قادر است علاوه بر بیان آثار مستقیم، آثار غیرمستقیم و اثر کل هر یک از متغیرهای مستقل را برای متغیرهای وابسته نشان دهد و با بیان منطقی، روابط و همبستگی مشاهده شده بین آن‌ها را تفسیر کند (آذر،

(۱۳۸۱: ۵۹).

با توجه به آنچه در قسمت دیدگاه‌ها مرتبط با موضوع تحقیق ارائه شد الگوی کلی تحلیل مسیر برای هر یک از دو متغیر وابسته به شرح زیر است:



در نمودار ۱ تحلیل مسیر اولیه برای حضور در شهر و تمایل به پذیرش گردشگران آمده است که در انتهای جدول ۳ تفسیر آن بیان گردیده‌است.



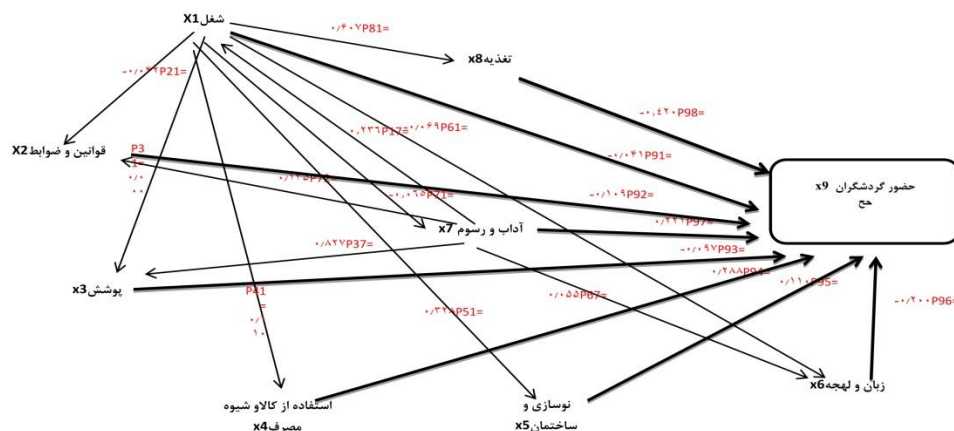
در نمودار ۲ تحلیل مسیر مراجعه به شهر و تأثیر آن در ابعاد مختلف: (پوشش، الگوی مصرف،

لهجه، آداب و رسوم و ...) بیان شده است.

جدول ۳) مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل مورد مطالعه بر مراجعه به شهر

عوامل	میزان اثر مستقیم بر اساس ضرایب بتا	میزان مجموع اثر بر اساس ضرایب بتا	اولویت
شغل	۰/۲۰۷	۰/۰۸۰۱	۴
آداب و رسوم	۰/۲۴۹	۰/۶۵۱۵	۱
قوانین و ضوابط	۰/۱۲۸	۰/۱۸۸۵	۲
پوشش	-۰/۲۲۵	-۰/۲۴۴۴	۷
الگوی مصرف	-۰/۲۹۵	-۰/۲۸۹	۸
نوسازی و بازسازی مسکن	۰/۱۱۵	-۰/۰۳۷۷	۵
زبان و لهجه	۰/۳۴۱	۰/۱۵۹۴	۳
تغذیه	-۰/۱۱۵	-۰/۱۱۶	۶

با توجه به اعداد و ارقام ارائه شده در جدول ۳ و نمودارهای موجود می توان گفت چهار عامل آداب و رسوم، قوانین و ضوابط، زبان و لهجه و شغل به ترتیب بیشترین تأثیر را برای ساکنان روستای چنشت در مراجعه به شهرها داشته است و از طرفی عواملی مانند الگوی مصرف، پوشش، تغذیه و نوسازی و بازسازی مسکن نقش بازدارنده داشته است. به عبارت دیگر در تعامل بین گردشگران و ساکنان روستا، عوامل اخیر نه تنها در مراجعه به شهر روستاییان تأثیر نداشته، بلکه به عنوان نقاط قوت فرهنگ جامعه میزبان اثرگذاری سایر عوامل را به حداقل رسانده است.



در نمودار ۳ تحلیل مسیر اثرات حضور گردشگران بر جامعه میزبان با توجه به متغیرهای مصرف، پوشش، تغذیه، آداب و رسوم و تغییر شکل مسکن در قالب نوسازی بیان گردیده است.

جدول ۴) مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل مورد مطالعه بر حضور گردشگران

عوامل	میزان اثر مستقیم بر اساس ضرایب بتا	میزان مجموع اثر بر اساس ضرایب بتا	اولویت
شغل	-۰/۰۴۱	-۰/۲۱۹۴	۷
آداب و رسوم	۰/۲۲۱	۰/۰۹۶	۳
قوانین و ضوابط	-۰/۱۰۹	-۰/۰۸۱۶	۴
پوشش	-۰/۰۹۷	-۰/۱۳۲۸	۵
الگوی مصرف	۰/۲۸۸	۰/۲۶۳	۱
نوسازی و بازسازی مساکن	۰/۱۱	۰/۱۰۹۳	۲
زبان و لهجه	-۰/۲	-۰/۱۸۶۱	۶
تغذیه	-۰/۴۲	-۰/۳۶۳۲	۸

جدول فوق نشان می‌دهد سه عامل فرهنگی الگوی مصرف، نوسازی و بازسازی مساکن و آداب و رسوم محلی به ترتیب بیشترین تأثیر را در حضور گردشگران در روستای چنشت داشته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

منطقه گردشگری چنشت و روستاهای اطراف آن با توجه به قابلیت‌های مناسب فرهنگی، اقلیمی و طبیعی بستر لازم برای توسعه گردشگری را در اختیار دارد؛ از این رو می‌تواند به‌عنوان یکی از مسیرهای گردشگری استان خراسان جنوبی تعریف شود تا از این طریق درآمدزایی مناسبی برای مردم منطقه به ارمغان آورد. علاوه بر این، بازدید گردشگران از مناطق روستایی و احترام آن‌ها به اصول فرهنگی ساکنان مانند نوع پوشش و تعلقات مذهبی باعث حفظ این ارزش‌ها و احساس هویت ساکنان شده است که در نتیجه موجب ادامه فعالیت‌های اقتصادی و ماندگاری و تثبیت جمعیت در روستا خواهد شد.

نتایج به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل‌های آماری در بررسی اثرات تعاملات ساکنان مناطق

روستایی و گردشگران نشان می‌دهد که مؤلفه‌های تأثیرگذار در مراودات بین جامعه میزبان و گردشگران به ترتیب اولویت در زمینه‌هایی مانند تغییر الگوی مصرف، نوسازی و بازسازی مساکن، آداب و رسوم، قوانین و ضوابط، پوشش، زبان و لهجه، قوانین، شغل و شیوه تغذیه بوده است. همچنین، در تعامل گردشگران با ساکنان محل، الگوهای مصرفی آن‌ها به‌عنوان اولویت اول تغییر کرده است؛ چراکه معمولاً گردشگران با مصرف کالاهای خاص و معرفی آن‌ها به ساکنان به نوعی ذائقه جامعه میزبان را تغییر می‌دهند. در خصوص نوسازی ساختمان‌ها به‌عنوان اولویت دوم، رنگ خاص و ویژه ساختمان‌ها (سبز تیره) و استفاده از صنایع دستی در وسایل منزل (پرده‌ها و بالش‌هایی که با اشعار و تصاویر گلدوزی می‌شوند) برای گردشگران جذاب بوده، واکنش‌هایی چون عکاسی از این مناظر را بر می‌انگیزد و این امر سبب حفظ ویژگی‌های بنا می‌شود. جامعه میزبان، با عنایت به تفاوت نسبت به روستاهای اطراف، آداب و رسوم خود را حفظ کرده، اما این آداب و رسوم در تعامل با جامعه شهری در حال تغییر است. در خصوص شغل به‌عنوان یکی از اولویت‌های آخر باید گفت که بخش عمده اهالی، به‌خصوص مردان جهت جمع‌آوری سهم سادات به شهرهای بزرگ مراجعه نموده، بعد از مدتی به روستا برمی‌گردند. با توجه به اقلیم خشک منطقه، افراد ساکن روستا نیز قادر به کشاورزی نبوده، بیشتر به‌عنوان کارگر غیرماهر در بخش خدمات مشغول به کارند؛ از این‌رو، به نظر می‌رسد با توجه به پتانسیل‌های روستای چنشت، ایجاد فروشگاه‌های برای فروش صنایع دستی و لباس محلی، ضمن ایجاد اشتغال بویژه برای زنان، به حفظ صنایع دستی بومی نیز کمک خواهد کرد. در مورد شیوه تغذیه، به‌عنوان یکی دیگر از اولویت‌های آخر مردم نیز گفتنی است از آنجاکه مراکز تهیه غذای سنتی در روستا وجود ندارد؛ لذا تأثیر چندانی بر شیوه تغذیه گردشگران نداشته است. وجود چنین مراکزی با توجه به فاصله روستا از شهر و تمایل گردشگران به استفاده از غذاهای سنتی و بومی به اقتصاد روستا کمک شایانی خواهد کرد.

در خصوص روستائینی که به شهر مهاجرت کرده‌اند نیز باید گفت آداب و رسوم آنها بیش از سایر مؤلفه‌ها تحت تأثیر قرار گرفته است؛ به این صورت که افراد در مراجعه به شهر تصمیم می‌گیرند با تقلیل این نوع آداب و رسوم، هزینه‌های زیاد برگزاری مراسم مختلفی مانند عروسی را که گاه تا سه روزه طول می‌انجامد، به پایین‌ترین سطح برسانند. از نظر قانون‌پذیری نیز هر دو جامعه نسبت به

اهمیت و نقش برجسته قوانین و ضوابط واقفند؛ هم گردشگران و هم روستاییان به شدت از قوانین و مقررات حاکم بر جامعه مقابل خود اثرپذیرفته‌اند. تا در تعاملات از خطوط قرمز قانونی عبور نکنند. زبان و لهجه ساکنان نیز با مراجعه به شهرها و نیاز به تعاملات و ارتباطات بیشتر و قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها دچار تغییر شده است. از نظر پوشش نیز مردم در عین پوشیدگی و حجاب کامل از رنگ‌های شاد و زنده استفاده می‌کنند، به‌طوری‌که این پوشش توجه گردشگران را به خود جلب کرده است؛ اهالی روستا در مراجعات خود به شهر نیز از این پوشش استفاده کرده و از فضای شهر اثر نپذیرفته است؛ بنابراین می‌توان چنین استدلال کرد که شیوه پوشش مردم روستای چنشت بخشی از هویت ساکنان بوده، مردم نسبت به اصول و قواعد آن پایبند هستند و عمدتاً در برابر تغییر الگوی آن مقاومت می‌کنند.

منابع

- آذر، عادل (۱۳۸۱). "تحلیل مسیر (path analysis) و علت‌یابی در علم مدیریت". *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، سال چهارم، ش ۱۵ (زمستان): ۵۹-۹۶.
- ادبی ممقانی، محمد، و دیگران (۱۳۹۳). "ارزیابی اثرات توسعه گردشگری فرهنگ‌محور در تغییرات اجتماعی - فرهنگی مقاصد روستایی (مطالعه موردی: بخش کن دهستان سولقان)". *برنامه‌ریزی فضایی*، سال چهارم، ش ۲ (تابستان): ۵۵-۷۸.
- ایزدی، حسن (۱۳۹۴). "گردشگری غذا، فرصتی برای توسعه پایدار روستایی". *پژوهش‌های روستایی*، دوره ششم، ش ۱ (بهار): ۶۵-۹۶.
- بابایی فینی، ام‌السلّمه (۱۳۹۴). "مقایسه قوانین و مقررات گردشگری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای توسعه‌یافته". *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، سال چهارم، ش ۱۴ (پاییز): ۲۶-۴۴.
- بونی‌فیس، پریسیلا (۱۳۸۷). مدیریت گردشگری فرهنگی. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ سقایی، مهدی (۱۳۸۹). *گردشگری ماهیت و مفاهیم*. تهران: سمت.
- تافلر، آلون (۱۳۷۶). *موج سوم*. ترجمه شهیندخت خوارزمی. تهران: نشر نی.
- تولایی، سیمین (۱۳۸۵). *مروری بر صنعت گردشگری*. تهران: دانشگاه تربیت‌معلم.
- جهانیان، منوچهر؛ نادعلی‌پور، زهرا (۱۳۸۸). *مدیریت گردشگری (تعاریف ماهیت و اجزاء)*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- حیدری‌چیان، رحیم؛ قاسمی، وحید (۱۳۹۵). "بررسی تطبیقی خط‌مشی‌های توسعه گردشگری با تأکید بر روابط اجتماعی بین میزبان و مهمان (مطالعه موردی: ایران و ترکیه)". *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، دوره پنجم، ش ۱۶ (بهار): ۳۱-۴۶.
- خادم، امین (۱۳۹۴). "واکاوی قابلیت‌ها و فرصت‌های اقتصاد گردشگری، روستاهای هدف گردشگری استان خراسان جنوبی (مطالعه موردی: روستاهای خرو و چنشت)". *اقتصاد خاوران*، سال دوم، ش ۱۹ و ۲۰ (زمستان و بهار): ۹-۱۶.
- رضوانی، علی‌اصغر (۱۳۸۵). *جغرافیا و صنعت توریسم*. تهران: دانشگاه پیام‌نور.

- سلیمانی، کرم؛ شهسواری، حامد (۱۳۹۸). "چرا ایرانی‌ها همه چیز را زیاد مصرف می‌کنند؟". [پیوسته] قابل دسترس در: [۱۳۹۸/۱۲/۱۰] <https://www.borhan.ir/6202>
- شاطری، مفید؛ حجتی‌پور، محمد؛ آقاجان‌پور، پریسا (۱۳۹۴). "تحلیل راهبرد فضا در راستای گسترش و کارآمدسازی گردشگری روستایی در روستای چنشت شهرستان سربیشه". [پیوسته] قابل دسترس در: [۱۳۹۸/۱۰/۰۶] <https://isn.ac/?action=ShowPaper&id=2274>
- شالچیان، طاهره (۱۳۸۲). "آثار میان فرهنگی و نقش گردشگری در ایجاد وفاق بین ادیان اسلام و مسیحیت". *مطالعات جهانگردی*، دوره یکم، ش ۳ (زمستان): ۱۷-۳۷.
- فرهادی محلی، علی (۱۳۹۰). "بررسی تحلیلی پدیده جهانی شدن با تمرکز بر حوزه فرهنگ". *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره دوم، ش ۵ (زمستان): ۶۳-۹۶.
- کردوانی، پرویز؛ موردغفاری، ونوس (۱۳۹۰). "توریسم و رویکرد نوسازی در طراحی بافت‌های تاریخی شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان). *جغرافیای سرزمین*، سال هشتم، ش ۲ (تابستان): ۱۹-۳۲.
- کروی، مهدی (۱۳۸۸). "بررسی نقش ارتباطات انسانی در توسعه جهانگردی". *علوم مدیریت ایران*، سال چهارم، ش ۱۳ (بهار): ۱۰۱-۱۳۰.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۷). *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی با استفاده از نرم‌افزار SPSS*. تهران: فرهنگ صبا.
- گل‌محمدی، فرهود؛ رضانی، فریدون (۱۳۹۵). "گردشگری مذهبی راهکاری مناسب در تربیت سبک زندگی اسلامی-ایرانی و دستیابی به توسعه پایدار روستایی: وضعیت‌ها، مشکلات و الزامات (مطالعه موردی: خراسان جنوبی)". [پیوسته] قابل دسترس در: [۱۳۹۸/۱۰/۰۶] https://www.civilica.com/Paper-JR_JOIH-JR_JOIH-1-10_057.html
- گی، چاک وای. (۱۳۸۲). *جهانگردی در چشم‌اندازی جامع*. ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- لبافی، زهرا (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر آداب و رسوم در جذب گردشگر در منطقه لواسان کوچک طی بررسی تحلیلی-توصیفی (مطالعه موردی: روستای افجه و سینک)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد

- جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- محلاتی، صلاح‌الدین (۱۳۸۱). درآمدی بر گردشگری کشورهای جهان سوم. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفیان، آرزو؛ روشن، بلقیس؛ قیراطی، زهرا (۱۳۹۴). "صرف کاربردشناختی پسوندهای نسبت در زبان فارسی". *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، دوره هفتم، ش ۱۳ (پاییز و زمستان): ۲۱-۳۸.
- وثوقی، لیلا؛ خوش‌نمک، صادق (۱۳۹۴). "تبیین تفاوت‌های میان فرهنگی در گردشگری مبتنی بر درک جامعه محلی (مورد مطالعه: ناحیه قره‌داغ ارسباران)". *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره هشتم، ش ۲ (تابستان): ۹۵-۱۲۹.
- ویلیامز، استفان (۱۳۸۸). *جغرافیای گردشگری*. ترجمه محمود ضیایی. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- یوسفی، جواد (۱۳۹۷). "تحلیل اهمیت - عملکرد خدمات گردشگری مذهبی (مورد مطالعه: شهرستان بیرجند)". *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، سال هفتم، ش ۲۴ (بهار): ۳۸-۵۸.
- یوسفی، جواد؛ شریفی تهرانی، محمد (۱۳۹۵). "تحلیلی بر اثرات اجتماعی و فرهنگی توسعه گردشگری (مورد مطالعه: شهرستان بیرجند)". *راهبرد توسعه*، سال دوازدهم، پیاپی ۴۸ (زمستان): ۱۳۷-۱۵۵.
- Anantamongkolkul, Chidchanok; Butcher, Ken; Wang, Ying (2019). "Long-stay tourists: Developing a theory of intercultural integration into the destination neighbourhood". *Tourism Management*, Vol. 74: 144-154.
- Johnston, R. J. (1985). *Future of geography*. London: Methuen Press.
- WTTC (World Travel and Tourism Council) (2019). "Iran 2019 annual research: Key highlights". [Online] Available: <https://www.wttc.org/economic-impact/country-analysis/country-data/> [2020/18/03].

کارکردهای آموزشی موقوفه حاج عبدالعلی خان در شهر بیرجند

مرضیه فاریابی^۱

مفید شاطری^۲

سال چهاردهم، شماره اول، پاییز ۱۳۹۸

شماره صفحه: ۷۵-۹۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۵

چکیده

وقف به عنوان یکی از احکام الهی به واسطه حمایت در ایجاد نهادهای آموزشی و مدارس، پشتوانه‌ای جهت شکوفایی و تقویت فرهنگ اسلامی بوده است. این سنت پسندیده به عنوان یک منبع مستمر مالی و پشتوانه مردمی جهت تداوم و پابرجایی مراکز آموزشی برای تربیت طلاب و دانش پژوهان همه اقشار جامعه بوده است. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و برپایه اسناد وقفی و منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است، در صدد است تا با بررسی و تحلیل اسناد موقوفات حاج عبدالعلی خان تأثیر وقف را در ایجاد مدارس و در نهایت شکوفایی فرهنگی و آموزشی بیرجند تبیین نماید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که یکی از دغدغه‌های مردم و حتی حاکمان وقت بیرجند، نبود نهادهای آموزشی و نگرانی از عقب ماندگی فرهنگی بوده است که واقف (حاج عبدالعلی خان) با نکته‌سنجی‌های دقیق، علاوه بر حل مشکل مکان جهت برگزاری کلاس‌ها، به هزینه طلاب، لباس و کتاب آن‌ها نیز توجه کرده و با وقف رقبات متعدد (اموال و املاک) بر مرکز آموزشی و فرهنگی موقوفه خود که شامل مجموعه مسجد، مدرسه علمیه، حسینیه و آب‌انبار بوده، الگویی از تأسیس

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول

faryabi1991@yahoo.com

۲. استادیار گروه جغرافیا دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند mshateri@birjand.ac.ir

مراکز آموزشی و فرهنگی را برای شهر بیرجند ایجاد نموده است.

واژگان کلیدی: وقف، آموزش و پرورش، بیرجند، مدرسه حاج‌عبدالعلی‌خان

مقدمه

توجه ویژه به وقف در زمینه آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین ثمرات و کارکردهای آن است که علاوه بر جنبه کالبدی آن (تأسیس نهادهای آموزشی مانند مدارس یا کتابخانه‌ها)، واقفان و بزرگان شهر اموال غیرمنقولی را نیز جهت نگهداری این نهادها وقف می‌کردند. مهم‌ترین نقش وقف در توسعه فرهنگ و تمدن، توسعه‌ی معنوی جامعه است، بدین مفهوم که جامعه در بُعد الهی، دینی و ارزش‌های معنوی خویش بیش‌تر از ابعاد مادی رشد می‌کند، زیرا وقف از دیدگاه انسانی و معنوی عبارت است از به خدمت گرفتن ارزش‌ها و امکانات مادی به نفع ارزش‌های معنوی؛ به همین خاطر است که گسترش فرهنگ وقف، یکی از عمده‌ترین عامل از بین برنده تراکم ثروت در جامعه و ایجاد بستر مناسب برای رشد ارزش‌های معنوی و الهی در شکل توزیع عادلانه ثروت محسوب می‌شود (جوادی، ۱۳۸۸: ۷). اوقاف به سبب تحصیل درآمد مادی، بهترین و بیش‌ترین کسب درآمد را در امر آموزش و پرورش در جوامع اسلامی دارا است؛ چه بسا که اگر مدرسه یا مؤسسه آموزشی‌ای تحت لوای سنت وقف نبود شاید رسیدگی به آن به نحو شایسته‌ای شکل نمی‌گرفت و هیچ دانش‌آموز، طلبه و یا دانشجویی به تحصیل در آن جا نمی‌پرداخت یا این که اساساً مدرسه‌ای ایجاد نمی‌شد. اما قرار گرفتن تعلیم و تربیت تحت سنت وقف، سبب اختصاص رقبات، شکل‌گیری، نگهداری و پایداری مدرسه، پرداخت حقوق مدرسان، کمک هزینه دانش‌آموزان و طلاب و حتی تهیه وسایل تحصیلی شده است. در واقع با نگاهی گذرا به وقف نامه‌ها و نموده‌های عینی آن در ممالک اسلامی در می‌یابیم که واقفان برای پیشبرد علم و بالا بردن توانایی‌های فرهنگی جامعه به تأسیس مدارس توجه می‌کردند؛ لذا مدارس، مؤسسات فرهنگی، آموزشی و درمانی بسیاری از رهگذر عمل به سنت ستوده و استوار وقف، از گذشته‌های بسیار دور به یادگار مانده است.

در نوشتار حاضر سعی شده است با استفاده از اسناد و مدارک وقفی و منابع شفاهی مرتبط با

موقوفات، با تأکید بر بخش آموزش موقوفه حاج عبدالعلی خان که کارکردهای متنوع اجتماعی و فرهنگی نیز داشته است، جایگاه وقف در آموزش و پرورش شهر بیرجند، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و برپایه اسناد وقفی و منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. از آن جایی که نهاد آموزش و پرورش، تا قبل از راه اندازی مدارس به شیوه مدرن، به کمک نهاد وقف تقویت و حمایت می‌شده، لذا اسناد وقفی و بویژه وقف نامه‌ها مهم‌ترین منبع استناد این پژوهش بوده است، هر چند که برای تکمیل اطلاعات از دیگر اسناد مکتوب موجود همچون کتب و مقالات نیز بهره گرفته شده است.

تعریف وقف

وقف در لغت به معنای ایستادن، اندکی درنگ کردن در بین کلام و دوباره شروع کردن است (عمید، ذیل واژه "وقف")، اقامت کردن و به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن (دهخدا، ذیل واژه "وقف") و در اصطلاح به معنای حبس کردن ملک یا مستغلی در راه خدا، زمین، ملک یا مستغلی که برای مقصود معینی در راه خدا (معین، ذیل واژه "وقف") یا حفظ و نگهداری اموالی خاص جهت بکارگیری منافع آن در کارهای انسان دوستانه و امور خیریه به شرط آن که منافع فقط در هدف یا اهداف تعیین شده برای آن مصرف شود، است (منذر، ۱۳۸۵: ۶۲).

رویکرد فرهنگی وقف

تنوع مصارف وقف نشانگر نیازهای هر جامعه و جو فرهنگی حاکم بر افکار عمومی هر دوره است. کارکردهای وقف در شرایط زمانی و مکانی خاص خود از مؤثرترین عوامل توسعه شهرها بوده است. دیدگاه‌های متفاوت سنت وقف به همراه رویکردهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دینی-مذهبی، شهری و زیست محیطی نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در رشد و توسعه جوامع اسلامی بوده است. مروری بر تاریخچه وقف در شهرها نشان می‌دهد که بخش زیادی از موقوفات به مراکز علمی و آموزشی چون دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز تحقیقاتی و ... اختصاص دارد که از رویکرد فرهنگی نهاد وقف حکایت می‌کند. در گذشته بسیاری از مراکز فرهنگی از طریق موقوفات اداره می‌شد و تعداد

زیادی از اقشار کم درآمد جامعه که برخی از استعداد های درخشان هم برخوردار بودند و به علت نداشتن امکانات قادر به تحصیل نبودند به این مدارس و مراکز وارد می شدند.

گزارش های زیادی در تاریخ راجع به آثار مثبت و کارکرد نیکوی وقف مندرج است. از آن جمله ابومنصور یکی از وزرای آل بویه کتابخانه خود را که دارای ۱۹۰۰۰ جلد کتاب بود برای طالبان علم وقف کرد. یا بیت الحکمه، نخستین نهاد رسمی آموزشی بود که توسط مأمون تأسیس شد (نوری، ۱۳۷۹: ۴۵).

نقشی که وقف از طریق توسعه کمی و کیفی فضاهای آموزشی، فرهنگی، هنری و مانند آن در فرآیند بهبود وضع فرهنگی جامعه ایفا می کند، بسیار مهم است و این نقش می تواند به وسیله تأثیر مستقیم توسعه همه جانبه فضاهای آموزشی و فرهنگی بر بهبود وضع فرهنگی اجتماع؛ کمک به کمبود فضاها و تجهیزات مورد نیاز آموزشی، فرهنگی، هنری و ... در این عرصه بیش از پیش آشکار شود (شهرامی، ۱۳۸۲: ۳۸).

نقش وقف در شکل گیری فضاهای آموزشی

سیستم آموزشی ایران قبل از ایجاد مدارس، مکتب خانه ای بوده است. مکتب خانه مکانی بوده که بیشتر کودکان برای آموزش خط، حساب، ادبیات عربی و فارسی و فراگیری قرآن کریم در آن حاضر می شدند و تحصیل علوم تجربی در آن جایگاهی نداشت. نخستین جایگاه آموزش های اسلامی مساجد بودند. از این رو، اولین مکتب خانه ها هم در مساجد تشکیل شدند؛ سپس تکایا و منازل شخصی هم به آن اضافه گشت. معلمان مکتب خانه ها معمولاً روحانیون، سادات، ملاباجی ها (معلم مکتب دختران) و دیگر اقشار با سواد جامعه بودند و به تنهایی هم مدیر، هم ناظم و هم معلم محسوب می شدند (فخرایی، ۱۳۵۳، ج ۲: ۴۸). در هر حال مکتب خانه ها رایج ترین سیستم آموزشی ایران قبل از تأسیس مدارس جدید بوده، پایه و اساس نظام تعلیم و تربیت کودکان در کشور محسوب می شدند. بررسی تاریخیچه وقف در اسلام نشان می دهد که در طول دوره های تاریخی، واقفان متعدد املاکی را بر مدارس علوم دینی وقف نمودند که به مدد برخورداری از درآمد همین موقوفات در قرون دوم تا چهارم هجری، تحولات علمی مهمی

در دنیای اسلام رخ داد. مدارس مهمی چون مدارس نظامیه در بغداد، مدرسه بیهقیه و سعدیه در نیشابور، مدرسه الفاضلیه در قاهره از مدارس مهم و معتبر جهان اسلام بودند که به کمک درآمد موقوفات در ترویج فرهنگ و علوم اسلامی، نقش موثری در جهان اسلام ایفا نمودند (ساعاتی، ۱۳۷۴: ۲۰-۲۱). مشهورترین مدارس وقفی مربوط به قرن پنجم هجری، مدارس "نظامیه" خواجه نظام الملک است. نظامیه‌های نیشابور، بغداد، اصفهان، آمل، طبرستان، بلخ، بصره و هرات دارای موقوفات متعددی بودند که درآمد آن‌ها صرف مخارج نظامیه‌ها می‌شد. علاوه بر آن دارالعلم‌ها و کتابخانه‌های بزرگ از محل اوقاف به وجود آمدند که وظیفه نشر علوم را بر عهده داشتند (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۲: ۸۹).

سهم عمده‌ای از موقوفات در کشورهای اسلامی به ایجاد مدارس و تقویت مراکز علمی اختصاص دارد. صدها مدرسه بزرگ و کوچک در روزگار خلافت عباسیان و پس از آن، از نظامیه بغداد تا دارالعلم‌های بخارا و سمرقند، در سرزمین‌های اسلامی عمدتاً از محل موقوفات، اداره می‌شدند و دانشمندان بزرگی، چون شیخ مصلح‌الدین سعدی و بوعلی‌سینا در همین مدارس وقفی به تحصیل پرداخته، افتخار آفریدند. خواجه نظام الملک طوسی پس از آنکه مدرسه نظامیه بغداد را ساخت، دستور داد تا در اطراف آن، بازار، دکان و گرمابه بسازند و درآمد همه آنها را وقف حقوق استادان و مخارج مدرسه کرد. یکصد سال پیش از آن نیز ابوالحسن بیهقی در نیشابور مدرسه‌ای تأسیس نموده، مبالغ هنگفتی از اموال خود را برای اداره این مدرسه و کمک به دانشجویان شاغل در آن وقف کرد (کسائی، ۱۳۵۸: ۷۵).

وقف در امر آموزش و پرورش کشور نقش مهمی ایفا کرده است. مساجد که عموماً وقفی بودند علاوه بر محل انجام فرائض مذهبی، محل تشکیل جلسات متعدد درس و بحث نیز بوده است؛ تا جایی که مدارس اولیه شکل و فرم ظاهری مسجد داشتند. همه این مدارس متکی بر وقف بوده و تحصیل در آن‌ها همگانی و رایگان بوده است. دانش‌آموزان و دانشجویان برای تحصیلات متوسطه و عالی خود هزینه‌ای پرداخت نمی‌کردند و تحصیل در آن‌ها مخصوص قشر خاصی از مردم نبود بلکه امکانات تحصیل برای همه اقشار جامعه فراهم بود (فلاح تفتی، و اکبرنژاد، ۱۳۹۴: ۶).

تاریخچه آموزش و وقف در بیرجند

سرزمین قهستان تا قبل از انقلاب مشروطه به لحاظ آموزشی، امتیاز ویژه‌ای نسبت به دیگر شهرهای شرقی ایران نداشت و فرایند آموزش در بیرجند مانند سایر شهرهای کشور، بر عهده مکتب‌خانه‌ها بود. این شهر ده مکتب‌خانه داشته است که همه با شیوه‌های سنتی، قرآن و متون ساده فارسی را به کودکان (دختر و پسر) می‌آموختند و محصلان از یادگیری خط معاف بودند (ارشاد سرابی، ۱۳۸۷: ۲۱).

مهم‌ترین و مفیدترین حادثه بعد از انقلاب مشروطه در بیرجند، افتتاح دبستان شوکتی بوده است. به‌واقع نخستین مدارس سبک جدید خراسان در منطقه قاینات توسط محمد ابراهیم خان علم ملقب به شوکت‌الملک، حاکم آن ناحیه تحت عنوان "شوکتیه" ابتدا در بیرجند و سپس در دیگر حوزه‌ها تأسیس شد. این مدارس، مستقل از اداره فرهنگ آن زمان و زیر نظر مستقیم شوکت‌الملک اداره می‌شدند و بودجه آن نیز از محل موقوفات برادر بزرگترش، اسماعیل خان تأمین می‌شد (منصف، ۱۳۵۴: ۱۱۱). وقتی که معدل‌الدوله بری اخذ مالیات به بیرجند آمد، شوکت‌الملک او را متقاعد کرد که مالیات موقوفه‌ها در راه تأسیس مدرسه‌ای جدید صرف شود. معدل‌الدوله ضمن تشویق وی، با اختصاص مالیات موقوفات به آن امر موافقت کرد. به این ترتیب شوکت‌الملک در سال ۱۳۲۶ هجری قمری اقدام به تأسیس نخستین مدرسه جدید به نام مدرسه شوکتیه بیرجند نمود و در سال ۱۳۴۰ هجری قمری شوکت‌الملک اقدام به تأسیس مدرسه دخترانه نمود که برای این منظور مدرسه نسوان در عمارت قلعه در نظر گرفته شد (رضایی، ۱۳۸۱: ۱۳۳). تأسیس شوکتیه ضمن برآورده کردن انتظارات شوکت‌الملک، محل مصرف بهینه موقوفات را هم فراهم می‌آورد. در نتیجه امیر ابراهیم خان پس از مشورت با علمای بیرجند و اخذ موافقت آنان، کلیه هزینه‌های مدارس شوکتیه را از محل درآمد این موقوفات تأمین و پرداخت می‌کرد (همان: ۲۴۸).

قبل از گشایش دبستان شوکتی در شهر بیرجند، یک مدرسه قدیمی به نام مدرسه معصومیه وجود داشت. این مدرسه در سال ۱۱۶۱ هجری قمری توسط امیر معصوم خان خزیمه یکی از دو فرزند امیر اسماعیل خان خزیمه از محل موقوفات امیر علم‌خان اول تأسیس شد که محل تربیت طلاب علوم دینی بود که در حجره‌های آن سکونت اختیار کرده، از محل موقوفات اولیه و کمک‌های

مردمی زندگی می‌کردند (گنجی، ۱۳۸۲: ۳۵)، در این مدرسه که ویژه طلاب علوم دینی دایر شده بود، تنها صرف و نحو زبان عربی و مختصری از ادبیات عرب (مطلول) بعلاوه فقه و اصول تدریس می‌شد (رضایی، ۱۳۸۱: ۲۴۶). علاوه بر مدرسه معصومیه، مکتب‌خانه‌های متعددی برای پسران و دختران خردسال وجود داشت که پیرمرد یا پیرزنی با قدیمی‌ترین روش تدریس، قرآن و کتب ساده فارسی را به اطفال می‌آموخت. غیر از مدرسه بیرجند، مدرسه جعفریه قاین، مدرسه عتیقه زهان، مدرسه قدیمی خوسف، مدرسه قدیمی درمیان، مدرسه قدیمی گل بود که در هر یک تعدادی طلبه همانند مدرسه معصومیه بیرجند مشغول تحصیل بودند و علوم شرعی را می‌آموختند (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۲).

شهر قاین، دو مدرسه به نام‌های "معرفت" و مدرسه قدیمی "جعفریه" داشت؛ این مدارس، پس از مدارس جدید و قدیم بیرجند، از اعتبار خاصی برخوردار بودند. شوکت‌الملک اداره این مدارس را بین سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۳ شمسی به تدریج به اداره فرهنگ آن زمان واگذار کرد و دلیل این تصمیم را می‌توان دخالت‌ها و فشارهای آن اداره در امور مدارس مذکور دانست (خانی‌زاده، ۱۳۸۶: ۶۴).

آموزش و پرورش بیرجند با افتتاح مدارس شوکتی در سال ۱۳۳۵ هجری قمری آغاز به کار کرد و اداره امور مربوط به آن تا سال ۱۳۰۸ به عهده محمدابراهیم خان علم بود. پس از آن به عهده اداره معارف شهرستان بیرجند بود و چندی بعد که مکران نیز به آن اضافه شد به دولت مرکزی واگذار شد. امر تأسیس مدارس شوکتی در نقاط مختلف شهرستان بیرجند در آن روزها، موجب شد که به رغم فواصل زیاد آبادی‌ها از یکدیگر و فقر منطقه تعداد باسوادان این منطقه افزایش چشمگیری پیدا کند. تا جایی که اداره آموزش و پرورش بیرجند طی سالیان متمادی توانست با تربیت افراد تحصیل کرده موجبات گسترش آموزش و پرورش در استان‌ها را فراهم آورد (رضایی، ۱۳۸۱: ۱۳۸-۱۳۹).

در خراسان جنوبی موارد متعددی از وقف بر مراکز آموزشی وجود دارد. میرزا خانلرخان اعتصام-الملک، نائب اول وزارت امور خارجه ناصری در سفرنامه‌اش درباره موقوفات مدارس در جنوب خراسان در دوره قاجار این گونه بیان می‌دارد: «در منطقه قاینات سه مدرسه علمیه وجود دارد، یکی در شهر قاین، یکی در بیرجند و دیگری در بلوک درخش. مدرسه قاین و بیرجند را از نزدیک دیده‌ام و اوضاع مدرسه درخش را نیز از آقا محمدعلی مجتهد درخشی که به دیدن من آمده پرسیده‌ام. به

هر یک از این مدارس سالی هفتصد تومان از محصول اmlاک خودش، وظیفه طلاب می‌دهند» (اعتصام الملک، ۱۳۵۱: ۳۱۹).

معرفی حاج عبدالعلی خان

حاج عبدالعلی خان فرزند حاج رضاقلی خان فرزند امیر محمدحسن خان حکمران طبس وکیل الدوله بوده است. خاندان بنی‌شیبان از جمله حاکمان محلی در خراسان بزرگ به‌شمار می‌آیند که حدود دو قرن در دوران سلطنت افشاریه، زندیه و قاجاریه و اوایل دوره پهلوی بر منطقه تون و طبس و نواحی اطراف آن فرمانروایی داشتند. بنی‌شیبان طایفه‌ای از اعراب آل خزیمه بودند که در سال ۱۵۰ هجری قمری به همراه شخصی از بنی‌خزیمه، فرمانده سپاه خلیفه عباسی برای سرکوب شورش استادسیس به قهستان اعزام شدند (قصایبان، ۱۳۸۸: ۹۰۳). آیتی در بهارستان این خاندان را با عنوان خاندان وکالت معرفی و اشاره می‌نماید: «امرای خزیمه را خانواده امارت و مابین این دو سلسله به مواصلات عدیده از زمان قدیم اختلاط و آمیزش است و از اولاد میرحسن خان شیبانی چند نفر از بزرگان در ولایت قاین می‌زیسته‌اند از جمله مرحوم عبدالعلی خان که دختر امیرعلم خان حشمت‌الملک را به حباله نکاح داشت» (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۲۵). در کتاب فرهنگ رجال، قبایل و افراد در خراسان، سیستان و قاینات که تا سال ۱۹۲۳ میلادی (۱۳۰۲ خورشیدی) توسط ستاد ارتش هند انگلیسی گزارش شده در ذیل معرفی عمادالملک به این مواصلت اشاره شده است: «سردار شیبانی‌های عرب‌تبار، سرکرده مورثی و حاکم تون و طبس، این خانواده با امرای قاینات (بیرجند) نسبت فامیلی نزدیک دارند» (رفیعی، ۱۳۹۸: ۱۰۵).

امیر علم خان سوم چهار فرزند داشت که از میان آنها، دختری به‌نام نواب، به ازدواج پسر عمه‌اش حاج عبدالعلی خان از اولاد امیرحسن خان طبسی درآمد (منصف، ۱۳۵۴: ۲۵)، حاج عبدالعلی خان از وابستگان خاندان امیری بود، وی حسینی بزرگی در اوایل کوچه خواجه‌ها احداث کرد که به نام خود وی شهرت داشت. این حسینی در ضلع جنوبی آن کوچه و در فاصله دو آب‌انبار حاجی خان و حاج علیرضابیک، روبه‌روی منزل آراسته واقع و چندین سال در دهه اول این سده، محل دبستان شوکتیه بود و پس از آن، این مدرسه به حسینی شوکتیه منتقل شده، یک دبستان دولتی در آن ایجاد گردید

که ابتدا "تدین" و بعد "حکیم نزاری" نامگذاری شد (رضایی، ۱۳۸۱: ۱۲۵)، (تصویر ۱ و ۲).
منصف در کتاب خویش در خصوص انجام مراسم شبیه‌خوانی در حسینیہ ساخته شده توسط حاج عبدالعلی خان می‌گوید: «در اوایل شبیه خوانی هم در دو تکیه بزرگ امیر واقع در قلعه بیرجند معمول و مرسوم بود، دهه اول محرم در حسینیہ مرحوم شوکت‌الملک برادرش که به‌صورت مدرسه درآمد بود و دهه دوم در تکیه و عمارت کهنه قدیمی که به عمارت مرحوم حاج عبدالعلی خان شوهر خواهرش مرسوم بود و درست مقابل تکیه اول قرار داشت باز در این زمینه اشخاص مستعد و خوش آوازی راهی بیرجند می‌شوند و زیر نظر مرحوم نقیب‌السادات هر یک مناسب با آواز و سن سال خویش تعلیمات لازم را می‌دیدند» (منصف، ۱۳۵۴: ۸۲).

در کتاب گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلیس در سیستان و قایمات از مسافرت مادر شوکت-الملک و حاج عبدالعلی خان به کربلا چنین می‌گوید: «قافله‌ای بزرگ در ۱۸ اکتبر (۱۵ مهر) بیرجند را به مقصد کربلا ترک کرد، مادر شوکت‌الملک و حاج عبدالعلی خان همراه قافله‌اند، شوکت‌الملک تا چند منزل مادرش را بدرقه کرد و مایل بود که تا تهران وی را همراهی کند، ولی موفق نشد که اجازه لازم را کسب نماید، مهر ۱۲۸۹ شمسی» (رفیعی، ۱۳۹۵: ۳۷۰).

در ادامه در جایی دیگر از انتصاب دلیو. آر. هوسن^۱ به کنسولیاری پادشاه بریتانیا در بیرجند و برگزاری ضیافتی به این مناسبت و حضور حاج عبدالعلی خان به آن جا سخن به میان آمده است که: «اول مارس - ۱۰ اسفند- امروز ضیافتی به مناسبت انتصابم به سمت کنسول یار در بیرجند ترتیب دادم. حضور تعداد بسیار زیادی (در حدود ۶۰ نفر) که کاملاً غیر منتظره بود، باعث خشنودی و سرافرازیم شد. باید اشاره‌ای به مهربانی و دوستداری حسام‌الدوله بکنم که در پاسخ به دعوت، نامه بسیار قشنگی مرقوم فرموده و دو نفر نماینده از علی‌آباد فرستاده بودند. عالی‌جناب عبدالعلی خان، خویشاوند شوکت‌الملک، شخصاً به میهمانی تشریف آوردند. این شخصیت سالخورده هرگز در مراسم رسمی حضور نمی‌یابند» (رفیعی، ۱۳۹۴: ۲۶۳).



تصویر ۱) جمعی از معلمان و شاگردان در مدرسه تدین (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۳۴۶)



تصویر ۲) نمایی از مدرسه و معلمان و شاگردان در محل مدرسه حاج عبدالعلی خان (منصف، ۱۳۵۴: ۱۱۶)

موقوفات حاج عبدالعلی خان

در خصوص معرفی موقوفات وی در تحلیل و بررسی این سند می‌توان این گونه اظهار داشت که حاج عبدالعلی خان در سنه ۱۳۲۰ هجری قمری برای ذخیره آخرت خویش در حال صحت نفس و کمال عقل، اموال خود را به حاج شیخ محمدهادی فرزند حاج ملاحسین بیرجندی از علمای طراز اول بیرجند واگذار کرد؛ سپس شیخ محمدهادی این املاک را مطابق نیت وی وقف مصارف مختلف نمود. نقش علمای روشنفکر همچون آیت‌الله هادوی در جهت‌دهی و تشویق حاکمان به وقف در مورد موقوفه حاج عبدالعلی خان کاملاً هویداست.

بر اساس اسناد وقفی به‌جا مانده، این‌طور استنباط می‌شود که وی در زمان حیات خویش شروع به ساخت مجموعه‌ای فرهنگی شامل مسجد، حسینیه و مدرسه علمیه کرده، املاک و مستغلات فراوانی را بر این مجموعه وقف می‌نماید، اما قبل از اتمام این مجموعه دار فانی را وداع می‌گوید و کارش نیمه‌تمام می‌ماند که استشهداده ۱۳۳۰ هجری قمری این موضوع را تأیید می‌نماید. علاوه بر این در متن وقف‌نامه نیز به این وقف به صراحت اشاره شده است: «وقف موبد شرعی و حبس مخلد دائمی ملی فرمودند سرکار مصالح له دام ظلله همگی املاکات مفصله مرقومه در فوق را اولاً مادام-العمر مصالح دام اقباله بر خود سرکار مصالح و بر صرف و خرج و تعمیر عمارتی که مسمی است به مسجد و حسینیه و مدرسه و حوض انبار متصل به آن که خود سرکار مصالح متولی تعمیر و ساختن آن می‌باشند» (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشو، وقف‌نامه حاج شیخ محمدهادی هادوی حسب الصلح حاج عبدالعلی خان مربوط به سنه ۱۳۲۰ ق.).

از مرحوم حاج عبدالعلی خان سه سند وقفی و یک استشهداده به‌جا مانده است که مهم‌ترین آنها - که مبنای این پژوهش نیز است - سند وقفی سال ۱۳۲۰ هجری قمری است که توسط عالم بزرگ شهر شیخ محمدهادی هادوی تنظیم شده است. علاوه بر این وقف‌نامه، در سال ۱۳۱۵ هجری واقف دو سهم میاه از مزرعه علی‌آباد با جمیع ملحقات - دو سهم میاه از مدار چهارده سهم مزرعه رضویه واقع در جنب مزرعه اکبرآباد - را برای مصارف تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء (ع) و نیز خرج یک یا چند نفر جهت زیارت عتبات عالیات و مشهد مقدس به نیابت از خودش وقف نموده است (همان: ۱۳۱۵ ق.).

در سنه ۱۳۱۹ هجری قمری واقف مذکور دوازده سهم از تمام مزرعه طاهرآباد واقع در بین بیدان

و سورگ و تمامی باغ شاه واقعه در مزرعه مزبوره بیدان با منازل مزبور به همراه تمامی ملحقات را بر روضه‌خوانی شهادت حضرت علی اکبر (ع) در ماه محرم و پخش نذری خرما به عامه مردم، تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء (ع) در ماه صفر، تعزیه‌داری در روز وفات حضرت صدیقه‌الکبری (س) و روضه‌خوانی در روز وفات حضرت صدیقه صغری زینب خاتون وقف نمود (همان: ۱۳۱۹ق).

همان‌طور که ذکر شد بر مبنای سند وقفی سنه ۱۳۲۰ قمری، واقف املاکی چون خانه، مزارع، باغ، آسیاب، نهر و قنات را در روستاها و مناطق اطراف بیرجند وقف نموده است که در مسجد، حسینیه، مدرسه و حوض انبار متصل به آن - که وی تا زمان حیات، متولی تعمیر و ساختن آن بوده است - صرف مواردی شوند که در ادامه به ذکر آنها خواهیم پرداخت؛ اما در اثنای ساخت و تعمیر مدرسه، حاج‌عبدالعلی‌خان، دار فانی را وداع می‌گوید و طی این امر، استشهدنامه‌ای از بزرگان، تجار و عالمان شهر تهیه شده که مؤید این مطلب است: «استشهاد و استعلام می‌شود از حضرات علماء و اعیان و تجار و ابرار کسانی که اطلاع دارند که مرحوم مغفور جنت مکان حاجی‌عبدالعلی‌خان طاب- ثراه املاکی را موافق وقف نامچه صحیح که مهورات به مهر اشخاص ثقه بر مدرسه جدیدالبناء و غیرها مطابق آن چه در وقف‌نامه‌ی مندرج است، وقف فرمود به رای‌العین و یا بشیاع و تواتر شنیداند که آن مرحوم خشت مدرسه وقفی معلوم‌المکان را بدست خود بکار زده‌اند و شروع در تعمیر نموده- اند و چون اجل مهلت نداد، معوق مانده، مستدعی است که معلومات خود را در حشو همین ورقه مرقوم فرمایند و کتمان شهادت را جایز ندانند فی شهر ربیع‌الاول ۱۳۳۰» (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشيو، سند شماره ۲۵۵۳).

در استشهدیه مذکور آیت الله محمدهادی هادوی هم در کنار سایر بزرگان شهر وقفی بودن مدرسه را تأیید نموده‌اند: «بسم الله الرحمن الرحيم این کمترین خادم شریعت مطهره واقف حسینیه مستشهد عنها بود یعنی مرحوم حاجی‌عبدالعلی‌خان املاکاتی را به موجب تفصیل که در وقف‌نامه درج است به اینجانب صلح فرموده و اینجانب بر حسینیه و مدرسه مزبوره وقف نموده و بنای مدرسه را نیز خود مرحوم حاج‌عبدالعلی‌خان به اتفاق اینجانب فی ملا من الناس گذاشته و مناقشه در صحت و لزوم این وقف مناقشه در متواترات است و آله علی کتبت شهید حرره الاحقر محمدهادی فی یوم‌الثانی عشر من نهم ربیع‌المولود ۱۳۳۰ مهر بیضی: محمدهادی» (همانجا).

مصارف

یکی از موارد در خور توجه در موقوفه حاج عبدالعلی خان، تنوع مصارف خیریه و منتفع شدن همه طبقات بویژه طالبان علم بوده است که به اختصار عبارتند از: عزاداری امیرالمؤمنین (ع) در شب‌های قدر و عزاداری حضرت سیدالشهداء (ع) در ماه محرم، (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف‌نامه حاج شیخ محمدهادی هادوی حسب‌الصلح حاج عبدالعلی خان مربوط به سنه ۱۳۲۰ ق.). مخارج مدرسه و حسینیه، اطعام فقرا، تهیه فرش حجره‌های مدرسه و مسجد، پرداخت هزینه‌های طلاب ساکن در حجره‌های مدرسه، جهت خرید کتاب، مستمری معلمان، تعمیر و نگهداری بناهای وقف شده، خرج در روز عید قربان، جهت کفن و دفن فقراء، زیارت به نیابت از واقف در سوریه یا مکه، پرداخت هزینه‌های امام جماعت مسجد، روشنایی مسجد، دالان و حجره‌های مدرسه، مواجب خادم مدرسه، مواجب مؤذن، عیدی به فقرا در روز عید غدیر، استخدام چهار نفر جهت خدمات رسانی در ایام عزا یا ایام متبرکه، خریدن خرما و شمشای در روز عید فطر، دادن سالی سه خروار گندم به حاجی سید علی ابن مرحوم سید یوسف حسینی بیرجندی و صدقه در عصر پنج شنبه هر ماه به مساکین امامی مذهب به اختیار متولی.

تولیت

تولیت املاک وقفی تا زمان حیات واقف با خود وی بوده و پس از وفاتش آن را بر عهده حاج شیخ محمدهادی هادوی و سپس محمدابراهیم خان فرزند امیرعلم خان و بعد از آن اولاد ذکورشان و در صورت عدم اولاد ذکور به اولاد ذکور از اُنات و در نبود هیچ کدام بر عهده‌ی حاکم شرع بلده بیرجند قرار داده است (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف‌نامه حاج شیخ محمدهادی هادوی حسب‌الصلح حاج عبدالعلی خان مربوط به سنه ۱۳۲۰ ق.).

نمود وقف در مدرسه حاج عبدالعلی خان

در برخی شهرهای ایران از جمله بیرجند، بنا به نیازهای آموزشی، در دوره‌هایی حسینیه‌ها کارکردهای آموزشی پیدا کرده و در امر آموزش ایفای نقش کردند؛ زیرا حسینیه‌ها از تمامی امکانات

لازم از لحاظ کالبدی و معنوی برخوردار بوده و از هر حیث مناسب به نظر می‌رسید. از حاج عبدالعلی خان سه وقف نامه و یک استشهدیه بدست آمده است که وی املاک و اموال خود، اعم از مزارع، باغ، سهم قنات و منازل را وقف اموری چون آموزش و پرورش طلاب و دانشجویان، برگزاری مراسم عزاداری حضرت سیدالشهدا (ع) و دستگیری از مستمندان و فقرا کرده است. موقوفه حاج عبدالعلی خان با توجه به کاربرد چندگانه‌اش به عنوان حسینیة جهت عزاداری حضرت سیدالشهدا (ع) و مدرسه جهت آموزش دانش‌آموزان و طلاب حائز اهمیت بوده، نکاتی که واقف با نکته سنجی خود در این خصوص یادآور شده نشانگر دغدغه وی در امر آموزش و فرهنگ شهر بیرجند بوده است. این نکات از این قرارند:

۱- توجه به امر عزاداری در ایام ماه محرم و ماه رمضان و اطعام طلاب مدرسه که در متن وقف-نامه اشاره شده است: «جهت صرف عزاداری امیرالمؤمنین علیه السلام در لیالی قدر که لیلۀ نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم شهر صیام بوده باشد که در هر شبی از شصت نفر وعده بگیرند از طلاب مدرسه مذکوره و خارج از مدرسه از مؤمنین که از اشراف بوده باشند و در حالی که خارج از مدرسه باشند شرط است که غیر اشخاص لیلۀ ماضیه باشند و الا هر شب سه نفر از قراء مراثی روضه بخوانند و بعد مستمعین را طعام دهند در ایوان بزرگ یا در اطاق و هر شبی پانزده مجموعه طعام که سی تومان خرج شود که خرج اطعام سه شب از همه لوازم نود تومان بوده باشد رایج خزانه عامره تقدیم سه نفر روضه‌خوان سه تومان. همه ساله جهت عزاداری حضرت سید الشهداء علیه-السلام در عشر آخر شهر محرم الحرام در مدرسه و حسینیة مزبوره صرف شربت و قهوه و قلیان و تنباکو و باقی لوازم بیست و پنج تومان تقدیم حضرات روضه‌خوانها و پامنبری‌ها و علمدارها و چهل تومان رایج تقدیم به [یک کلمه ناخوانا] منبر پنج تومان جمع سه قلم رایج هفتاد تومان یوم عاشورا پیش از اینکه عزاداران بر حسینیة قلعه بروند، در مدرسه مذکوره بعد از اجتماع عزاداران سه نفر مرثیه‌خوان تعزیه ابوالفضل العباس را بخوانند تقدیم سه نفر مرثیه‌خوان دو تومان رایج خزانه عامره صرف قهوه و قلیان و تنباکو دو تومان».

۲- تأمین مخارج طلاب ساکن در حجره‌ها: «طلاب ساکنین حجرات مدرسه که عبارتست از هیجده اطاق، اطاقی ماهی یک تومان جمعاً دویست و شانزده تومان رایج. جهت تنباکو و انگشت

(زغال) طلاب سالی شش تومان».

۳- خرید سالانه کتاب و وقف آن در کتابخانه مدرسه جهت استفاده طلاب: «جهت خرید کتاب که همه ساله خریده شود و وقف شود و به کتب موجود افزوده شود و در دفتر ناظر و متولی ثبت شود سی تومان رایج».

۴- دستگیری مستمندان و فقرا: «اطعام سیصد نفر از فقراء و مؤمنین در سه شب، شبی صد نفر، نفری نیم من نان به وزن قاین که سه شب صدوپنجاه من نان باشد - به جهت کفن و دفن فقراء که مستاصل باشند، سالی دوازده تومان رایج - یوم عید غدیر در ایوان مدرسه، متولی به عموم فقراء بدهد از سید و غیر سید سالی سی تومان به سید نفری دو هزار و غیر سید نفری یک هزار - شصت نفر از فقراء اعم از سید و غیر سید نفری یک قران، هر کس متولی صلاح بداند واضح باشد که تومان هر جا ذکر شود، مراد رایج خزانه عامره می باشد که هر تومانی ده قران بوده باشد - عصر پنجشنبه هر ماه به مساکین امامی مذهب بدهند، یک تومان رایج هر مسکین یک شاهی خراسانی که هر هشت شاهی آن یک هزار است و با تعدد و کثرت مساکین اختیار با متولی خواهد بود».

۵- توجه به نوسازی و تعمیر هر ساله مدرسه: «سالی چهل تومان رایج صرف تعمیر همه ساله به هر صورت که لازم باشد با ترتیب اولویت اهمیت آنها. همچنین اجرت برف انداز و ناودان داخل در وجه تعمیر است - جهت روشنی حجرات و مسجد و دالان مدرسه به قرار اطاقی ماهی یک قران که عبارت از یک هزار رایج باشد مسجد و دالان کذاک جمعاً سالی سی تومان رایج مقررراً روشنی مسجد سالی شش تومان روشنی دالان دو تومان و چهار هزار حجرات ماهی یک قران که جمعاً سالی سی تومان مزبور باشد - جهت فرش حجرات و مسجد به هر نحو که ممکن باشد از گلیم و یا نمد و یا قالی همه ساله سال هیجده تومان رایج - جهت مخارج آب کردن آبانبار و کشیدن لای آن و لای دریاچه وسط مدرسه و اصلاح شیر حوض انبار سالی شش تومان. صرف چراغ حوض انبار سالی یک تومان و هشت هزار».

۶- پرداخت اجرت مُدرّسان مدرسه: «مستمری یک نفر معلم که در اطاق دالان باشد و همه وقت دوازده نفر از اطفال فقیر را از سادات و غیر سادات تعلیم قرائت قرآن نماید و همچنین صد کلمه و رساله مسائل شرعیه معلم، روزی [یک کلمه ناخوانا] مواجب اطفال دوازده نفر روزی سه هزار جمع

آنها سالی صد و چهل و چهار تومان - مدرسی که در مدرسه به تدریس علم فقه و اصول اشتغال داشته باشد در ایام تحصیل طرف صبح و عصر هر روزه تقدیم خود مدرس سالی بیست تومان رایج خزانه عامره جهت تنباکو و انگشت [= زغال] طلاب سالی شش تومان. وقت تدریس مدرس در تمام سال در ایام تحصیل سالی شش تومان رایج خزانه عامره».

۷- استخدام خادم و سکونت وی در آن جا جهت خدمت همه روزه به مدرسه و طلاب: «یک نفر خادم مدرسه که شب را در مدرسه بیتوته نماید و روز مشغول خدمات طلاب باشد سالی دوازه تومان گندم به وزن قاین، سالی سه خروار جو رقه سالی یکصد من».

نتیجه

احساس نیاز به تأسیس مراکز آموزشی و تأمین پشتوانه مالی برای آن سبب شد که سنت حسنه وقف چنین خلأ و کمبودی را در جوامع اسلامی پر نماید. از آن جمله وقف مراکز آموزشی و تأمین منابع مالی برای ساخت مدارس، انجام مراسم دینی، مخارج طلاب و هزینه های مربوط به آنان و ... بوده است. بیرجند نیز از این قاعده مستثنا نبوده و موقوفاتی برای این منظور از سوی واقفان در نظر گرفته شده است. موقوفه حاج عبدالعلی خان یکی از این موقوفات است که واقف ضمن در نظر گرفتن مشکلات آن زمان و فراهم آوردن امکانات کافی جهت برپایی یک مدرسه، با نکته سنجی های خود تدابیری اندیشیده که با پشتوانه مالی ای که از طریق رقبات وقف نامه ها تأمین می شده است، موجبات دوام و برقراری این بنای چندمنظوره را فراهم آورد. با تحلیل و بررسی وقف نامه در می - یابیم که فضا و فعالیت مدرسه با زندگی اجتماعی و مذهبی آن ها عجین بوده و این بنا در روزهای خاص، بویژه در دو ماه محرم و صفر، جهت برگزاری مراسم عزاداری، به عنوان حسینیه استفاده می - شده است. علاوه بر این، نکته سنجی های واقف در توجه به مسکن طلاب کم بضاعت، میزان حقوق مدرسان و طلاب، استخدام خادم جهت خدمت رسانی به مدرسه و طلاب، تأمین کتاب و ... حاکی از توجه وافر واقف به امور آموزشی و مذهبی شهر بیرجند بوده است.

منابع

- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان: در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ارشاد سرابی، اصغر (۱۳۸۷). "مدرسه شوکتیه بیرجند: چگونگی تأسیس، آموزش، کتاب‌ها، معلمان و امتحانات". *آینه پژوهش*، دوره ۱۹، ش ۵ (بهمن و اسفند): ۲۷-۲۰.
- اعتصام‌الملک، خانلرخان (۱۳۵۱). *سفرنامه میرزا خانلرخان/اعتصام‌الملک*. به کوشش منوچهر محمودی. تهران: بی‌نا.
- جوادى، محمد (۱۳۸۸). "ضرورت حضور وقف در رشد فرهنگی جامعه". *وقف میراث جاویدان*. سال هفدهم، ش ۶۶ (تابستان): ۹-۴.
- خانی‌زاده، مهدی (۱۳۸۶). "تاریخچه مدارس شوکتیه بیرجند". *مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، سال دوم، ش ۴ (بهار و تابستان): ۷۳-۵۵.
- دهخدا، علی اکبر. *لغت نامه دهخدا*، ج ۳۱. ذیل واژه "وقف".
- رضایی، جمال (۱۳۸۱). *بیرجندنامه*. تهران: هیرمند.
- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۲). *جستاری در تاریخ فرهنگ و آموزش نوین بیرجند*. بیرجند: رزقی.
- _____ (۱۳۸۸). *از شوکتی تا دولتی: جستارهای فرهنگی درباره شرق ایران*. به کوشش محمود رفیعی. تهران: هیرمند.
- رفیعی، محمود (۱۳۹۴). *گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات*، ج ۱. تهران: هیرمند.
- _____ (۱۳۹۵). *یادداشت‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات*، ج ۳. تهران: هیرمند.
- _____ (۱۳۹۸). *فرهنگ رجال، قبایل و افراد در خراسان، سیستان و قاینات*. گردآوری ستاد ارتش هند انگلیس. ترجمه محمود رفیعی. بیرجند: چهاردرخت.
- ساعاتی، یحیی محمود (۱۳۷۴). *وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی*. ترجمه احمد امیری

- شادمهری. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- سعیدی رضوانی، عباس (۱۳۷۲). *بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی: مقدمه‌ای بر جغرافیای سرزمین‌های اسلامی*. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه (۱۳۶۴). *نگاهی کوتاه به سنت نبوی وقف*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شهرامی، بیژن (۱۳۸۲). "راهکار وقف در حل مشکلات جامعه". *وقف میراث جاویدان*، سال یازدهم، ش ۴۱-۴۲ (بهار و تابستان): ۲۵-۴۱.
- عمید، حسن. *فرهنگ فارسی عمید*، ج ۱. ذیل واژه "وقف".
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۳). *گیلان در جنبش مشروطیت*، ج ۲. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- فلاح تفتی، سمیه؛ اکبرنژاد، محمد (۱۳۹۴). "کارکردهای آموزشی و پرورشی وقف". در: *مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی*. استانبول: مؤسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا: ۱-۱۱.
- قصابیان، محمد (۱۳۸۸). "نگاهی به سلسله نسب و شجره بنی‌شیبان (حکمرانان تون و طبس)". *پیام بهارستان*، دوره دوم، ش ۶ (زمستان): ۹۰۳-۹۰۸.
- کسای، نورالله (۱۳۵۸). *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی اجتماعی آن*. تهران: امیرکبیر.
- گنجی، محمدحسن (۱۳۸۲). "بیرجند در ۱۳۰۰ شمسی". در: *جستاری در تاریخ فرهنگ و آموزش نوین بیرجند*. به کوشش محمدرضا راشد محصل. بیرجند: رزقی.
- معین، محمد. *فرهنگ فارسی معین*، ج ۲. ذیل واژه "وقف".
- منذر، کشف (۱۳۸۵). "مروری بر وضعیت وقف در جهان اسلام". ترجمه محمد رصافی. *وقف میراث جاویدان*، سال چهاردهم، ش ۵۳ (بهار): ۶۱-۷۰.
- منصف، محمدعلی (۱۳۵۴). *امیر شوکت‌الملک علم: امیر قاین*. تهران: امیرکبیر.
- نوری، محمد (۱۳۷۹). "نگاهی معرفت‌شناسانه به وقف اسلامی". *وقف میراث جاویدان*، سال هشتم، ش ۲ (تابستان): ۴۲-۴۹.

اسناد

- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۲۵۵۳.
- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقفنامه عادی حاج عبدالعلی خان مربوط به سنه ۱۳۱۵ ق. با کلاسه پرونده ح-۲۱۲.
- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقفنامه عادی حاج عبدالعلی خان مربوط به سنه ۱۳۱۹ ق. با کلاسه پرونده ح-۳۷۶.
- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقفنامه حاج شیخ محمدهادی هادوی حسب‌الصلح حاج عبدالعلی خان مربوط به سنه ۱۳۲۰ ق. با کلاسه پرونده ع-۳۷۳.

تحلیل ادراک شهروندان از پدیده سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان آن

مورد مطالعه: شهر مشهد

سیمین فروغزاده^۱

ندا عیدگاهیان^۲

سال چهاردهم، شماره اول، پاییز ۱۳۹۸

شماره صفحه: ۹۷-۱۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵

چکیده

این روزها اسکان غیررسمی به نمادی از فقر و آسیب‌های اجتماعی بدل شده است. مقاله‌ی حاضر با اتکا به رویکرد کیفی و با تحلیل مصاحبه‌هایی با ۲۵ شهروند مشهدی - که به روش نمونه‌گیری نظری برگزیده شده بودند- انجام شده، در صدد واکاوی ادراک و تفسیر شهروندان مشهدی نسبت به سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان این اجتماعات است. این تحلیل نشان داد مشارکت‌کنندگان به ذهنیت و تلقی اجتماعی متنوعی از ساکنان‌های غیررسمی دارند. گروهی آنها را به‌عنوان افرادی مهربان و دلسوز، ساده زیست، کم توقع، سخت کوش و مورد اعتماد می‌شناسند و گروهی دیگر آنها را دروغگو، تنبل، خلافکار، خشن، بی هدف و غیرقابل اعتماد می‌پندارند. مشارکت‌کنندگان از وجود مشکلات مختلف خانوادگی، کالبدی و مسکن، اعتیاد به مواد مخدر، جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی، آموزشی، اخلاقی، امنیتی، بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی و تفریحی، سیستم دولتی و زیرساختی و مسائل کودکان اطلاع داشته، برای این مشکلات تبیین‌های درونی یا بیرونی نیز دارند. برآیند

۱. عضو هیأت علمی سازمان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی foroughzadeh.simin@gmail.com

۲. پژوهشگر جهاد دانشگاهی خراسان رضوی neda_eidgahian@yahoo.com

پیشنهادهای مشارکت‌کنندگان برای رفع یا تقلیل مشکلات، آن است که اتکای صرف بر ظرفیت و حمایت سازمان‌های دولتی کافی نیست و رفع این مشکلات نیازمند مشارکت و ارتباط میان سه سطح میانه (تشکل‌های مردم‌نهاد)، خرد (ساکنان منطقه) و کلان (حاکمیت و سیاستگذاری دولتی) است.

واژگان کلیدی: سکونتگاه غیررسمی، شهروندان مشهدی، ادراک

مقدمه

ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی آن نشده‌اند. آنها به دلیل مشکلات معیشتی در نظام شهری تاب نیاورده و به حاشیه کلان‌شهرها پناه آورده‌اند تا از هزینه‌های زندگی در متن شهر در امان باشند (لطفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۶). به این ترتیب شهر به دو بخش قانونی و غیرقانونی تقسیم می‌شود که در هر بخش عده‌ای سکونت دارند. هدف این تحقیق، بررسی دیدگاه شهروندان مشهدی نسبت به پدیده سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان آن در این شهر است که از زوایای مختلف دارای اهمیت است. سکونتگاه‌های غیررسمی یک پدیده جهانی است و بسیاری از کشورها در سراسر جهان از آن رنج می‌برند (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۶: ۹). اسکان غیررسمی به شیوه مرسوم در ایران از دهه ۱۳۲۶ آغاز و تا اواخر دهه ۵۶ با شدت نسبتاً زیادی روند گسترش خود را طی نموده و بعد از انقلاب از لحاظ شدت شکل‌گیری به‌عنوان یکی از معضلات اساسی شهرهای ایران مطرح شده است (بیوکی و پورغلام، ۱۳۹۳: ۴۸).

در میان شهرهای ایران، مشهد از یک سو دومین کلان‌شهر مذهبی جهان است و از سوی دیگر با ۳,۰۰۱,۱۸۴ جمعیت (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)، از حیث جمعیت و وسعت پس از تهران، دومین شهر ایران است که با چالش اسکان غیررسمی مواجهه است. در سکونتگاه‌های غیررسمی کلان‌شهر مشهد، جمعیت نزدیک به یک میلیون و دویست هزار نفر در هشت پهنه سکونتی با مساحت ۳۸۹۴ هکتار زندگی می‌کنند (ترکمن‌نیا، قربانی و خوارزمی، ۱۳۹۷: ۳۴). در مشهد ۶۶ محله هدف سکونتگاه غیررسمی وجود دارد و حدود نیمی از جمعیت مشهد در سکونتگاه‌های غیررسمی

حاشیه‌های مشهد سکونت دارند (اخوان عبداللہیان، ۱۳۹۶). درصد مساحت و جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر مشهد در شکل ۱ مشخص است.



شکل ۱) موقعیت مکانی، مساحت و جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر مشهد (معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری مشهد، ۱۳۹۵)

به تصویر کشیدن نگرش، موضع، احساس و در نهایت کنش شهروندان ساکن در بخش قانونی شهر نسبت به پدیده سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان این اجتماعات، از زوایای مختلف اهمیت دارد. ارزیابی و نگاه مثبت و یا منفی شهروندان نسبت به سکونتگاه‌های غیررسمی، از حیث نظارت غیررسمی بر عملکرد مدیران مهم است. مجموعه تصمیمات و برنامه‌هایی که توسط مدیران اجرایی شهر با هدف بهبود و یا ترمیم و اصلاح در سکونتگاه‌های غیررسمی انجام می‌شود، می‌تواند مورد ارزیابی و نقد شهروندان قرار گیرد و حتی بازنمایی رسانه‌ای هم داشته باشد. از جمله این اقدامات اخیر دفتر تسهیل‌گری است که به همت شهرداری برای رصد و شناسایی آسیب‌ها و معضلات این

مناطق ایجاد شده است (رحمانی فضلی، ۱۳۹۸).

علاوه بر آن با توجه به این حجم از جمعیت ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی و مشکلات این مناطق، بدیهی است که در بلند مدت مشکلات این اجتماعات، ساکنان شهر و ذهنیت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد به گونه‌ای که حتی ممکن است مردم ریشه بسیاری از معضلات شهر را به این نواحی نسبت دهند. برای رفع یا تقلیل مشکلات در سکونتگاه‌های غیررسمی تنها شناخت مشکلات این مناطق کافی نیست، بلکه شناخت و تحلیل فرهنگ در سطح ذهنی یعنی نگرشی که مردم ساکن در شهر نسبت به اجتماعات غیررسمی لازم است و می‌تواند به‌عنوان یکی از عناصر مهم مداخله در سکونتگاه‌های غیررسمی مد نظر قرار گیرد در همین راستا با آگاهی از نگرش مردم، رفتار آنان قابل پیش بینی می‌شود. این آگاهی است که بر افکار اجتماعی مؤثر بوده، نحوه تفکر و پردازش اطلاعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر چارچوب‌های شناختی اطلاعات را در مورد مفاهیم، موقعیت‌ها و حوادث، سازماندهی و نگهداری می‌کند و سرانجام، بر فرایند رفتار اثر می‌گذارد (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۶) و در نهایت، منبع و مرجع نهایی هرگونه ساخت و ساز و تغییر در واقعیات اجتماعی، انسان است. پس درک انسان‌ها از واقعیات و چگونگی معنادار کردن آنها اهمیت دارد. لذا این پژوهش سعی دارد اولاً ادراک شهروندان مشهدی را نسبت به سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان آن شناسایی و تحلیل کند. ثانیاً ذهنیت آنها را نسبت به چالش‌ها و مشکلات این سکونتگاه‌ها و ساکنان آن به تصویر بکشد و ثالثاً به تبیین مشکلات این اجتماعات از منظر شهروندان مشهدی بپردازد و در نهایت راهکارهای پیشنهادی آنها را برای تقلیل مشکلات این سکونتگاه‌ها و ساکنان آن ارائه دهد.

پیشینه تحقیق

در بررسی انجام شده در جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، تمام مقالات فهرست شده در سه پایگاه داده‌ی علمی- پژوهشی (پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۱، بانک اطلاعات نشریات کشور^۲، پورتال جامع علوم انسانی) با موضوع اسکان غیررسمی از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۴ شناسایی شد.

1. SID

2. Magiran

این پژوهش نشان داد موضوع اصلی این تحقیقات (۲۳۴ تحقیق)، ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی و مشکلات آنهاست.

موضوعاتی نظیر آسیب‌های اجتماعی (اعم از خشونت و نزاع، بزهکاری، مواد مخدر، وندالیسم و...) و مسائل گروه‌های خاص (زنان و کودکان و دانش‌آموزان و ...) بررسی شده، برخی هم به مسائل کالبدی، ساماندهی و ساخت و ساز غیر مجاز و مسائل زیست محیطی پرداخته‌اند.

بررسی پیشینه نشان داد تعداد معدودی از تحقیقات، پنداشت و تجربه زیسته زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی را از زبان افراد ساکن در این منطقه گزارش کرده‌اند، تحقیقاتی چون "بررسی تجربه حاشیه‌نشینی از دیدگاه حاشیه‌نشینان: یک مطالعه پدیدار شناسانه" (اسماعیلی و امیدی، ۱۳۹۱) و "نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشینی (مطالعه موردی: اسلام‌آباد کرج)" (پارسا پزوه، ۱۳۸۱). برخی از مطالعات هم به رفتار و نگرش ساکنان درهای غیررسمی پرداخته‌اند، نظیر "مطالعه نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی زنان حاشیه‌نشین (مورد مطالعه: شهرک سعدی شیراز)" (نقدی و زارع، ۱۳۹۲) و "نگرشی بر مشکلات حاشیه‌نشینی در اصفهان از دید ساکنان منطقه ارزنان" (قجاوند و نوابخش، ۱۳۸۶) و "بررسی رفتارهای حاشیه‌نشین‌ها" (رشیدی آل‌هاشم و سلیمانی، ۱۳۹۱).

در مقاله‌ای با عنوان "مطالعه‌ی مقایسه‌ای عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر نگرش ساکنان متن شهر و حاشیه نسبت به همدیگر (مورد مطالعه: شهر سنندج)" (مفاخری، ۱۳۹۱) نیز به بررسی چارچوب نظری مستخرج از نظریه‌های پارک^۱، هاروی^۲، کاستلز^۳، لوئیس ورث^۴، شکویی و... متغیرهای اجتماعی تأثیرگذار بر نگرش پرداخته شده‌است. روش این تحقیق پیمایش و حجم نمونه ۴۲۵ نفر از مردم در متن شهر و حاشیه شهر سنندج بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد سرمایه فرهنگی، تعلق شهروندی و پایگاه اقتصادی اجتماعی باعث افزایش مشارکت فرد می‌شود و بالارفتن مشارکت نیز بر نوع نگرش مثبت افراد نسبت به یکدیگر تعیین کننده است.

-
1. Park
 2. Harvey
 3. Castells
 4. Louis Worth

به نظر می‌رسد در میان تحقیقات انجام شده در زمینه اسکان غیررسمی، آنچه تاکنون مغفول مانده نگاه شهروندان ساکن در بخش قانونی شهر نسبت به سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان این نوع از اجتماعات است. هدف از انجام این تحقیق واکاوی و به تصویر کشیدن ادراک و معانی ضمنی شهروندان بخش قانونی شهر مشهد نسبت به نیمه دیگر از شهروندان است که عمدتاً در سکونتگاه‌های غیررسمی و غیر قانونی این شهر ساکن هستند.

نگرش و ابعاد آن

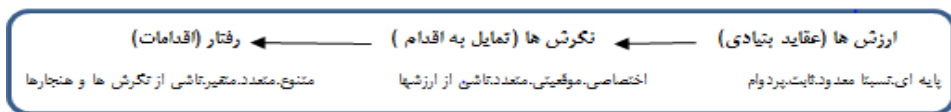
نگرش به عنوان نظام شامل عناصر شناختی^۱، عاطفی یا احساسی^۲ و تمایل به عمل^۳ است. مؤلفه عاطفی شامل هیجانات و عاطفه فرد نسبت به موضوع، خصوصاً ارزیابی‌های مثبت و منفی است. مؤلفه رفتاری چگونگی تمایل به عمل فرد در راستای موضوع است. مؤلفه شناختی شامل افکاری نظیر حقایق، دانش و عقاید است که فرد در مورد آن موضوع نگرش خاص دارد (Taylor, Peplau & Sears, 2003: 102). این سه عنصر تحت عنوان مدل سه‌بخشی نگرش معرفی شده‌اند (Schiffman & Kanuk: 1997).

درهم تنیدگی نگرش، کنش و ارزش

جامعه‌شناسان، نگرش‌ها را معمولاً بین عقیده از یک سو و عمل از سوی دیگر قرار می‌دهند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۷) ویژگی اساسی نگرش آن است که بر رفتار تأثیر می‌گذارد و می‌توان بسیاری از رفتارها را از روی نگرش‌ها، پیش‌بینی کرد (Fazio, 2000: 3؛ بوهنر و وانک، ۱۳۸۲: ۱۹۹). علیرغم ارتباط نگرش با رفتار، میان نگرش‌ها و رفتار در اغلب موارد، ارتباطی ساده و مستقیم وجود ندارد (محسنی، ۱۳۷۹: ۲۹) و در گذار نگرش به رفتار عوامل واسطه‌ای از قبیل هنجارها و عوامل قاندرسازی (امکانات و شرایط) مطرح هستند (همان: ۱۷). پارسونز^۴ نیز از همین منظر به کنش می‌نگرد و آن را اخذ تصمیمات ذهنی کنشگر درباره وسایل نیل به

-
1. Cognitive
 2. Feeling
 3. Action tendency
 4. Parsons

هدف‌ها می‌داند که همه آنها به وسیله ایده‌ها و شروط موقعیتی محدود می‌شوند (ترنر، ۱۳۸۲: ۴۹). ریتزر^۱ (۱۳۷۴: ۵۳۰) هم واحد کنشی را برحسب چهار عنصر سازنده مشخص می‌کند: «کنشگر، هدف و چیزهایی که کنشگر نمی‌تواند تحت نظارتشان داشته باشد (شرایط) و چیزهایی که کنشگر می‌تواند بر آنها نظارت داشته باشد (وسایل) و بالاخره هنجارها و ارزش‌ها که در جهت تعیین گزینش وسایل دستیابی به هدف‌ها نقش بازی می‌کنند». نه تنها ارتباط بین نگرش و کنش مهم است بلکه ارزش‌ها را هم می‌توان از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده جهت‌های رفتاری اعضای جامعه و نیز زیربنای نظم اجتماعی دانست چرا که تا زمانی که ارزش‌های یک جامعه تغییر نکند، در آن جامعه تغییری مشاهده نخواهد شد (عظیمی هاشمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۹۰). شکل ۲ رابطه بین ارزش، نگرش و رفتار را نشان می‌دهد.



شکل ۲) رابطه میان ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها

ویلیام توماس^۲ نیز بر ارتباط بین ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها تأکید کرده، رفتار انسان را محصول ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌داند (شاوردی، ۱۳۷۲: ۱۱۵). از نظر وی گرچه نگرش‌ها از ارزش‌ها منتج شده، به نوبه خود بر رفتارها مؤثرند؛ با این وجود، نگرش‌ها متعدد و وابسته به موقعیت خاص بوده و از ارزش‌ها که بادوام و مبنایی هستند، ناشی می‌شوند. رفتارها نیز متنوع، متعدد و متغیرند که ناشی از نگرش‌ها و هنجارها هستند.

فرایند تکوین نگرش و کنش

عوامل مختلفی در فرایند شکل‌گیری نگرش دخیلند. برخی از این عوامل عبارتند از:

- نیاز انسان: فرد نسبت به عوامل و اشخاصی که او را به هدف‌هایش می‌رسانند، نگرش‌های

1. Ritzer

2. William Thomas

موافق و مثبت و نسبت به موانعی که سد راه دستیابی به اهداف می‌شوند نگرش منفی می‌یابد.

- کسب اطلاعات درباره موضوع، شی یا فرد خاص: کسب اطلاعات در این موارد از طریق منابع اطلاعاتی و مراجع صاحب نظر (کانون‌های جامعه پذیری) در زندگی هر فرد صورت می‌گیرد (کریمی، ۱۳۹۵: ۳۱۱). فرایندهای شناختی کنترل شده رابط بین گرایش و رفتار را تقویت می‌نماید. بنابراین کسب اطلاعات و تجربه، در این میان، نقش اساسی دارد (Fazio, 2000: 51) و بخش مهمی از آن مرتبط با دیدگاه‌های افراد جامعه پیرامون مقبولیت یا عدم مقبولیت اجتماعی (عدم پذیرش اجتماعی) یک کنش اجتماعی (مثلاً هر گونه تعامل با ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی) است که این امر خود می‌تواند در این خصوص نقش بازدارندگی و یا برانگیزانندگی داشته باشد.

- تعلق گروهی: نگرش‌ها، نماینده باورها و اعتقادات گروهایی است که شخص جز آنهاست.

- شخصیت فرد: نگرش‌ها معمولاً با الگوهای شخصیتی افراد هماهنگ بوده، تفاوت‌های شخصیتی در نگرش‌های افراد نیز تفاوت بوجود می‌آورد (کریمی، ۱۳۹۵: ۳۱۱).

در تبیین فرایند شکل‌گیری نگرش‌ها و به تبع آن کنش‌ها، به دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی می‌توان اشاره کرد که به اختصار چنین است:

۱- مواجهه صرف با موضوع: گرایش انسانها به داشتن نگرش مثبت تر در مورد چیزها یا کسانی است که بیشتر با آنها مواجه شده‌اند (فرانزوی، ۱۳۹۳: ۱۳۲). به نظر زاینس^۱، وقتی مردم مکرراً در معرض یک چیز قرار می‌گیرند و با آن مواجه می‌شوند، غالباً نگرش مثبتی در مورد آن پیدا می‌کنند (فرانزوی، ۱۳۹۳: ۱۳۴).

۲- شرطی‌سازی عامل: یک نوع یادگیری است که طی آن رفتار تقویت شده، تحکیم می‌شود و رفتار تنبیه شده، تضعیف می‌شود (همان جا).

۳- دیدگاه کارکردی: طبق این دیدگاه مردم ممکن است در مورد یک موضوع نگرش‌های مشابه ولی دلایل متفاوت داشته باشند (همان: ۱۳۲).

۴- نظریه کنش موجه (معقول): به عقیده فیش باین و آیزن رفتار در حالتی قابل پیش‌بینی

و درک خواهد بود که ما به قصد شخص در رفتار و در شرایط خاصی توجه کنیم و فقط نگرش‌های او را نسبت به آن رفتار نبینیم. به این ترتیب قصدها به نگرش‌ها و هنجارهای مرتبط با رفتار متکی است. هنجارها در حکم قواعد رفتار یا شیوه‌های خاص عمل است (محسنی، ۱۳۷۹: ۳۶). برای این اساس گرایش‌ها، به طور مستقیم بر رفتار تأثیر ندارند، بلکه بر نیت ما تأثیر می‌گذارند و این نیت است که رفتار ما را شکل می‌دهند (Urry, 2000: 197). به این ترتیب هر فرد هنگام تصمیم‌گیری برای انجام هر عملی به نظرات جامعه توجه می‌کند و اگر در انجام کنش خاصی مثلاً تعامل با ساکنان‌های غیررسمی، از پذیرش اجتماعی آن اطلاع یابد، خواسته یا ناخواسته به آن تن می‌دهد و البته عکس این امر نیز صادق است.

روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد کیفی و نگاهی جامعه‌شناختی، ذهنیت شهروندان مشهدی را نسبت به پدیده سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان این مناطق تحلیل می‌کند هدف از رویکرد کیفی در تحقیقات، ایجاد درکی از زندگی اجتماعی و کشف چگونگی شیوه خلق معنی توسط افراد در شرایط طبیعی است (Neuman, 2006: 184). برای دستیابی به فهم و درک معنایی شهروندان از سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان این اجتماعات، با ۲۵ نفر از شهروندان مشهدی ساکن در بخش قانونی شهر مصاحبه شد. این افراد بر اساس نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند؛ لذا انتخاب نمونه بر مبنای مرتبط بودن موارد با تحقیق و نه نمایا بودنشان انجام شد (فلیک، ۱۳۸۸: ۱۴۱). برای انجام مصاحبه اپیزودیک با مشارکت‌کنندگان، سؤالات به کمک راهنمای مصاحبه و به شکل محاوره‌ای از مشارکت‌کنندگان پرسیده شد (همان: ۲۰۲). سپس مصاحبه‌های ضبط شده مورد پالایش، کدگذاری و توصیف و تحلیل قرار گرفت. در پژوهش‌های کیفی برای سنجش اعتبار، معیارهای متفاوتی توسط جانسون و کریستینسن^۱ (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۶۸)، مطرح شده است. در این پژوهش، ملاک‌هایی از تمامیت زمینه‌ای، تشخیص خارجی، زاویه بندی پژوهشگر و بالاخره توصیف‌گرهای با استنباط پایین استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

وضعیت آگاهی، رفتار و احساس شهروندان مشهدی نسبت به سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان آن

برای پاسخ به این سؤال که «آگاهی، رفتار و احساس شهروندان مشهدی نسبت به سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان این اجتماعات به منزله شهروندان غیرقانونی چگونه است؟»، مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها در مدل سه بخشی نگرش یعنی شناختی، رفتاری و احساسی قرار گرفتند. بُعد شناختی شامل دانش و آگاهی و اطلاعات و بُعد احساسی یا عاطفی در برگیرنده هیجانات و عاطفه فرد نسبت به موضوع است. بُعد رفتاری هم چگونگی تمایل به عمل را در ارتباط با موضوع مورد مطالعه نشان می‌دهد.

بُعد شناختی نگرش شهروندان مشهدی

این شناخت، از جنس آگاهی و اطلاعات نسبت به سکونتگاه‌های غیررسمی و بخش دیگر به ویژگی‌های فردی ساکنان در این اجتماعات مربوط می‌شود.

شناخت نسبت به ویژگی‌های فردی ساکنان

مشارکت‌کنندگان نسبت به ساکنان این نوع از اجتماعات نگاه متفاوت و تا حدی متضاد دارند. گروهی ویژگی‌های مثبت نظیر آبرودار، متواضع و فروتن، دلسوز و مهربان، قانع و کم‌توقع، خون‌گرم و خودمانی و صمیمی، ساده‌پوش و ساده‌زیست، صادق و راستگو، شریف و مورد اعتماد، صاف و ساده، سختکوش و کاری و خستگی‌ناپذیر، شاد و خوش‌رو، با فرهنگ و با شعور را به آنها نسبت می‌دهند.

«یک بار به درب منزل آنها رفتم. با مهربانی و تعارف زیاد من را به داخل منزل دعوت کردند و بسیار گرم و صمیمی بودند. انگار من را چند سال بود می‌شناختند ... افرادی بسیار مهربان و منسجم با هم هستند هوای هم را دارند» (زن، خانه‌دار، ۴۲ ساله)، «کم‌دی برای پنهان کردن طلا و جواهرات ندارند و همه چیزم آشکار هست. اینها خیلی آدم‌های دست‌پاکی هستند ... خیلی ممانعت طبع دارند» (زن، عضو هیأت علمی، ۳۶ ساله)، «بعضی هایشان آنقدر سختی کشیدن که زبری

انگشتانشان قابل رویت است» (زن، کارمند، ۴۳ ساله).

و گروهی دیگر آنها را بی فکر نسبت به مسائل زندگی، تنبل، افسرده، خرافاتی، خشن، تودار، دروغگو، غیر قابل اعتماد، بی هدف و انگیزه، عدم تمایل به پیشرفت، تمایل به خلافتکاری، دارای اطلاعات کم و ساده و زودباور می‌پندارند.

«راه حل جدید برای مشکلاتشون پیدا نمی‌کنند ... آدم‌های متعصب و مذهبی و خرافاتی‌اند. فرهنگشون خیلی پایین است ... همه چیز رو جنبه مذهبی بهش می‌دهند» (مرد، بازنشسته، ۷۵ ساله). «اونا پشت اعمالشون فکر نمی‌کنند» (مرد، مهندس، ۳۱ ساله). «فردادی غیرقابل پیش‌بینی و خشن هستند. نمی‌شود اعتماد کرد» (زن، محصل، ۱۶ ساله). «اگه بهشون پول بدی و لازم نباشه کار کنند، اصلاً کار نمی‌کنن» (مرد، دانشجو، ۲۲ ساله).

شناخت نسبت به سکونتگاه‌های غیررسمی

این شناخت با اطلاع و آگاهی در چهار حوزه موقعیت مکانی، موقعیت اقتصادی و اجتماعی، وجود هنجارها یا قواعد و الگوهای رایج زندگی و بالاخره اطلاع از وجود مشکلات در سکونتگاه‌های غیررسمی حاصل می‌شود.

اطلاع از موقعیت مکانی: مجموع مشارکت‌کنندگان از موقعیت مکانی و جغرافیایی این‌ها در شهر مشهد مطلع بودند و حداقل سه محله را در شهر مشهد نام می‌بردند.

اطلاع کلی از موقعیت اقتصادی و اجتماعی: در سطح محله این اطلاعات شامل اطلاع از موقعیت فعلی، گذشته و آینده این سکونتگاه‌ها، مراکز تجاری و مسکونی و بالاخره وضعیت حمل و نقل است.

«از لحاظ اتوبوس مثلاً خیلی خوب است و از لحاظ نانوایی و مواد غذایی فراوانی است. شهرداری از لحاظ اتوبوس سنگ تموم گذاشته» (مرد، کارگر، ۵۰ ساله).

در سطح ساکنان هم این اطلاعات یا از جنس فرهنگی و اجتماعی و یا آگاهی از موقعیت اقتصادی است. به‌زعم مشارکت‌کنندگان، ساکنان در این نوع از اجتماعات به لحاظ فرهنگی و اجتماعی متفاوت هستند. اکثر آنها لهجه غلیظ مشهدی دارند، در مهمانی‌هایشان غذاهای متنوع ندارند، از حیث تغذیه و ظاهر و نوع پوشاک با شهروندان مشهدی فرق دارند، ازدواج‌های داخلی

عامل ماندگاری آنها در منطقه است، به ازدواج با افراد دیگر در سایر نقاط شهر علاقه‌مند هستند، شرور هستند و نسبت به غریبه‌ها مشکوک، اغلب مهاجرند.

«پایین شهری‌ها اگر به جایی هم برسند! یا تو بهترین دانشگاه‌ها هم درس بخوند باز هم طرز رفتارشان همین طوریه بهر حال یک جایی خودش رو نشون میده» (مرد، کارمند، ۳۷ ساله)، «سر و وضع این مردم اصلاً تعریفی ندارد» (زن، خانه‌دار، ۴۳ ساله)، «لباس‌های نامرتب می‌پوشند. ماشین‌های مدل بالا اونجا زیاد می‌بینی. اگر همین ماشین غریبه باشه خیلی مورد توجه اهالی محل قرار می‌گیره مشکوک می‌شن که چرا این آدم با این ماشین اینجا اومده نکنه مأمور باشه» (مرد، فوق لیسانس، ۴۲ ساله).

مشارکت‌کنندگان نسبت به موقعیت اقتصادی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی دو دیدگاه متفاوت دارند. گروهی معتقدند ساکنان این مناطق دارای موقعیت اقتصادی ضعیف بوده و درآمد پایینی دارند؛ آنها نیازمند، فقیر و آسیب پذیرند؛ کسب درآمد مشغله اصلی زندگیشان است؛ درآمدشان صرف مواد و غذا می‌شود؛ آنها حاضرند برای کسب درآمد دست به هرکاری بزنند. مشاغل ساکنان هم عمدتاً مشاغل غیرقانونی و کارگری است.

«کارهای غیرقانونی و قاچاقچی زیاد است» (مرد، ۴۵، شغل خدماتی)، «برای تأمین زندگی تن به هرکاری می‌دن. خلافکارها با پول این بیچاره‌ها رو می‌خرن. بهت می‌گن این کارتن رو ببر بده فلان جا ۵۰ هزار تومن خوب پول نداری و خانواده و زن و بچه داری مجبوری برای سیر شدن شکم اون‌ها بگی باشه و اصلاً تو کارتن رو نگاه نکنی» (مرد، شغل خدماتی، ۵۰ ساله)، «تو اون محل‌ها تو صف نانوايي که نون ۵۰۰ تومن هست و تو جیبش طرف ۳۰۰ تومن بوده و گفته میشه به اندازه ۳۰۰ تومن به من نون بدید» (مرد، مهندس، ۳۱ ساله)، «بیشتر خرج زندگیشون صرف مواد و غذا می‌شه و تمام منبع درآمدشون یارانه است» (مرد، فوق لیسانس، ۴۲ ساله).

در مقابل گروهی دیگر از مشارکت‌کنندگان معتقدند ساکنان این اجتماعات از موقعیت اقتصادی مساعدی بهره‌مند هستند. در این مناطق ماشین‌های مدل بالا، زیاد وجود دارد. در خانه‌های آنها وسایل زندگی مارک دار وجود دارد و درجه‌بزه بعضی از دخترانشان هم اجناس مارک پیدا می‌شود. زمین زعفران داشته، از دیگر مردم شهر پول دارترند. آنها دارای پس‌انداز و درآمد بالایی

هستند.

«اصلاً فقیر نیستند تازه از ما هم بیشتر پول دارند یادمه آقای ج (رئیس بانک م) می‌گفت الان که تو قلعه ساختمون هستم میزان پول تو بانکون بیشتر هست تا یک منطقه متوسط رو به بالایی شهر... اوناها همشون زمین زعفرون و اینا دارند» (مرد، کارمند، ۳۷ ساله)، «افرادی هستند که خیلی درآمد بالایی دارند مثلاً ماهی ۱۰ تا ۲۰ میلیون اما حاضر نیستند از اون محل‌ها بیرون برن ... ماشینشون ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون هست و به قول خودشون تو این محل‌ها تک هست» (مرد، مهندس، ۳۱ ساله)، «جوانها اهل تجمعات هستند ... زمانی که به دخترهاشون جهیزیه می‌دن اکثراً از این جور وسایل تو جهیزیه هاشون هست» (زن، خانه دار، ۴۵ ساله).

اطلاع از وجود هنجارهای خاص: مشارکت‌کنندگان نسبت به وجود قواعد یا الگوهای خاص زندگی در این نوع از اجتماعات نظیر: بی‌توجهی والدین نسبت به ترک تحصیل فرزندان و ماندن در خانه و بازی در کوچه، وجود روابط صمیمانه بین همسایه‌ها، ممنوعیت ورود ماشین‌های غیرخودی به برخی از این مناطق، آویز بودن پرده به جای درب اصلی و ورودی خانه، وصل بودن طناب لباس جلوی برخی از خانه‌ها برای خشک کردن لباس، خرید از فروشگاه با کارت یارانه، شستن لباس در کوچه، بازی کردن بچه‌ها در فاضلاب و آبهای کوچه اشاره داشتند.

«جلوی خونه‌ها طناب لباس وصل است ... تو مغازه‌ها می‌بینی تابلو زدند که خرید با کارت یارانه که تو مناطق دیگه نیست ... من رفتم تو یکی از این محله‌ها، یک خانم تو کوچه داشت لباس می‌شست و یک بچه هم کنارش داشت با ماشینش تو همون آب بازی می‌کرد» (مرد، مهندس، ۳۱ ساله)، «همسایه‌ها با هم رفت و آمد دارند و اونجا همه از حال و روز هم خبردارین» (زن، بی‌سواد، کارگر، ۴۳ ساله).

اطلاع از وجود مشکلات در سکونتگاه‌های غیررسمی

مشارکت‌کنندگان از مشکلات موجود در سکونتگاه‌های غیررسمی با خبر بودند. این مشکلات شامل: مشکلات خانوادگی، ضعف امکانات فرهنگی و تفریحی، زیرساختی، مشکلات کالبدی و مسکن، اعتیاد و مواد مخدر، جمعیتی، آموزشی، اخلاقی و امنیتی، بهداشتی، اقتصادی، ضعف در سیستم دولتی و مشکلات مربوط به کودکان.

مشکلات خانوادگی

به زعم مشارکت کنندگان، ساکنان غیررسمی درگیر مشکلات خانوادگی هستند. مشکلاتی نظیر: ازدواج مجدد مردان برای آوردن فرزند بیشتر، فقدان رابطه خوب خانوادگی، طلاق رسمی و عاطفی بین زن و مرد، زنان سرپرست خانوار به دلیل حضور همسر در زندان، عدم تعهد اخلاقی زنان به همسران زندانی‌شان، نبود پیوند قوی در خانواده، ترجیح فرزند پسر بر دختر، ازدواج زود هنگام دختران، ازدواج دختران مسن با پیرمردان برای به دست آوردن پول، تن دادن زنان به ازدواج اجباری.

«دختر از سن ۱۲ تا ۱۳ سالگی معمولاً عروس می‌شود و اگر دختری باشد که ۲۵ سال داشته باشد دیگر خانه می‌ماند. چون پسرهای اون مناطق حاضر نیستند دختر سن بالا بگیرند بعد همین دخترهای سن بالا با پیرمردهای پولدار ازدواج می‌کنند برای پول» (زن، بی‌سواد، کارگر، ۴۳ ساله)، «زن شوهرش زندان بود و خودش با بچه هاش تنها زندگی می‌کند» (مرد، فوق لیسانس، ۴۲ ساله).

فقدان امکانات فرهنگی و تفریحی

مشارکت کنندگان به فقدان یا کمبود فرهنگسرا، نبود پارک و وسایل بازی و شهر بازی، تفریح‌گاه، سینما، کتابخانه و سالن ورزشی درهای غیررسمی اعتقاد داشتند.

«توی کوچه‌ها پسر بچه‌های ۳ تا ۶ ساله را خیلی دیده‌ام و پسرهای بزرگتر و دختر بچه‌های کوچک که دم در آمده‌اند وسیله تفریح و بازی ندارند» (زن، خانه‌دار، ۴۳ ساله)، «نبود امکانات تفریحی (سالن‌های ورزشی، کتابخانه، سینما، اینارو کاملاً میشه دید» (مرد، فوق لیسانس، ۳۴ ساله)، «کتابخانه که بشه مطالعه کرد ندارند» (زن، دانشجو، ۱۹ ساله).

ضعف در سیستم دولتی

در تحقیق حاضر این مقوله به معنی عملکرد ضعیف و نامناسب دولت و خلف وعده مسؤولان است. ادراک مشارکت کنندگان از عملکرد نامناسب دولت در این نوع از سکونتگاه‌های انسانی عبارت است از: عدم حل مشکلات ساکنان، عدم حمایت و بی‌توجهی دولت نسبت به ساکنان این مناطق، شناسنامه نداشتن بچه‌ها، توزیع ناعادلانه امکانات در شهر و هزینه کردن بودجه کل شهر در

محدوده شهری، پاسخگو نبودن سامانه کمک‌های مردمی، کمبود یا نبود تبلیغات محیطی برای فرزندان، عدم تناسب بن‌های دانش‌آموزی (رهبری) با نیاز دانش‌آموزان، عملکرد نامناسب گشت‌ها در منطقه.

«توزیع امکانات در مشهد داغونه و شهر داری یا هر ارگان مرتبط با موضوع بشدت کم‌کاری می‌کنه» (مرد، فوق لیسانس، ۳۴ ساله)، «بودجه‌ها فقط خرج داخل شهر میشه و به حاشیه شهر نمی‌رسه» (مرد، فوق لیسانس، ۴۲ ساله).

به اعتقاد مشارکت‌کنندگان مسؤولان دولت خلف وعده کرده، در ساخت خانه‌های استیجاری، مسکن مهر، مدرسه و برقراری امنیت محلی کوتاهی کرده‌اند.

«از لحاظ امنیت محلی، ساخت مدارس، قول و وعید دادند اما هیچکدام عملی نشد. مسکن مهر قرار بوده در این مناطق ساخته شود یا قرار بوده خانه‌های استیجاری ساخته بشه اما اقدامی نشده است. برای وام خود اشتغالی ضامن‌های سنگین می‌خوان که خب نیست» (مرد، کارگر، ۵۰ ساله).

مشکلات زیر ساختی

مشارکت‌کنندگان مشکلات زیر ساختی این مناطق را این‌گونه ارزیابی می‌کنند: وجود مسیر فاضلاب در کوچه‌های باریک، نبود کوچه‌ها و خیابان‌های عریض و تمیز، تأخیر و یا کمبود وسایل نقلیه عمومی، کمبود بانک و بیمارستان و درمانگاه، ضعف در سیستم جمع‌آوری زباله شهری، نبود سیستم مناسب برای دفع فاضلاب، مشکل آب و برق و گاز.

«فاضلاب کنار خیابون جاری است ... بیمارستان و درمانگاه و بانک بسیار کم دارد. به این منطقه‌ها توجه نمی‌شود» (مرد، فوق لیسانس، ۳۴ ساله)، «امکانات شهری مثل خیابون‌های عریض و تمیز و آسفالت و سیستم دفع فاضلاب و ... کم هست ... تو کوچه‌ای راه می‌رفتم که عرض دو متر بود و باید یک مسافت زیاد رو تو همین کوچه فاضلاب‌های خونه‌ها هم ریخته شده بود تو کوچه می‌رفتم اما الان که اومدم بالا شهر می‌بینم کوچه‌ها کمتر از ۱۰ متر عرض ندارد و کلی پارک و فضاها شهری» (مرد، شغل خدماتی، ۵۰ ساله).

مشکلات مربوط به مسکن

عدم نظارت بر ساختمان‌سازی، خرید و فروش خانه به صورت قولنامه‌ای، پایین بودن قیمت خانه

در این محلات، مسکن کوچک و نامناسب و بافت فیزیکی جُرم خیز، فهم مشارکت کنندگان از این دسته از مشکلات کالبدی و مسکن بود.

«زمین‌هایی که توش ساخت و ساز شده به تدریج توسط مردم و کسانی که زمین رو تصاحب کردن ساخته شده.. معابر و کاربری‌های مختلف بسیار غیراستاندارد و متراکم و در هم بر هم است» (زن، فوق لیسانس، ۲۶ ساله)، «طبرسی شمالی ۳۸. مثل تگزاس می‌مونه طول کوچه ۵۰۰ تا ۶۰۰ متر بیشتر نیست ولی وقتی توش وارد میشی ۲۰ دقیقه معطل می‌شی. مغازه باقالی فروشی کنار بنگاه املاک و کنار تنظیم باد است. تو در تو و نا منظم و بهم ریخته است. اعصاب بهم می‌ریزه» (مرد، مهندس، ۳۱ ساله)، «خانه‌ها معمولاً قولنامه‌ای است» (مرد، فوق لیسانس، ۴۲ ساله)، «عدم نظارت بر ساختمان سازی ویژگی این منطقه است» (مرد، فوق لیسانس، ۳۴ ساله).

مشکلات مربوط به اعتیاد و مواد مخدر

از جمله مشکلات اشاره شده توسط مشارکت کنندگان در این باره آلودگی محیط، اعتیاد بچه‌ها، خرید و فروش و اعتیاد و مصرف مواد مخدر اهالی است.

«بیشترشون معتاد و قاچاقچی» (مرد، فوق لیسانس، ۳۴ ساله)، «پولی که با سختی به دست میارن رو خرج مواد مخدر می‌کنند» (زن، دانشجو، ۱۹ ساله)، «زمانی که داشتند بزرگراه می‌ساختند مادر این دخترها می‌رفت شب‌ها از زیر خاک آجرها رو جمع می‌کرد و با خودش می‌آورد خونه و اونها رو می‌فروخت تا پول مواد رو داشته باشه. محیط آلوده بود ترک مواد براشون غیرممکن است» (مرد، فوق لیسانس، ۴۲ ساله).

مشکلات جمعیتی

تولید مثل زیاد که ناشی از فشار اطرافیان برای فرزندآوری بیشتر است، به‌عنوان مهمترین مشکل جمعیت در سکونتگاه‌های غیررسمی محسوب می‌شود.

«خیلی بچه می‌آورند انگار که رقابت است تازه اگر مردی بچه کم داشته باشد می‌روند زن دیگر می‌گیرد» (زن، بی سواد، کارگر، ۴۳ ساله)، «با اینکه درآمد کمی دارند اما بچه زیاد میارن» (مرد، مهندس، ۳۱ ساله).

مشکلات اجتماعی - فرهنگی

این بخش از مشکلات از دید مشارکت‌کنندگان یا در رفتار و میزان اطلاعات و دانش ساکنان این اجتماعات دیده می‌شود یا در تعاملات آنها با دیگران خود را نشان می‌دهد.

- رفتار و اطلاعات فردی: منظور شهروندان مشهودی از وجود مشکلات اجتماعی و فرهنگی که در رفتار فردی و زندگی شخصی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی دیده می‌شود عبارتست از: عدم آگاهی از چگونگی رفتار در محیط‌های عمومی، بی‌اطلاعی از عواقب ساخت خانه‌های غیراستاندارد و غیرقانونی، عقب بودن از علم و تکنولوژی، ریختن آشغال در خیابان، تقلید از ماهواره و ساکنان بالای شهر، مقایسه زندگی خود با دیگران در فضای مجازی، فرزندآوری برای گرفتن یارانه بیشتر، مصرف تظاهری (خرید لباس و گوشی و ماشین و رسیدگی به شکل ظاهری) و بی‌اعتنایی نسبت به برنامه‌های فرهنگی برای کاهش تولید مثل.

«آشغال رو از پنجره بیرون می‌ریزن و کسی هم که بهشون نمی‌گه این کار رو نکن» (مرد، راننده اتوبوس، ۸۳ ساله)، «دختر و پسرهایی رو میبینی که از ماهواره الگو برداری می‌کنند ... یکی از افرادی که می‌شناختمش سه تا بچه داشت. یکی از بچه‌ها سنگ کلیه داشت باز هی بچه می‌آورد. بعد بچه بزرگتر رو از مدرسه بر می‌داشت که کمک خرجش باشه برای زندگی و بچه‌های کوچکتر ... فرزند بیشتر یارانه بشته ... پول نون شب ندارند اما آخرین مدل گوشی‌های هوشمند دستشونه. با دنیای مجازی آشنا می‌شن. اونها در مورد اینکه چگونه و چطور در محیط‌های اجتماعی رفتار کنند اطلاعی ندارند» (مرد، مهندس، ۳۱ ساله).

- تعاملات با یکدیگر: از دید مشارکت‌کنندگان مشکلات اجتماعی و فرهنگی در ارتباط با دیگران چنین عنوان شده است: رفتار نامحترمانه و پرخاشگرانه والدین با فرزندان و معلمان با دانش‌آموزان، پایین بودن سطح فرهنگ در معاشرت با دیگران، فحاشی به یکدیگر در خیابان.

«بیشتر بچه‌هاشون رو تو کارهایی مثل تعمیرگاه ماشین می‌دارن. بچه از مادر و پدرش و از اوستاش عصبانیت رو میبینن و این رو یاد می‌گیرن و عادت می‌کنن که باید برای زندگی این‌طور رفتار کنن. معلمین هم با بچه‌ها برخورد درستی ندارند چون اکثر اونها رو اجباراً فرستادن به این مناطق. معلم‌هایی رو تو سرویس مدارس دیدم که به بچه‌ها فحش می‌دادند و بچه‌ها مثل وحشی‌ها

تو سرویس بودند» (مرد، راننده /توبوس، ۵۳ ساله).

مشکلات آموزشی

از جمله مشکلات مربوط به آموزش و تحصیل که مشارکت کنندگان آن را یادآور شدند عدم مهارت و تخصص ساکنان در حرفه‌های مختلف، عدم آگاهی آنها از تأثیرات مخرب مواد مخدر بر بدن انسان، بی‌اهمیت بودن آموزش نزد والدین، نبود معلم خوب در این مناطق، توقف تحصیلات بچه‌ها در سطح ابتدایی است.

«آدمهایی کم سواد هستند» (مرد، استاد دانشگاه، ۵۲ ساله)، «معمولاً بچه‌ها تا کلاس ۴ یا ۵ ابتدایی بیشتر درس نمی‌خوانند چون کشتش ذهنی ندارند و تو خونه باهاشون سرو کله نمی‌زنند ... معلم‌ها زیاد خوب نیستند» (مرد، شغل خدماتی، ۴۵ ساله)

مشکلات اخلاقی - امنیتی

مشارکت کنندگان اعتقاد داشتند که سکونتگاه‌های غیررسمی با مشکلات اخلاقی و امنیتی بسیار متنوعی نظیر حضور زنان خرده قاچاقچی، خیانت همسران به یکدیگر، حضور ارازل و اوباش در منطقه، فساد اخلاقی به دلیل نیاز به پول، تصاحب غیرقانونی زمین‌ها توسط کارکنان دولتی و خصوصی، انجام غیرقانونی مشاغل علیرغم پلمپ کارگاه، فروش فرزند تازه متولد شده، فحشا و تن فروشی زیاد، تجاوز به ناموس دیگران، قتل، چاقوکشی، همراه داشتن قمه، حضور پلیس در خارج از منطقه، دزدی و سرقت و کیف قاپی، خشونت و دعوا و نزاع، احساس ناامنی در منطقه مواجهند.

«زنهایشون برای پول خیلی راحت حاضرند تن فروشی کنند ... یک خانه بود که یک مادر با چند تا دخترش که بزرگ هم بودند و بچه هم داشتند و طلاق گرفته بودند با هم زندگی می‌کردند و دختر بزرگ قاچاقچی بود. همه خانواده مواد مصرف می‌کردند و پول در می‌آوردند. مردهای زیادی به خونه آنها رفت و آمد داشتند. این کارها را هم به خاطر پول مواد می‌کردند» (مرد، فوق لیسانس، ۴۲ ساله)، «خانواده‌ای فرزند تازه به دنیا آمده شان را به مبلغ هفتصد هزار تومان به یک معلمی که دارای فرزند نمی‌شد فروخته بودند چون خانواده پرجمعیت بودند و کسب پدر ضعیف بود» (زن، خانه‌دار، ۴۵ ساله)، «چاقوکشی و دعوا تو خیابون‌ها و زد و خورد

بیشتر است» (مرد، فوق لیسانس، ۳۴ ساله).

مشکلات بهداشتی

این بخش از مشکلات از دید مشارکت‌کنندگان مواردی نظیر عملکرد ضعیف مراکز بهداشت، عدم نظافت روزانه خیابان‌ها، واگذاری مسائل بهداشتی منطقه به بخش خصوصی، بی‌توجهی به پاکیزگی خیابان‌ها و محل زندگی، بیماری بچه‌ها و وجود فاضلاب در کوچه‌ها است. «اگر دو روز نظافت کنند خیابون‌ها رو که خیلی خوبه. مثل این طرف‌ها نیست که هر روز نظافت می‌کنند (مرد، راننده /توبوس، ۵۳ ساله)، «فرهنگ شهرنشینی در این محیط‌ها رعایت نمی‌شود. آشغال می‌ریزن. فاضلاب تو کوچه‌ها هست» (مرد، مهندس، ۳۱ ساله).

مشکلات اقتصادی

از جمله مشکلات اقتصادی ساکنان در سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر شهروندان مشهود عبارتست از: بیکاری، فقر و بی‌پولی و فشار روانی ناشی از آن، فقدان سرمایه کافی برای شغل جوانان، مستأجر بودن، کار کودکان، عدم حمایت مالی خانواده‌ها از جوانترها، نداشتن ضامن برای دریافت وام، نداشتن شغل پایدار سرپرست خانواده، یارانه به‌عنوان منبع اصلی درآمد و ... «بیکار هستند ... کارهای الکی دارند مثل کارگری سرگذر» (مرد، راننده /توبوس، ۵۳ ساله)، «درآمد ندارند ... بیشتر خرج زندگیشون صرف مواد و غذا می‌شه و تمام منبع درآمدشون یارانه است» (مرد، فوق لیسانس، ۴۲ ساله)، «فقط دنبال سیر کردن شکم زن و بچه هاشون هستند» (زن، خانه‌دار، ۴۳ ساله).

مشکلات مربوط به کودکان

به عقیده شهروندان مشهودی کودکان به‌عنوان گروه خاصی از ساکنان‌های غیررسمی همواره با مشکلات مختلفی نظیر عدم توانایی والدین در تربیت و رفتار درست با کودکان، خشونت والدین علیه کودکان، پرسه زدن بچه‌ها در کوچه و خیابان، اجبار به دستفروشی کودکان توسط والدین و کودکان کار مواجهند.

«یکبار دیدم که یک بچه کوچک داشت تو صف نانوايي گريه می‌کرد و پدرش بجایی که بچه رو

آروم کنه یک پس گردنی هم بهش زد» (مرد، مهندس، ۳۱ ساله)، «پسری بود که پدرش با میله و سیخ مواد تمامی دست و سر این بچه رو سوزانده بود تا اینکه بچه رو مجبور به دست فروشی بکنه و خرجی زندگی را در بیاورد و حتی بچه را به مدرسه نگذاشته بودند و مجبور به ترک تحصیل کرده بودند» (زن، خانه دار، ۴۵ ساله).

بُعد رفتاری نگرش شهروندان مشهدی

بُعد رفتاری نگرش، به چگونگی تمایل به عمل در ارتباط با موضوع مورد مطالعه می‌پردازد. در این زمینه مواجهه رفتاری شهروندان مشهدی با ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی از دو منظر یکی منشأ ارتباط با ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی و دیگری نوع تمایل و تجربه تعامل با ساکنان بررسی شده است.

- منشأ ارتباط با ساکنان: گروهی از مشارکت‌کنندگان هیچ‌گونه ارتباطی با ساکنان این اجتماعات نداشته‌اند؛ برخی در مکان‌های عمومی نظیر هیأت‌های مذهبی و بیمارستان با آنها برخورد داشته‌اند و عده‌ای هم با عناوینی چون پرستار و کارگر منزل با آنها مواجهه داشته‌اند.

- تمایل و نوع رفتار با ساکنان: نوع تمایل شهروندان مشهدی نسبت به ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی متفاوت است؛ به طوری که بعضی تمایل به شاد کردن دل ساکنان، ارتباط و کمک به آنان را دارند و بعضی خواهان مواجهه کمتر با ساکنان این مناطقند.

«خیلی کم در همین حد که می‌رم سرکار و میام و ترجیح می‌دم که ارتباط نزدیک نداشته باشم» (مرد، فوق لیسانس، ۳۴ ساله)، «از خدا خواستم که آنقدر پول دار بشم که بتونم دل اون‌ها رو شاد کنم» (زن، خانه دار، ۳۰ ساله).

تجربه تعامل شهروندان مشهدی با ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی شامل مواردی چون: راهنمایی برای کارایی یا شکایت از کارفرما، احوال‌پرسی، کمک مالی، تجربه‌های مثبت یا منفی به هنگام کمک کردن به ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی، تجربه رفتار احترام آمیز و مؤدبانه با ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی و ... می‌شود.

«کمک مشورتی کردم ... کارگری داشتیم که چند ماهی بوده پولشو کارفرما نداده بهش گفتیم برو

اداره کار و شکایت کن ... بارها دیدم افرادی رو که اومدن درخواست کار دادند برای کارگری و گفتند کارگر نمی‌خواین و من اونا را راهنمایی کردم و گفتم برو پیش فلانی» (مرد، مهندس، ۳۱ ساله).

بعد احساسی نگرش شهروندان مشهدی

عنصر عاطفی یا احساسی دربرگیرنده هیجانات مثبت و منفی مشارکت‌کنندگان نظیر: ترس، احساس ناامنی به دلیل وجود معتادان و دزدان و کثرت جرم و جنایت در این مناطق، دوری از این مناطق به دلیل نگاه‌های سنگین ساکنان، حس ترحم نسبت به آنان، آرزو و امید به تغییر نوع زندگی آنان، احساس آرامش به هنگام حضور در این مناطق، احساس خوب و راحتی نسبت به ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی است.

«می‌ترسم تنهایی این مناطق برم ... حس خوبی ندارم» (مرد، فوق لیسانس، ۳۴ ساله)، «من دلم برای بچه‌هایشان می‌سوزد آنها خیلی گناه دارند» (زن، خانه‌دار، ۴۵ ساله)، «لانم که ناراحت می‌شم و دلگیر می‌شم وقتی می‌رم اون محل‌ها آرامش می‌گیرم» (زن، شغل آزاد، ۳۴ ساله).

تبیین مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان آن از منظر شهروندان مشهدی

تبیین مشارکت‌کنندگان از مشکلات این افراد عمدتاً در چهار حوزه فردی، مدیریتی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی است. تبیین‌ها یا جنبه درونی داشته و آن را ناشی از عاملیت (کنشگر) می‌دانند یا به عوامل بیرونی و محیطی اشاره داشتند و به عبارتی ساختار و شرایط اجتماعی را تعیین‌کننده می‌دانند.

تبیین فردی

گروه قابل توجهی از شهروندان مشهدی مشکلات فردی را مهم‌ترین علت معضلات آنان قلمداد می‌کنند؛ نداشتن مهارت و تخصص در یک حرفه، حماقت‌های فردی، نداشتن قدرت تصمیم‌گیری و اختیار، عادت به اطاعت از مسئولان و تصمیم‌گیرندگان، نپذیرفتن مشکلات زندگی و عدم تلاش در یافتن راه حل برای آن، عدم مهارت والدین در تربیت فرزندان، نداشتن درک و آگاهی عمیق نسبت به مسائل مختلف زندگی، تقلید ناآگاهانه از اشتباهات پیشینیان، عدم آگاهی و آموزش لازم برای

مهارت‌های مختلف زندگی از جمله این مشکلات فردی است.

«زندگی اونها نتیجه حماقت‌های خودشونه» (مرد، بازنشسته، ۷۵ ساله)، «عامل اصلی پیشرفت نکردن، عدم اطلاع از شیوه درست زندگی کردن است و تقلید ناآگاهانه اشتباهات گذشتگان و نداشتن پول است و قضاوت دیگر افراد ... متأسفانه هیچ تلنگری به خودشون نمی‌زنند» (زن، خانه دار، ۳۰ ساله).

تبیین مدیریتی

گروه دیگری، مدیریت و برنامه‌ریزی غلط و نامناسب را علت اصلی مشکلات دانسته، به مواردی نظیر سیاسی، مذهبی و قومی بودن مبنای برنامه‌ریزی دولت، نبود برنامه‌ریزی اقتصادی عدالت محور و یکسان در جامعه، عدم حمایت و رسیدگی به طبقه کارگر، بی‌توجهی دولت به فقر و مسائل حاشیه شهر، نبود برنامه‌ریزی برای ورود مهاجران به این مناطق، مدیریت ضعیف شهری، اشاره دارند.

«دولت شعارش کمک به مردم بی‌بضاعت هست اما می‌بینم همش به فکر پولدارها هستند» (زن، خانه‌دار، ۶۸ ساله)، «مدیران کم‌کاری و کوتاه‌کاری می‌کنند» (مرد، فوق لیسانس، ۳۴ ساله)، «دولت ما اصلاً هیچ کاری براشون نمی‌کنه. می‌بینی اختلاس‌های چند صد میلیونی دارند اما در همین شهر چندین نفر از کودکان کار رو می‌بینی که واقعاً من حالم بد میشه» (زن، دانشجو، ۲۷ ساله).

تبیین اقتصادی

علت اصلی مشکلات در زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر عده کثیری از شهروندان مشهودی به مسائل کلان اقتصادی در جامعه نظیر بی‌پولی و فقر، اوضاع اقتصادی ناسالم و آلوده در کشور، بیکاری و مشاغل کاذب بر می‌گردد.

«فقر و مشکلات شغلی دارند. پدر خانواده وقتی کار نداشته و معتاد باشه معلومه که این مشکلات میاد سراغشون. چون پدر پولی نداره و بچه هم به خاطر کمک خرج خانواده مجبور میشه کار کنه و درس نخونه» (زن، دانشجو، ۲۷ ساله)، «همه مشکلات از بی‌پولی سرچشمه می‌گیرد» (زن، محصل، ۱۸ ساله)، «بیکاری علت همه مشکلات است» (مرد، راننده اتوبوس، ۵۳ ساله).

تبیین فرهنگی - اجتماعی

طرد اجتماعی، فقر فرهنگی، فرایندی بودن مشکلات، بی‌سوادی و کم‌سوادی، تبعیض اجتماعی، بی‌حرمتی و قضاوت‌های دیگران، وضعیت نابسامان بافت اجتماعی منطقه، از جمله موارد اشاره شده توسط شهروندان در خصوص علت وجود مشکلات در زندگی ساکنان در سکونتگاه‌های غیررسمی است. پیداست همه این موارد به قلمرو اجتماعی و فرهنگی جامعه مربوط می‌شود.

«این بدبخت‌ها از ابتدا پشتوانه نداشتند خانواده‌ای نداشتند که کمکشون باشه» (زن، خانه‌دار، ۶۸ ساله)، «عوامل زیادی است که دست به دست هم داده مثل فقر و نداری و بیکاری - بخاطر کم-سوادی و بی‌سوادیشون نمی‌دونند چطور زندگی کنند و چطور مشکلاتشون رو حل کنند» (زن، خانه‌دار، ۴۵ ساله).

راهکار مشارکت‌کنندگان برای رفع یا تقلیل مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنان آن برای پاسخ به این سؤال که «راهکارهای پیشنهادی برای رفع یا تقلیل مشکلات این سکونتگاه‌ها و ساکنان آن از دید شهروندان چیست؟» مشارکت‌کنندگان راهکارهای مختلفی را برای رفع یا تقلیل مشکلات موجود در سکونتگاه‌های غیررسمی پیشنهاد دادند.

کالبدی و فیزیکی

مشارکت‌کنندگان برای حل مسائل فیزیکی و کالبدی سکونت‌گاه‌های غیررسمی، علاوه بر ساخت و توسعه، به تعمیر و ترمیم خانه‌های آنها نیز اشاره دارند. توسعه منطقه و عدم تخریب خانه‌ها، تعمیر و بازسازی خانه‌های خراب و نامناسب، ساخت مسکن رایگان و مناسب و بالاخره آباد کردن منطقه از جمله پیشنهادات است.

«مسکن‌های مناسب برایشون بسازیم/این‌طور که مسکن مهر نباشه که باز لازم باشه پولی بدن کاملاً مجانی بعد از کاری که بهشون دادند/اقساط خونه رو کم کنند» (زن، دانشجو، ۲۷ ساله).

اقتصادی

در رابطه با حل مشکلات اقتصادی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی دو پیشنهاد کلی ارائه شد. یکی از جنس خیریه‌ای که منظور تأمین مالی و غیرمالی افراد بوده، دیگری بسترسازی برای ایجاد

شغل است.

- کمک خیریه‌ای (تأمین مالی و غیر مالی)

منظور کمک‌هایی نظیر تهیه و ارسال سبد غذا و کالا، تأمین هزینه‌های خانواده به صورت مالی. «کمک‌هایی مثل سبد کالا و غیره بهشون بدن تا کم بودهای زندگیشون حل بشه. مستمری به آنها تعلق بگیرد» (زن، خانه دار، ۴۵ ساله)، «بهشون مواد غذایی داد و خونه‌های خراب و نامناسبشون رو تعمیر کرد و یا پول داد تا دیگه نیازی نداشته باشند از درآمدهای بچه‌هاشون استفاده کنند» (زن، دانشجو، ۱۹ ساله).

- اشتغال‌زایی

بسترسازی برای اشتغال از طریق تأسیس کارگاه‌های زودبازده و معرفی ساکنان به کارخانه‌های دولتی.

«کارگاه و کارخونه در آن محله‌ها بزنند و جوونهای این مناطق رو جذب کنند» (زن، خانه دار، ۶۸ ساله)، «خانم‌ها و آقایون در کارگاه‌ها تولیدی لباس و غذا و غیره کار کنند ... بهترین راه اینه که اینها رو به کارخانه‌های دولتی معرفی کنند تا از آنها بهره کشی نکنند» (مرد، شغل خدماتی، ۴۵ ساله)، «از همین ولگردی هاست که مشکلات زیادت‌ر همیشه مثل اعتیاد و زن بازی و فحاشی و خشونت و دزدی و قاچاق و غیره ... بهترین راه اینه که آدمها برن سرکار (مرد، راننده اتوبوس، ۵۳ ساله).

آموزشی - فرهنگی

پیشنهادهای مشارکت‌کنندگان برای رفع یا تقلیل مشکلات آموزشی و فرهنگی مردم در سکونتگاه‌های غیررسمی عبارتند از: ساخت مدارس برای تحصیل کودکان و نوجوانان، ایجاد پارک و تفریح‌گاه و مراکز آموزشی برای آنها، فرهنگ‌سازی در استفاده از ماهواره و در نهایت برگزاری کلاس‌های آموزشی و مشاوره به منظور تغییر نگرش و عقاید و رفتار و مهارت زندگی ساکنان، آموزش در زمینه‌های روابط خانوادگی و آداب اجتماعی، حقوق شهروندی، استفاده از امکانات شهری، آموزش مهارت زندگی به کودکان، سوء مصرف مواد به کودکان، تربیت و رفتار با کودکان، ارتباط با همسر، کم‌فرزندآوری.

«باید تفریحگاه درست کنند. اون مناطق بچه زیادی تو خونه‌های کوچیک هستن. بیشتر نیاز به پارک و تفریحگاه دارند» (مرد، شغل خدماتی، ۵۰ ساله)، «بهتره که برای پدر و مادرها کلاس‌های حضوری و اجباری بذارند طوری که با هم در کلاس‌ها باشند و آداب اجتماعی و روابط صحیح خانوادگی بهشون آموزش داده بشه» (مرد، شغل خدماتی، ۴۵ ساله).

بهداشتی

مشارکت‌کنندگان برای رفع مشکلات بهداشتی در سکونتگاه‌های غیررسمی دو دسته پیشنهاد ارائه دادند. یکی برگزاری کلاس‌ها یا دوره‌های آموزشی برای آموزش‌ها و مهارت‌های باروری توسط مرکز بهداشت و آموزش صحیح مسواک زدن و دیگری بسترسازی برای بهداشت ساکنان که منظور از آن تقویت مدیریت پسماند و جمع کردن زباله‌ها، ارائه بسته‌های سلامت به مردم مثل مسواک و خدمات مربوط به چکاپ رایگان است.

«این مشکلات فرزندآوری با آموزش در مرکز بهداشت حل می‌شود» (مرد، مهندس، ۳۱ ساله)، «باید فرهنگسازی در زمینه بهداشت و تکنولوژی باشد مثل چکاپ رایگان، پک‌های سلامت به مردم بدن ... مسواک رایگان به مردم این مناطق بدهند و نحوه صحیح مسواک زدن را یاد بدهند» (مرد، کارمند، ۳۱ ساله)، «شهرداری باید برای جمع کردن آشغال‌ها و ساختن پارک‌ها تلاش بیشتر کنه» (مرد، کارمند، ۳۷ ساله).

اجتماعی

تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد مشارکت‌کنندگان برای تقلیل مشکلات مختلف اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی پیشنهادهای متنوعی دارند. این پیشنهادها در شش طبقه به شرح ذیل دسته‌بندی شده‌اند.

الف) آگاهی از مناطق حاشیه (مشاهده این مناطق، اطلاع از دردها و رنج‌های ساکنان)؛

ب) آموزش و توانمندسازی ساکنان (توانمندکردن ساکنان منطقه، بازدید ساکنان از مناطق بالای شهر برای مشاهده تعاملات و روابط احترام آمیز مردم با یکدیگر)؛

ج) حمایت مشترک مردم و دولت (توجه به مشکلات ساکنان توسط افراد صاحب نفوذ، حل

مشکلات آنها به کمک مردم و دولت، تشکیل سازمان‌های مردم نهاد برای دریافت کمک‌های مردم؛
 (د) عدالت محوری در ارائه خدمات (نبود نگاه تبعیض‌آمیز برنامه‌ریزان در کشور، یکسان سازی حضور پلیس در شهر، توزیع عادلانه ارائه خدمات شهری در سطح شهر)؛
 (ه) تغییر رویه دولت نسبت به مسائل حاشیه (فراهم کردن امکانات بیشتر، ورود دولت برای سامان دادن مسائل کودکان کار، کنترل و تعلیم مهاجران به کشور توسط دولت، اولویت دادن به حل مشکلات فرهنگی، تغییر نگاه مسئولان به حقوق مردم با تغییر قوانین)؛
 (و) حمایت و کمک‌های دولتی (انتقال افراد معتاد به کمپ ترک اعتیاد، اختصاص دادن بودجه بیشتر برای حاشیه شهر، خرید زمین‌های منطقه توسط دولت و فروش به سرمایه دارها، ایجاد بازار و میوه فروشی توسط شهرداری، ارائه خدمات بیشتر توسط شهرداری، ایجاد مسکن مهر، کمک ۵۰٪ دولت برای ساخت و سازها، رسیدگی مستقیم دولت، حمایت دولت در دادن وام بلاعوض به ساکنان).

«باید و مشکلاتشان را حل کنند و دنبال یک منبع درآمد باشند ... دنبال این نباشند که دولت یا دیگران برایشان کاری بکنند ولی دولت باید برایشان اشتغال به وجود آورد و مناطق محروم را بهبود ببخشند» (زن، خانه‌دار، ۴۳ ساله، «هم دولت و هم خودشان باید تلاش کنند که زندگی را بهتر کنند» (زن، خانه‌دار، ۴۳ ساله)، «نباید بین امکانات این مناطق و سایر مناطق تفاوت باشد که اون‌ها فکر کنند از شون غافل شدند» (مرد، فوق لیسانس، ۳۴ ساله)، «اگر یک بیچاره بخواد یک کار خودش مثل تولیدی بزنه میره بانک و بانک ازش ضامن می‌خواد خب اون بد بخت ضامن از کجا بیاره. دولت وام‌های بلاعوض به مردم بده» (زن، خانه‌دار، ۳۰ ساله).

نتیجه

هدف اصلی مقاله حاضر، ارائه تصویری روشن از لایه ذهنی فرهنگ عمومی شهروندان مشهدی نسبت به های غیررسمی و ساکنان این اجتماعات است. با تجزیه و تحلیل فرهنگ در سطح ذهنی در می‌یابیم که مردم چگونه محیط خود را درک، طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری می‌کنند. یکی از روش‌های تحلیل فرهنگ در سطح ذهنی، آگاهی از نگرش مردم است. نگرش‌ها محصول عقایدمان در

مورد یک چیز، احساس‌مان در مورد آن چیز و رفتارمان در برابر آن است و طبق آنچه در مبانی مفهومی مقاله حاضر آمد نگرش‌ها تحت سیطره ارزش‌ها هستند و این ارزش‌ها راه دیدن جهان و ارتباط ما با جهان هستند.

همسو با مباحث ذکر شده، نگاه سازه‌گرایانه اجتماعی با این وجه از امور سر و کار دارد که ما چطور این جهان را می‌فهمیم و نه این که این جهان مادی مستقل از فهم ما چگونه است. طبق ایده سازه‌گرایانه، این پژوهش در قالب مطالعه موردی و از منظر جامعه‌شناختی و با رویکرد کیفی، نظام مشترک معنایی و درک تفسیری مشارکت‌کنندگان (شهروندان مشهدی) را از پدیده سکونتگاه غیررسمی و ساکنان آن مورد توصیف و تحلیل قرار داد.

نتایج در بُعد شناختی حاکی از دیدگاه متفاوت و متنوع مشارکت‌کنندگان نسبت به ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی است. گروهی آنها را افرادی مهربان و دلسوز، ساده زیست، سخت‌کوش و مورد اعتماد و گروهی دیگر آنها را دروغگو، تنبل، خلافت‌کار و خشن و بی‌هدف، تودار و غیرقابل اعتماد می‌شناسند. در سطح محله، شهروندان مشهدی علاوه بر اطلاع از موقعیت جغرافیایی و مکانی، از هنجارها و الگوهای رایج زندگی در این مناطق، همچنین از موقعیت اقتصادی و اجتماعی آن محلات هم تا حدی مطلع بودند. آنها از مشکلات مختلف این مناطق نظیر مشکلات خانوادگی، کالبدی و مسکن، اعتیاد و موادمخدر و ... اطلاع دارند.

تبیین این مشکلات توسط برخی بر پایه رویکرد عاملیت بود. یعنی تمامی اتفاقات موجود در زندگی ساکنان این اجتماعات، به خود این افراد برمی‌گردد. در مقابل گروه دیگر، زمینه و شرایط اجتماعی را تعیین‌کننده می‌دانستند و به مسائل مدیریتی و برنامه‌ریزی، شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اشاره داشتند.

برآیند پیشنهادها و توصیه‌ها بر این است که اتکا صرف بر ظرفیت و حمایت سازمان‌های دولتی صحیح نبوده، نیاز به رویکرد همه‌جانبه داشته، مشارکت و ارتباط میان سه سطح میانه (تشکل‌های مردم نهاد)، خرد (ساکنان منطقه) و کلان (حاکمیت و سیاستگذاری دولتی) را می‌طلبد.

منابع

- آذربایجانی، مسعود، و دیگران (۱۳۹۳). *روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلام*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- اخوان عبداللہیان، محمدرضا (۱۳۹۶). «مدیرکل راه و شهرسازی خراسان رضوی در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری». [پیوسته] قابل دسترس در: <https://b2n.ir/965500> [1397/6/3]
- اسماعیلی، رضا؛ امیدی، مهدی (۱۳۹۱). "بررسی تجربه حاشیه‌نشینی از دیدگاه حاشیه‌نشینان: یک مطالعه پدیدارشناسانه". *مطالعات شهری*، سال دوم، ش ۳ (تابستان): ۱۷۹-۲۰۸.
- بوهنر، جرد؛ وانک، میکائیل (۱۳۸۲). *نگرش و تغییر آن*. ترجمه منیژه صادقی. تهران: ساوالان.
- بیوکی، جلال؛ پورغلام، هادی (۱۳۹۳). "رویکرد راهبردی به ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در کلان‌شهرهای کشور (مطالعه موردی: شهرک نوده مشهد)". در: *مجموعه مقالات برگزیده ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی*. برگزار کننده: شورای اسلامی شهر مشهد و مشهد: دانشکده علوم پایه دانشگاه فردوسی مشهد: ۴۵-۶۶.
- پارسا‌پژوه، سپیده (۱۳۸۱). "نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشینی (مطالعه موردی: اسلام‌آباد کرج)". *رفاه اجتماعی*، دوره دوم، ش ۶ (زمستان): ۱۶۱-۱۹۷.
- پوراحمد، احمد، و دیگران (۱۳۹۶). "سنجش کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: محله اسلام‌آباد تهران)". *جغرافیای اجتماعی شهری*، سال چهارم، ش ۲، پیاپی ۱۱ (پاییز و زمستان): ۱-۲۲.
- ترکمن‌نیا، نعیمه؛ قربانی، رسول؛ خوارزمی، امیدعلی (۱۳۹۷). "ارزیابی سیستمی عوامل شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی کلان‌شهر مشهد". *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، سال پنجم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۲۳-۴۲.
- ترنر، جان‌اتان اچ. (۱۳۸۲). *ساخت نظریه‌های جامعه‌شناختی*. ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده. شیراز: نوید.
- رحمانی‌فضلی، عبدالرضا (۱۳۹۸). "نشست وزیر کشور با استاندار خراسان رضوی پیرامون

- مسائل حاشیه شهر مشهد". [پیوسته] قابل دسترس در: <https://b2n.ir/068734> [1398/6/23]
- رشیدی آل‌هاشم، رکن‌الدین؛ سلیمانی، مجید (۱۳۹۱). "بررسی رفتارهای حاشیه‌نشین‌ها". *مطالعات علوم اجتماعی/ایران*، سال نهم، ش ۳۵ (زمستان): ۱-۱۸.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.
- شاوردی، ته‌مین (۱۳۷۲). "نقش آموزش و پرورش در توسعه". *رشد معلم*، سال دوازدهم، ش ۲، پیاپی ۹۵ (آبان): ۹-۱۱.
- عظیمی هاشمی، مژگان، و دیگران (۱۳۹۴). "ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج". *راهبرد فرهنگ*، سال هشتم، ش ۲۹ (بهار): ۱۷۹-۲۱۲.
- فرانزوی، استیون (۱۳۹۳). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه مهرداد فیروزبخت و منصور قنادان. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فلیک، اوه (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- قجاوند، کاظم؛ نوابخش، مهرداد (۱۳۸۶). "نگرشی بر مشکلات حاشیه‌نشینی در اصفهان (منطقه ارزنان)". *فصلنامه دانشگاه آزاد/اسلامی واحد شوشتر*، سال دوم، ش ۳ (بهار): ۱۲۷-۱۵۰.
- کریمی، یوسف (۱۳۹۵). *روانشناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم، کاربردها)*. تهران: ارسباران.
- لطفی، حیدر، و دیگران (۱۳۸۹). "بحران حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی در مدیریت کلان‌شهرها و رهیافت‌های جهانی". *جغرافیای انسانی*، سال دوم، ش ۶ (بهار): ۱۳۵-۱۴۵.
- لوزیک، دانیل (۱۳۸۳). *نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی*. ترجمه سعید معیدفر. تهران: امیرکبیر.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی-فرهنگی در ایران*. تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.

- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). ضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، ج ۱. تهران: جامعه‌شناسان.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). «نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن». [پیوسته] قابل دسترس در: <https://b2n.ir/729801> [1397/5/23]

- شهرداری مشهد. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی (۱۳۹۵). «سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مشهد». [پیوسته] قابل دسترس در: <https://b2n.ir/198702> [1397/5/24]

- مفاخری، عبدالله (۱۳۹۱). "مطالعه‌ی مقایسه‌ای عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر نگرش ساکنان متن شهر و حاشیه نسبت به همدیگر (مورد مطالعه: شهر سمنان)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان.

- نقدی، اسدالله؛ زارع، صادق (۱۳۹۲). "مطالعه نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی زنان حاشیه‌نشین (مورد مطالعه: شهرک سعدی شیراز)". *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، دوره سوم، ش ۹ (زمستان): ۶۷-۹۶.

- Fazio, R. H. (2000). "Accessible attitudes as tools for object appraisal: The costs and benefits". In: *Why We Evaluate: Functions of Attitudes*. Editors G. R. Maio & J. M. Olson. New Jersey: Mahwah, 1-36.

- Neuman, W. L. (2006). *Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches*. Boston: Allyn and Bacon.

- Schiffman, L. G.; Kanuk, L. L. (1997). *Consumer Behavior*. London: PracticeHall College Div.

- Taylor, S. E.; Peplau, L. A.; Sears, D. O. (2003). *Social Psychology*. New Jersey: Pearson Education International.

- Urry, J. (2000). *Sociology Beyond Societies, Mobilization for Twenty first Century*. London; New York: Routledge.

جایگاه مضامین عرفانی در کتاب تأملات کلامیه ملا محمد حسن هردنگی

اکرم ناصری^۱

سال چهاردهم، شماره اول، پاییز ۱۳۹۸

شماره صفحه: ۱۲۵-۱۴۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۹

چکیده

علم کلام یکی از علوم مهم اسلامی است که برای درک و فهم عقاید دین اسلام پدید آمده است. متکلمین در مناظرات و مباحث کلامی به منظور دفاع از عقاید خود و غلبه بر حریف، به دانش‌ها، مهارت‌ها و روش‌های خاصی نیاز دارند. میان عرفان و علم کلام نیز پیوندی تنگاتنگ وجود دارد و برخی از متکلمان از قابلیت‌های مضامین عرفانی برای دستیابی به اهداف دانش خویش بهره برده‌اند. نحوه کاربست مضامین عرفانی در کلام، از جمله مباحث درخور توجهی است که کمتر بدان پرداخته شده است؛ از این‌رو، انجام مطالعات موردی در این حوزه و بررسی کار متکلمینی که از این رویکرد بهره گرفته‌اند، می‌تواند در شناخت این رویکرد مفید فایده باشد. مقاله حاضر با تأکید بر یکی از آثار کلامی علمای شیعه (محمدحسن هردنگی) در نظر دارد که ضمن تحلیل و بررسی رویکردهای عرفانی و جایگاه آن در مباحث کلامی، شاخصه‌های این رویکرد و نقش آن را در تلطیف و تأثیرگذاری مباحث کلامی مورد ارزیابی قرار دهد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هردنگی در کتاب خود (تأملات کلامیه) از این رویکرد به کرات در مباحثی چون طرق معرفت، ذات و واجب‌الوجود بهره برده و در کاربرد این مفاهیم، رویکرد کلامی- عرفانی و رویکرد تاریخی را با هم تلفیق کرده است. استنادات حدیثی، بویژه احادیثی که متضمن معانی عرفانی است نیز از

ویژگی‌های سبکی مؤلف محسوب می‌شود که در تلطیف و تفهیم مباحث کلامی بسیار مؤثر بوده است.

واژگان کلیدی: محمدحسن هردنگی، کلام، رویکرد عرفانی، تأملات کلامیه

مقدمه

کلام دانشی است که ماهیت، اهداف و غایات آن زمینه‌ساز کاربرد روش‌های گوناگون و متنوع در آن شده است. افزون بر روش‌های عقلی و نقلی رویکردهای دیگری نیز در بررسی‌های کلامی به کار رفته است. یکی از رویکردهایی که متکلمان در مباحث کلامی خویش چندان اقبالی به آن نداشته‌اند، عرفان است. در واقع، عرفان خود نوعی کلام شهودی است که موضوعات و مسائل آن با دانش کلام مشترک، اما ابزار و روش آن با علم کلام متفاوت است (دادبه، ۱۳۸۸: ۶۴۲۶). کاریست رویکردهای عرفانی در کلام ویژگی‌ای است که می‌تواند بر اشتیاق و رغبت خوانندگان در مطالعه مباحث کلامی بیفزاید.

نوشتار حاضر ضمن بررسی یکی از آثار کلامی دوره قاجاریه با عنوان تأملات کلامیه می‌کوشد تا نحوه کاربرد مضامین عرفانی را در مباحث کلامی نشان داده، تأثیرات آن را در این بحث‌ها مورد ارزیابی قرار دهد. تأملات کلامیه اثر آخوند ملامحمدحسن هردنگی (متوفی ۱۳۲۷ق.)، از علما و فقهای معظم و نامی قهستان است که در فلسفه، صرف و نحو عربی، فقه و اصول، لغت، معانی بیان، بدیع، عروض، منطق، تفسیر، کلام، حدیث، رجال و درایه، نجوم، هیأت، حساب و هندسه نیز تبحر داشته است.

آخوند ملامحمدحسن هردنگی در سال ۱۲۶۰ هـ.ق در قریه مبادی از توابع هردنگ قیس‌آباد زاده شد. وی پس از گذراندن دوره مقدمات و سطح برای تکمیل دانش خود به مشهد و مدرسه باقریه رفت و قریب ۲۰ سال از محضر آیات عظام کسب فیض کرده، بر امورات فقهی، دینی و شرعی تسلط کامل یافت. او درباره اساتید خود در مقدمه دیوان اشعارش چنین می‌نویسد: «این قلیل البضاعه بعد از آنکه از خدمت والد ماجد جهت تحصیل مهاجرت کرده چندان دور نرفتم و بر بعضی از اهل علم تلمذ کرده که دارای مقام اجتهاد نبودند و بعد از آنکه از ایشان مستغنی شدم بر دو نفر که از عمده

علمایند، تلمذ کرده و حظی وافر و بهره‌ای کامل از ایشان برداشتم» (راشد محصل، ۱۳۴۲: ۱۱۰، ۱۲۵). از برخی قرائن می‌توان دریافت که آخرین استاد وی، فقیه پرآوازه قهستان، سید ابوطالب مجتهد قاینی بوده که هردنگی در آثارش از او یاد کرده است. مجتهد قاینی در سال ۱۲۹۰ قمری یعنی زمانی که هردنگی سی سال داشت، برای او اجازه اجتهاد صادر کرد (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۲: ۲۹۰). از جمله مناصب هردنگی می‌توان به عضویت در هیأت امنای یکی از بلوک قهستان به مدت ۴۰ سال، مسئولیت موقوفات و حاکم شرع به مدت ۱۴ سال و نیابت آیت‌الله سید اسماعیل صدر موسوی در امور حسیه ایالت قهستان اشاره کرد (غوث، ۱۳۹۱: ۴۰۰). تألیفات هردنگی پس از مرگ وی دستخوش حوادث گشته و تنها بخش‌هایی از آن به وسیله نوادگانش جمع‌آوری شده است، اما تاکنون به طبع نرسیده است. صرفاً شماری از اشعار وی در برخی از جراید چاپ شده است. از دیگر آثار ایشان می‌توان به *رساله اعتقادات*، *رساله توحید* و *سفرنامه هرات* نیز اشاره کرد (غوث، ۱۳۹۰: ۷).

بررسی کتاب تأملات کلامیه نشان می‌دهد که هردنگی بر منابع تاریخی، کلامی و فلسفی عامه و خاصه تسلط داشته و به آنها استناد کرده است. کاربرد مضامین عرفانی در خلال بحث‌های کلامی از جمله وجوه تمایز این اثر با سایر آثار کلامی است که بررسی آن در سؤالات اصلی پژوهش به شرح ذیل بازتاب پیدا کرده است:

۱- کتاب تأملات کلامیه از بُعد سبکی و روش، حائز چه ویژگی‌هایی است؟

۲- میزان و نحوه کاربرد مضامین عرفانی در تأملات کلامیه، چگونه است؟

در خصوص پیشینه‌ی تحقیق گفتنی است که تاکنون مقاله‌ی مستقلی در این زمینه نگارش نیافته است. در آثار مربوط به کلام نیز نویسندگان صرفاً به شرح مباحث کلامی و تاریخچه‌ی علم کلام پرداخته، سخنی در باب پیوندهای کلام و عرفان نگفته‌اند؛ از این رو پژوهش حاضر از تازگی برخوردار است.

بحثی پیرامون کلام و تنوع روش‌های کلامی

دانشمندان مسلمان در بیان چپستی علم کلام بر اساس گرایش‌های فکری و نگرش‌های حرفه‌ای تخصصی‌شان تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند؛ چنان‌که فارابی در *احصاء العلوم*، کلام را صنعتی دانسته

که به وسیله‌ی آن انسان به اثبات آراء و افعالی که شارع شریعت به آنها تصریح کرده است، می‌پردازد (فارابی، ۱۳۴۸: ۱۲۴). از منظر شیخ مفید (۱۴۰۲ق: ۸)، کلام دانشی است که از طریق استدلال، برهان و جدل به طرد باطل می‌پردازد. غزالی (۱۳۲۲ق: ۵-۶) و تفتازانی (بی‌تا: ۷۶) کلام را دانشی دانسته‌اند که از "موجود بما هو موجود" بر طبق قانون اسلام بحث می‌کند. در میان تعاریف متعدد در باب کلام، قطب‌الدین شیرازی (۱۳۱۷: ۸۵) در *دُرّه‌التاج* به دسته‌بندی مباحث مطرح در علم کلام پرداخته است که عبارتند از:

یک) معرفت ذات آفریدگار؛

دو) معرفت صفات جلال و اکرام او؛

سه) معرفت افعال و احوال او و دقایق مصنوعات و دقایق مبدعات؛

چهار) معرفت نبوت و رسالت و حکمت او.

از بررسی مجموعه‌ی تعاریف ارائه شده در مورد علم کلام می‌توان دریافت که برخی از دانشمندان اسلامی کلام را بر اساس موضوع، عده‌ای آن را بر حسب هدف یا کارکرد (قراملکی، ۱۳۷۸: ۳۴) و عده‌ای بر مبنای شیوه مورد بررسی قرار داده و دسته‌ای بر هر سه تأکید کرده‌اند (محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۲۴). در این میان برخی از تعاریف با اتکاء به یک وظیفه، از میان وظایف متعدد متکلمان، علم کلام را تعریف نمودند و عده‌ای دیگر وظایف متعددی را برای متکلم برشمرده‌اند (قراملکی، ۱۳۷۸: ۳۹). جبرئیلی (۱۳۸۵: ۱۲۹) در اشاره به غایت علم کلام که همانا دین‌شناسی حقیقی و معرفت تفصیلی به معارف دین است، فواید عملی و تربیتی کلام را رسوخ بیشتر اعتقاد به خدا و اخلاص در اعمال دانسته است. بر اساس تعاریف ارائه شده، «مهم‌ترین اهداف این علم دفاع از اصول عقاید دینی» (متز، ۱۳۶۲: ۷۹)، اثبات موضوع و مبادی دیگر علوم دینی است (لاهیجی، ۱۴۲۵ق: ۷۴). در تبیین ضرورت علم کلام و اهداف مندرج در این علم، طوسی (۱۴۰۵ق: ۲) عقیده دارد که تا وجود خداوند و صفات کلام او و ضرورت تکلیف بعثت و عصمت پیامبران اثبات نشود، موضوع علمی نظیر تفسیر، حدیث، فقه، اصول و ... اثبات نخواهد شد، زیرا آغاز در آنها بدون آگاهی بر مسائل مربوط به دین مانند سقف بدون پایه است.

یکی از مباحث اصلی و شایان توجه در علم کلام، روش‌شناسی و رویکردهایی است که متکلمین

از آن بهره برده‌اند. روش علم کلام روشی عقلی- نقلی است (شهرستانی، ۱۳۶۱: ۴۰). نقلی از آن جهت که موضوع علم کلام، عقاید اسلامی بوده، منبع این عقاید، متون دینی است و عقلی از آن جهت که در مورد پاره‌ای از اعتقادات، مانند اعتقاد به خدا، پیش از اجتهاد در متون دینی، باید وجود خداوند را از طریق روش عقلی اثبات کرد (برنجکار، ۱۳۷۵: ۱۱۲). لذا اشراف کامل بر سایر علوم دینی بویژه تسلط بر مباحث اعتقادی، آشنایی کامل با ملل و نحل، علم حدیث، تفسیر، فقه و فلسفه لازم است. علم کلام با دیگر علوم دینی و بشری رابطه‌ای دو طرفه دارد (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۸۱: ۷۸)، آن گونه که از برخی علوم بهره می‌گیرد و به برخی دیگر بهره می‌رساند. منطق، معرفت‌شناسی، عرفان، تاریخ و علوم تجربی، از علوم تأثیرگذارند. همان گونه که فقه، اصول و تفسیر از جمله علوم تأثیرپذیرند. هر چند گاهی کلام از این علوم تأثیرپذیر استفاده می‌کند، در واقع علوم فوق «مبادی» علم کلام به‌شمار می‌روند. در واقع علم کلام در مقایسه با دیگر علوم دینی تأثیرگذار و نقش‌آفرین است، چرا که تحقق موضوع آنها در گرو این علم قرار دارد. اگر در علم کلام به اثبات ذات خداوند پرداخته و وجود مقدس او ثابت شود، به طور قطع فقه، تفسیر و حدیث، موضوعی نخواهند داشت، چرا که دیگر مکلفی نیست تا از فعل مکلف سخن به میان آید. مرسل رسولی نیست تا کلام و سخن او حجت باشد و جمع و تدوین و تقسیم آن ضرورت یابد (لاهیجی، ۱۳۶۲: ۷۴).

در کنار علوم دینی مطالعه کتب مقدس و متون دینی سایر ادیان نیز از ضرورت‌های ورود به بحث‌های کلامی محسوب می‌شود، چرا که قانع کردن طرف مقابل و غلبه بر منابع خصم باید به مدد حجت و استدلال باشد (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۹۴). بررسی روش‌های به‌کار گرفته شده توسط متکلمان نشان می‌دهد که علم کلام، علمی است که می‌توان از روش‌های گوناگون در آن بهره برد. تنوع در روش‌های کلامی برخاسته از تنوع در اهداف و غایات این علم است. از این‌رو، متکلم جدای از شواهد عقلی و نقلی، گاه از تجربه هم بهره می‌برد و گاه نیز از تاریخ و روایت‌های تاریخی استفاده می‌کند (مطهری، بی تا: ۸۵؛ مطهری، ۱۳۹۰: ۳۸).

یکی از رویکردهای مطرح در مطالعات کلامی، رویکرد عرفانی است. کلام و عرفان هر چند که در روش اختلاف دارند و هر یک از منظر خاص خود به طرح مباحث دینی پرداخته‌اند، با این حال، مواردی از هم‌نشینی و وفاق گزاره‌های کلامی در مضامین عرفانی دیده می‌شود. یکی از آثار کلامی

که در آن نویسنده با اتخاذ رویکرد عرفانی به تبیین مسائل کلامی پرداخته، کتاب *تأملات کلامیه* اثر محمدحسن هردنگی از علمای سده چهاردهم هجری قمری است.

تحلیل و بررسی رویکرد عرفانی نویسنده *تأملات کلامیه* محور اصلی این نوشتار را تشکیل داده است.

جامعیت شخصیت علمی هردنگی و تسلط وی بر علوم معقول و منقول و آگاهی کامل او از عرفان و معارف شهودی، زمینه‌ساز فعالیت آموزشی و پژوهشی او در همه این زمینه‌ها شده است. از هردنگی مثنوی‌ها و غزلیات عارفانه‌ای نیز به جای مانده که نشانگر طبع شعری او و علاقه‌مندی‌اش به عرفان بوده است. وصیت‌نامه منظوم وی نیز حاوی نکات عرفانی در خور توجهی است که در ذیل به ابیاتی از آن اشاره می‌شود:

زخمخانه وحدتم می‌بریـز	که مستم کند تا دم رستخیز
بده جرعه‌ای زان می‌باصفا	که از دل برد زنگ شرک و خطا...
پس آنگه ز اشراق و روشندلی	زبان برگشایم به ذکر جلی
ز توحید گویم نکات درست	که ایمان منکر شود باز سست
شود راز توحید چندان عیان	که گردد از آن فتح باب جنان
بر رازداران شود کشف راز	به آخر رسد قصه‌های دراز

(هردنگی، ۱۳۹۶: ۲۸).

معرفی کتاب *تأملات کلامیه* و ویژگی‌های سبکی آن

مهم‌ترین اثر برجا مانده از آخوند ملا محمدحسن هردنگی کتاب *تأملات کلامیه* است که خود مبین وجوه شخصیت نویسنده و تسلط او بر معقول و منقول و احاطه‌ی او به عرفان اسلامی است. در مقدمه کتاب *تأملات کلامیه* توضیحات مختصری پیرامون چگونگی تألیف آن آمده است. بر اساس این توضیحات، بهانه تصنیف کتاب، ترجمه کتاب *اعتقادات* سیدابوطالب مجتهد قاینی، از علمای خطه قهستان بوده است. *رساله اعتقادات* سیدابوطالب قاینی، رساله مختصری است که در مشهد به زبان عربی تألیف و در بیست و سه صفحه تدوین شده است. اگر چه مؤلف *تأملات کلامیه*

در مقدمه کتابش تصریح نموده که نیتش ترجمه اثر استاد بوده، اما هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی صرفاً به ترجمه اکتفا نکرده و کتابی کاملاً متفاوت و مفصل خلق کرده است. کتاب هردنگی از نظر کمیت تقریباً بیست برابر کتاب سیدابوطالب مجتهد قاینی است و مباحث، به جهت تحلیل و ژرف‌نگری نیز در فضای متفاوتی مطرح شده‌اند؛ بنابراین باید تأملات کلامیه را کتابی مستقل به-شمار آورد. این کتاب در مقایسه با منابع مشابه از ویژگی‌هایی برخوردار است که سبب تمایز آن می‌گردد. مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

- تسلط هردنگی بر منابع روایی، تاریخی، کلامی و فلسفی عامه و خاصه و استناد بدان‌ها؛ البته نویسنده نسبت به آرای عالمان متقدم اعم از شیعه و سنی منفعل نبوده و در صورت لزوم، عقاید آنها را در کمال دقت و احترام نقد کرده و نظرات متفاوتی ارائه کرده است.

- این اثر از جهاتی با آثار کلامی بزرگانی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی و بعضی از دیگر متکلمان شیعه تفاوت‌های درخور توجهی دارد. برخی از این تفاوت‌ها به شرح زیر است:

الف) رویکرد عرفانی نویسنده به مباحث کلامی بویژه توحید و مباحث متفرع بر آن؛ این رویکرد تقریباً در کمتر اثری از آثار متقدم دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که شخصیت خاص هردنگی و تسلط او بر عرفان و احاطه اش به ادعیه شریفه وارده از معصومان صلوات الله علیهم موجب ایجاد چنین تفاوتی شده است.

ب) استشهاد به آیات و روایات محکم را متمم و مکمل استدلال‌های عقلانی کرده، شاید این ویژگی مرهون ماهیت احتجاجی آن باشد.

ج) هر چند کتاب پایه‌های استدلالی محکمی دارد که به کمک آیات و روایات تقویت شده، اما از جزمیت برخی منابع کلامی متأخر دور است؛ زیرا با لطایف ادبی و عرفانی قرین شده است.

د) رویکرد احتجاجی و جدلی کتاب؛ نویسنده تلاش کرده در عین ورود به عرصه چالشی، موازین جدال احسن را رعایت نماید (همان: ۳۲، ۳۶).

دقت نظر هردنگی در برخی مباحث حساس نظیر کلمه، کلام و جبر در مقایسه با برخی از متکلمان پیشین که به توضیحات مختصری اکتفا کرده‌اند، قابل توجه است (همان: ۳۶). چنانچه وی در خصوص یکی از این مباحث نظیر "کلمه" می‌نویسد که موضوع "کلمه" یکی از اصیل‌ترین

مباحث معرفت‌شناسی است که در کلام، فلسفه و عرفان جایگاه مهمی دارد. وجه مشترک اساطیر و ادیان در نقش آفرینندگی "کلمه" و وساطت آن در هستی است. در اسلام برای اولین بار این موضوع در آیات الهی در قرآن مجید مطرح شده و "کلمه" و مشتقات آن بیش از هشتاد بار به معانی مختلف به کار رفته است. آشکارترین نماد قرآنی "کلمه"، انسان‌های کامل و انبیاء الهی هستند. با استناد به آیات می‌توان پیامبر اکرم را بارزترین مصداق "کلمه" دانست. یکی دیگر از معانی "کلمه" در قرآن (یس: ۸۲)، نقش واسطه‌ای آن در خلقت است که: «لِنَمَّا أَمْرُوهُ إِذَا أَرَادَ شَيْءٌ أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». این معنای اخیر را می‌توان بر "کلمه" در مفهوم انسان کامل تطبیق داد و بر این پایه به نقش انسان کامل در هستی پی برد (ولوی، ۱۳۶۸: ۲۳).

کاربرد مضامین عرفانی در مباحث کلامی

عبارات تحمیدیه هردنگی در آغاز کتاب تأملات کلامیه دربردارنده مضامین عرفانی است و در این عبارات ضمن اشاره به درماندگی عقل فلسفی از درک ذات باری تعالی، به اعتراف انبیاء و علما در عجزشان از معرفت ذات الهی تصریح کرده، این عجز را کمال معرفت دانسته‌اند. این عبارات نشان می‌دهد که نگرش عرفانی مؤلف از آغاز رساله کاملاً مشهود است: «جواهر حمد و ثنائی که پرورده اصداف اخلاص عمل سکان ملاء اعلی و بندگان خاص الخاص و کاملان تام الاخلاص است، نثار مقدم آیت الکبریٰ حضرت کردگار یست، جل شأنه، که انبیاء و علما در معرفت او به عجز خود معترف، بلکه عجز را کمال معرفت دانند و کلمه طیبه مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ به زبان رانند. حکیم هر قدر به بطلان دور، اثبات وجود او کند چون به خود پردازد، دور لازم آید و فلسفی هر چند سلسله بطلان تسلسل جنباند چون به مقام ذات رسد، منقطع شود إِذَا بَلَغَ الْكَلَامُ إِلَى اللَّهِ فَأَمْسِكُوا» (هردنگی، ۱۳۹۶: ۵۱).

از دیگر فرازهایی که نویسنده تأملات کلامیه در تبیین آن از مفاهیم عرفانی بهره گرفته، مبحثی است که پیرامون معنی ایمان آورده است. وی ایمان را محبت و ولایت کامل برای ائمه معصوم (ع) دانسته و در این زمینه با ذکر حدیثی از نبی اکرم (ص) بر قول خود صحه گذارده است: «پس می‌گوییم که ایمان ولایت و محبت کامل است از برای ائمه اثنا عشر سلام الله علیهم که

مندرج است در او توحید و نبوت و توابع ... که حضرت اقدس نبوی فرمودند: يَا عَلِيُّ حُبُّكَ إِيْمَانٌ وَ بُعْضُكَ يَفَاقُ وَ كُفْرٌ (همان: ۶۳). سپس در ادامه نویسنده از مراتب ایمان سخن گفته و با استناد به قول یکی از ائمه معصوم، امام محمدباقر (ع) اشاره نموده که «ایمان ده درجه است و سلمان در درجه دهم و ابی ذر در نهم» (همان: ۶۴).

از نظر هردنگی بر اساس تعدد اشخاص، مراتب ایمان نیز متعدد است و این تعدد به سبب تفاوت قوه استدلال و قابلیت‌های هر فرد نسبت به دیگری است، چرا که ایمان صحابه نیز بر اساس سنجیدن رتبه‌شان نسبت به یکدیگر متفاوت است. نویسنده ضمن اشاره به سه مرتبه از مراتب ایمان و بهره گرفتن از مضامین عرفانی نظیر "فناء فی الله" و "مقام محو و صحو" به پیوند معنایی محبت و ولایت ائمه با معنای ایمان پرداخته و می‌نویسد: «لکن ما بیان سه مرتبه از مراتب ایمان می‌کنیم که باقی مراتبی که برای ایمان است ... منکشف شود ... بنابراین هر چیز را صورتی است و معنایی و برزخی. مثلاً انسان را صورتی است که محسوس است و مشاهد در هر کس حتی در انسان همین صورت است، بلکه جنیان نیز بدین صورت می‌شوند:

ای بسا ابلیس آدم رو که هست پس به هر دستی نباید داد دست
(مولوی، ۱۳۸۲: ۶)

گر به صورت آدمی انسان بدی احمد و بوجهل هم یکسان بدی
(هردنگی، ۱۳۹۶: ۶۳).

از نظر هردنگی این معنایی دارد که نه تنها عبارت است از ظهور آثار نفس ناطقه قدسیه، بلکه کلیه الهیه و تخلق به اخلاق الله کما ینبغی. همچنین رسیدن به مقام «تَحَنُّ هُوَ وَ هُوَ نَحْنُ» و مقام تابش انوار جلال و جمال که تعبیر از او به مقام محو و صحو شده و این مقام وحدت صرف است (همان: ۶۶) که فرمودند: "كَلِمَاتُ مُحَمَّدٍ" و این مقام، "فناء فی الله" است و این مقام خلافت الهی است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (قرآن، بقره: ۳۰).

نکته جالب در کتاب تأملات کلامیه این است که نویسنده در اتخاذ رویکرد عرفانی در کلام، میان آیات قرآنی و احادیث، یعنی شواهد نقلی و مضامین عرفانی و "اشعار و آرای عرفا" پیوند برقرار کرده و هر یک را برای تأیید دیگری به کار گرفته است. برای نمونه در تبیین مقام "خلافت الهی" که در قرآن

(همانجا) «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» نمود پیدا کرده، اشعار عرفانی ذیل را شاهد مثال می‌آورد:

بار دیگر از ملک پران شوم آنچه اندر وهم ناید آن شوم
پس عدم گردم چون ارغنون گویدم کانا الیه راجعون

(مولوی، ۱۳۸۲: ۲۲۲).

هردنگی در ادامه برای تشریح این مرتبه از ایمان و تأیید شواهد قبلی به روایت امام هادی علیه‌السلام استناد جسته است که «أَنْ أَرَوَّاحَكُمْ وَطِينَتَكُمْ طَيْبَةً طَابَتْ وَطَهَّرَتْ هِيَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ» (شهادت می‌دهم اینکه روح‌های شما و خمیره‌های وجود شما یکی است، که پاک و خوشبو و پاکیزه است، بعضی از آنها از بعضی دیگر است). سپس با استناد به سخن امام علی علیه‌السلام که «أَنَا مِنْ مُحَمَّدٍ مَثَلُ الضُّوءِ مِنَ الضُّوءِ» (من از محمد مثل روشنی هستم که از روشنی دیگر افروخته می‌شود) بیان داشته که این حدیث نشانگر پیوندهای عمیق مقام نبوت و ولایت است (هردنگی، ۱۳۹۶: ۶۶). وی همچنین برای تفهیم مراتب ایمان، تمثیلی آورده و اظهار داشته که همان‌گونه که گردو و بادام یک جلد و قشر ظاهری دارد که بعد از رسیدن می‌افتد و یک قشر باطنی و یک حقیقت که در واقع مغز گردو و بادام است، ایمان هم این‌گونه است:

اول: اقرار به لسان که مجرد از تصدیق قلب است که همان پوسته ظاهری ایمان است؛

دوم: اقرار لسانی و تصدیق قلبی که از آن تعبیر به برزخ می‌کند؛

سوم: اقرار لسانی، تصدیق قلبی و عمل ارکانی. نویسنده برای هر یک از این مراتب ایمان به آیات قرآنی استناد جسته، در کنار آیات قرآنی گاه شواهد تاریخی را نیز بیان می‌کند. در واقع، در این قسمت از بحث، نویسنده میان رویکرد عرفانی و رویکرد تاریخی و نقلی پیوند برقرار کرده است.

در مورد نوع اول یعنی اقرار به لسان، ایمان منافقانی چون عبدالله ابن ابی، ولید بن عقبه و امثالهم را مثال زده است و در وصف حال این افراد به قرآن (بقره: ۸) استناد می‌جوید که «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ» (هردنگی، ۱۳۹۶: ۶۷).

در مورد مرتبه دوم ایمان (اقرار لسانی و تصدیق قلبی)، وی به عملکرد برخی از صحابه رسول الله (ص)

پس از ارتحال نبی اکرم اشاره نموده و با استنادات حدیثی ۱ این نوع ایمان را ایمان مستودع نام نهاده است (همان: ۶۸). چنانکه در قرآن (انعام: ۹۸) به این نوع از ایمان اشاره دارد: «فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ». نوع سوم ایمان (اقرار لسانی، تصدیق قلبی و عمل ارکانی)، مثال تاریخی وی در مورد این قسم از ایمان سلمان و اباذر است که وی ایمان آنها را ایمان مقربین و خواص مؤمنان خوانده است. او برای این قسم از ایمان مراتبی قائل شده که هنگامی که این ایمان به حد عصمت برسد در وجود ائمه و انبیاء ظاهر می‌شود (هردنگی، ۱۳۹۶: ۶۹).

رویکردهای عرفانی در تبیین راه‌های شناخت

از جمله مباحث دیگری که مؤلف کتاب تأملات کلامیه در بیان و شرح آن از مضامین عرفانی بهره برده، بحث شناخت و راه‌های وصول به آن است. نویسنده بحث خود را با اشاره به حدیثی که راه‌های شناخت خدا را به عدد نفوس خلائق می‌داند، آغاز می‌کند و سپس طریق معرفت را در چهار دسته به شرح زیر برمی‌شمارد:

طریقه فلاسفه و متکلمین که از طریق برهان بطلان دور و تسلسل به اثبات صانع عالم پرداخته‌اند. طریقه کسانی که از آیات آفاقی پی به وجود صانع برده‌اند. مثال‌هایی که هردنگی در این طریقه شناخت آورده و شواهدی که ارائه کرده، همه نشانگر بُعد تجربی این‌گونه شناخت هستند. در این روش شناخت، نویسنده از طریقه حضرت ابراهیم علیه‌السلام و احتجاج آن حضرت با قوم خویش، مبنی بر عدم صلاحیت کواکب و اجرام آسمانی برای پرستش مثال می‌زند.

طریقه کسانی که از مشاهده آیات و نشانه‌هایی که در نفوس ایشان نهاده شده، به وجود صانع هستی پی برده‌اند. وی در اینجا با اشاره به حدیث مشهور «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» به تشریح ویژگی‌های این طریقه پرداخته است. در ادامه بحث، هردنگی با استناد به تاریخ عرفا و اقوال برخی از اهل عرفان، توضیحات بیشتری پیرامون این طریقه ارائه نموده است. در این زمینه وی پرسش ابوعلی سینا از ابوسعید ابوالخیر را این‌گونه مطرح می‌سازد که به چه چیز شناختی خدای خود را؟

۱. إِرْتَدَ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ إِلَّا ثَلَاثَةً نَفَرٍ: الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُو ذَرِّ الْعَفَّارِ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيُّ ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ عَرَفُوا وَ لَحِقُوا بَعْدُ (کشی، ۱۳۶۳: ۸).

پاسخ ابوسعید این بود: به اموری که بر دل من وارد می‌شود و نفس من از آن عاجز است. غزلی که در ادامه این بحث از سعدی نقل کرده، مؤید استناد وی به مضامین عرفانی است:

میان ما و تو جز پیرهن حجابی نیست گرم حجاب شود تا به دامنش بدرم

(سعدی، ۱۳۸۸: ۱۹۳)

طریقه اصحاب ریاضت است که خود را به لباس تصوف ملبس کرده و به مراقبه مشغول می‌شوند. اینان ادعای کشف و شهود می‌کنند. بسیاری از ادعاهای این جماعت، ادعاهای کاذبی است و برخی از آنها خود را از قید تکلیف فارغ می‌سازند (هردنگی، ۱۳۹۶: ۸۱-۸۳).

هردنگی ضمن انتقاد به روش قائلان به سقوط تکلیف، براهین آنها را به چالش کشیده، از بد فهمی آنها و تفسیر به رأی این آیه از قرآن (حجر: ۹۹) «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» اظهار می‌دارد که منظور از یقین در این آیه، مرگ است و این گونه مخالفت خود را با عقیده این مدعیان تصوف اظهار داشته است (هردنگی، ۱۳۹۶: ۸۳).

در شرح مباحث مربوط به شناخت مفاهیمی چون "واجب الوجود"، "ممکن الوجود" و "ممتنع الوجود" نیز اگر چه نویسنده از مضامین فلسفی بهره گرفته، اما در لابه‌لای مباحث، اشعاری را آورده که متضمن مفاهیم عرفانی است و در این میان در استنادات شعری او، استناد به مثنوی معنوی جایگاهی خاص دارد. برای نمونه، در ادامه این مباحث شعری را از دفتر پنجم مثنوی به این مضمون آورده است:

ای برون از وهم و قال و قیل من خاک بر فرق من و تمثیل من

(مولوی، ۱۳۸۲: ۲۱۱)

وی از آنجایی که خود نیز طبع شعری داشته، در لابه‌لای مباحث کلامی، از سروده‌های خویش در تبیین شناخت استفاده کرده است:

تا که از خود نگذری ای نیک رأی	کی توانی دید اسرار خدای
رو تو روحانی شو و اسرار بین	یار خود در پرده اغیار بین
معرفت باشد حجاب معرفت	زین سبب دیگر نگویم منقبت
هم خود او مقصود باشد هم دلیل	هم بود محبوب و هم آمد خلیل

هر که را شد اشتیاق وصل یار بایدش با شعله دائم گشت یار
در شرابین و عروق جان من نیست غیر از جلوه جانان من
(هردنگی، ۱۳۹۶: ۹۴)

او در بحث اثبات وحدت واجب الوجود نیز مضامینی را متذکر شده که یادآور اصل وحدت وجود است: «ملاحظه نما در عالم آنچه آثار مختلف است همه به یکی منتهی می‌شود، بلکه همه علوم به یک کلمه منتهی می‌شود که کلمه الف باشد، که اصل همه حروف است و ماده المواد کل حروف است، بلکه همین را بعضی از محققین دلیل مستقل بر وجود و وحدت صانع قرار داده‌اند. چنانچه انتهای مراتب اعداد را به واحد نیز برهان قرار داده‌اند، بر اینکه باعث این کثرات عالم علوی و سلفی از صور و ماهیات و ارضین و سموات باید یک چیز باشد که او از اینها خارج باشد و مبدأ و منتهای همه اینها او باشد...» (همان: ۹۳). حدیث شریف «لَا تَسْبُوا الدَّهْرَ؛ فَإِنَّ الدَّهْرَ هُوَ اللَّهُ» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۱۹۸؛ علم‌الهدی، ۱۹۹۸: ۴۵) نیز مشعر به این است. همچنین در دعای عرفه آمده است: «أَلْغِيْرِكْ مِنْ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُوْنَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ وَ قَدْ كُنْتَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا وَ خَسِرْتَ صَفْقَةَ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا» (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۳۴۹؛ مؤمن جیلانی، ۱۳۸۷: ۳۱۲).

فیض کاشانی نیز در کتاب *الکلمات المکنونه* خویش در باب چگونگی استدلال بر وجود خدا می‌نویسد:

ای تو پیدا در ظهور خویشتن ای رخت پنهان به نور خویشتن
(فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۳۷)

در بحث علت‌العلل بودن ذات واجب‌الوجود هم‌رگه‌هایی از مضامین عرفانی در تأملات کلامیه دیده می‌شود: «چون ذات واجب، علت‌العلل و علت کل اشیاء است از کلی و جزئی و علم به علت مستلزم است علم به معلول را، پس علم واجب به ذات خود، علم او است به کل اشیاء. بیان این مطلب آنکه علم به علت، علم به آن جهت است که علت به آن علت است و آن جهت معنای ربطی است و نسبتی است قائم به منتسبین و علم به نسبت لازم دارد، علم به منتسبین را که علت و معلول باشد الی ما لانهایه له...» (هردنگی، ۱۳۹۶: ۱۱۴).

وی در ادامه این بحث با استناد به حدیثی از امام علی علیه‌السلام، بحث علت‌العلل بودن ذات

واجب الوجود را با مضامین عرفانی پیوند داده است: «داخل است در اشیاء نه مثل داخل بودن چیزی در چیزی و خارج است از اشیاء نه مثل خارج بودن چیزی از چیزی {ای بشر} بفهم و تدبر کن» (همانجا).

ای نور تو در جمله اشیا ظاهر وز منظر چشم اهل عرفان ناظر
عالم همه از نور تو روشن گشته هم اول این سلسله و هم آخر
(نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹: ۸)

نتیجه

کتاب *تأملات کلامیه* از متون ارزشمند کلامی عصر قاجاریه است که روش‌های مختلف کلامی را تلفیق کرده است. این تلفیق به سبب تسلط نویسنده بر منابع روایی، تاریخی، کلامی و فلسفی است. عدم انفعال نویسنده نسبت به آرای متکلمان متقدم سبب شده که وی با رعایت احترام به نقد آثار آنها پرداخته، نظریاتی متفاوت از آنها ارائه کند و نوآوری‌هایی در این خصوص داشته باشد. از دیگر ویژگی‌های این کتاب، ماهیت احتجاجی و جدلی آن است. نویسنده در اتخاذ این رویکرد کوشیده است ضمن ورود به عرصه‌های چالشی، از حوزه عدالت و انصاف خارج نشده، قواعد مربوط به جدال احسن را رعایت نماید. در کنار این ویژگی‌ها، مهم‌ترین شاخصه *تأملات کلامیه* بهره‌گیری آن از مضامین عرفانی و لطایف ادبی است که همین امر سبب شده که افزون بر پایه‌های استدلالی محکم، آن مباحث کلامی را در قالبی تلطیف شده و جذاب در اختیار خواننده قرار دهد. یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌ها و ویژگی‌های این کتاب، توان نویسنده آن در برقراری وفاق و همنشینی مفاهیم عرفانی با مباحث استدلالی و شواهد روایی است.

منابع

- قرآن کریم
- ابن ابی الحدید، ابو حامد (۱۳۸۵). شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶). الاقبال بالاعمال الحسنه، ج ۱. محقق جواد یومی اصفهانی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- برنجکار، رضا (۱۳۷۵). "روش‌شناسی علم کلام". مجله نقد و نظر، سال دوم، ش ۹ (زمستان): ۱۰۴-۱۲۵.
- تفتازانی، سعدالدین (بی‌تا). شرح المقاصد، ج ۱. بیروت: عالم‌الکتب.
- جبرئیلی، محمد صفر (۱۳۸۵). "فلسفه علم کلام". قبسات، سال اول، ش ۳۹-۴۰ (بهار و تابستان): ۱۲۵-۱۵۲.
- دادبه، اصغر (۱۳۸۸). جبر و اختیار در عرفان. دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷: ۴۹۶-۵۲۷.
- راشد محصل، محمد تقی (۱۳۴۲). "بحث درباره شش تن از علمای قهستان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۱). فرق و مذاهب کلامی، مرز جهانی علوم اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲). تاریخ در ترازو. تهران: امیرکبیر.
- سعدی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله (۱۳۸۸). کلیات سعدی. تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: ماهرنگ.
- شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۱). الملل و نحل. تصحیح محمد رضا جلالی نائینی. تهران: اقبال.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۰۲ق.). مقدمه فی المدخل الی علم کلام. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۴۰۵ق.). رساله الامامه، ضمیمه تلخیص المحصل. بیروت: دارالاضواء.

- علم‌الهدی، علی بن حسین (۱۹۹۸). *امالی المرتضی*، ج ۱. محقق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دارالفکر العربی.
- عزیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۹۲). *جستاری در احوال و آثار مفاخر خراسان جنوبی*. تهران: فکر بکر.
- غزالی، ابوحامدمحمد (۱۳۲۲ق.). *المستصفی فی علم الاصول*، ج ۱. مصر: المطبعه الامیریة.
- غوث، کمال (۱۳۹۰). "مروری بر آثار و زندگی ملامحمدحسن هردنگی بیرجندی". *فقه اهل بیت*، سال دوم، ش ۶۶ (تابستان): ۳۸۷-۳۹۷.
- _____ (۱۳۹۱). *گنج‌نامه ناحیه هردنگ*. تهران: فکر بکر.
- فارابی، ابونصر (۱۳۴۸). *احصاء العلوم*. ترجمه حسین خدیوچم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی (۱۳۸۷). *الکلمات المکنونه* (چاپ کنگره فیض). تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۷۸). *هندسه معرفتی کلام جدید*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش؛ اندیشه معاصر.
- قطب‌الدین شیرازی، محمود بن مسعود (۱۳۱۷). *دره‌التاج*. به تصحیح سیدمحمد مشکوه. تهران: چاپخانه مجلس.
- کشی، محمدبن عمر (۱۳۶۳). *اخبار معرفه الرجال*. محقق مهدی رجایی. قم: مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام.
- لاهیجی، عبدالرزاق (۱۳۶۲). *سرمایه ایمان*. تهران: الزهراء.
- _____ (۱۴۲۵ق.). *شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- متز، آدام (۱۳۶۲). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو. تهران: امیرکبیر.
- محمدرضایی، محمد (۱۳۹۰). *کلام جدید با رویکرد تطبیقی*. با مقدمه جعفر سبحانی. قم: دفتر نشر معارف اسلامی.
- مطهری، مرتضی (بی‌تا). *آشنایی با علوم اسلامی، بخش فلسفه*. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۹۰). "جامع‌نگری در روش‌شناسی علم کلام". *فلسفه و کلام: کلام اسلامی*، سال

بیست و دوم، ش ۷۷ (مهر): ۱۵-۳۸.

- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۲). *مثنوی معنوی*. مقدمه عبدالحسین زرین کوب. تهران: مجید.
- مؤمن جیلانی، رفیع‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸۷). *الذریعه الی حافظ الشریعه*، ج ۱. محقق محمدحسین درایتی. قم: دارالحديث.
- نظیری نیشابوری، محمدحسین (۱۳۷۹). *دیوان*. تصحیح و تنظیم محمدرضا طاهری. تهران: نگاه.
- ولوی، علی محمد (۱۳۶۸). "لوگوس / بین‌النهرین، هند، ایران، یونان". *مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، سال یکم، ش ۱ (تابستان): ۲۳-۴۹.
- هردنگی، محمدحسن (۱۳۹۶). *تأملات کلامیه*. تصحیح، شرح و تحشیه علی محمد ولوی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

The Application of Mysticism Statements in the Theological Reflections of Mullah Mohammad Hassan Herdengi

Akram Naseri¹

Abstract

There is close relationship between mysticism and speech and some talkers use capability of mysticism themes for obtaining their knowledge purposes. Application of mysticism statements in speech is a main issue which is not examined thoroughly. So performing case studies in this realm and examining the activities of talkers used this approach can be helpful in detecting this approach. The current research concentrates on one of speech works of Shia scientists considers analysis and survey of mysticism approaches and their position in speech issues in order to evaluate the factors of this approach and its role in effectiveness and intricacy of speech issues. Findings of this research indicates that we can use Herdengi's approach in speech thoughts frequently in issues like cognition ways, essence and self-existent and combined application of these concepts between mysticism-speech and historical approach. Documents of Herdengi narrations especially related to mysticism meanings are among his stylish traits. The results of this research indicate that this style of author is so effective in intricacy and effectiveness of speech issues.

Keywords: Mohammad Hassan Herdengi, Speech, Mysticism Approach, Speech Thoughts.

¹ Ph.D. History of Iran after Islam; Lecturer; University of Birjand; Email: akram_naseri@yahoo.com

The Citizens' perception analysis of the phenomenon of informal settlements and their inhabitants: A Case study of Mashhad city

Simin Foroughzadeh¹, Neda Eidgahian²

Abstract

These days, informal housing has become a symbol of poverty and social harm. Relying on a qualitative approach, the present article analyzes 25 interviews with Mashhad citizens who were selected by theoretical sampling method. This research seeks to explore the perception and interpretation of Mashhad citizens regarding informal settlements and their residents of these communities. Our analysis showed that the participants had a variety of perception of informal residents. Some consider them as kind and compassionate, having simple lifestyle with low expectations, hardworking and trustworthy, while from other interviewees' point of view the informal residents are liar, lazy, delinquent, violent, aimless, and unreliable people.

Participants were aware with internal or external explanations relying on various difficulties in family, housing and infrastructure, Drug abuse, education and cultural, Livelihood and security, health and recreation, children's issues , and those related to state systems, for this purpose. They also have problems with internal or external explanations. Participants suggest that for solving or reducing the problems is not enough to rely simply on the capacity and support of state agencies, and that, addressing these problems requires participation and communication between the factors at three levels, including micro (residents of the region) middle (NGOs), and macro (government and government policy making) levels.

Keywords: Informal Residence, Citizens of Mashhad, Perception.

1. Faculty Member, Academic Jihad, Mashhad; Email: foroughzadeh.simin@gmail.com

2. Researcher, Academic Jihad, Mashhad; Email: neda_eidgahian@yahoo.com

The Educational functions of Hajj Abdul Ali Khan Endowment in Birjand

Marziyeh Faryabi¹, Mofid shateri²

Abstract

Devotion, as one of the divine commandments, has been a support for the flourishing and strengthening of Islamic culture due to its support for the establishment of educational institutions and schools. This good tradition has been a constant source of funding and popular support for the continuity and sustainability of educational centers for the education of students and scholars of all walks of life. This research done by descriptive-analytical method and based on endowment documents and library resources, seeks to examine and analyze the endowment documents of Hajj Abdul Ali Khan to explain the effect of endowment on school creation and ultimately cultural and educational prosperity of Birjand. The results show that one of the concerns of the people and even the rulers of Birjand at the time was the lack of educational institutions and concerns about cultural backwardness. The students also paid attention to the cost of their clothes and books, and by dedicating various competitions (property and real estate) to their endowed educational and cultural center, which includes a mosque complex, a seminary, Hosseinieh and Abanbar, a model of establishing educational and cultural centers for this city has created.

Keywords: devotion, Education, Birjand, Haj Abdul Ali Khan School.

1. MA Student, Archeology, Birjand University; Email: faryabi1991@yahoo.com

2. Assistant Prof, Geography, Birjand University; Email: mshateri@birjand.ac.ir

Investigating the effects of intercultural interactions between residents and tourists: A Case study of Chenesht village in South Khorasan

Mohammad Ali Talebi¹, Javad Yoosefi², Mohammad Barati³

Abstract

Rural tourism has significance cultural impacts in all circumstances in both host and guest communities, which accepted or rejected according to social conditions. Cultural and social effects of tourism are among the most important considerations of tourism development in any region, especially in rural areas. Therefore, in this study, the amount of cultural change affected by the presence of tourists and immigration of host community from village to town or visiting of town, has been investigated in the village of Chenesht which is located in the city of Mood, South Khorasan Province. The statistical sample of this study was selected from 170 households and the data were analyzed using path analysis method. According to the statistical analysis, it became clear that the influential components in the interactions between the host society and the tourists in priority order are: changing consumption pattern, renovation and building, customs, rules and regulations, coverage or costume, language and accent Rules, jobs, and nutrition. Four factors of customs, rules and regulations, language, accent, and occupation have the most impact on visiting the cities for the residents of the village of Chenesht. On the other hand, factors such as the pattern of consumption, costume, nutrition and renovation and building have a deterrent effect. In other words, in the interaction between tourists and residents of the village, the recent factors not only did not affect the rural population, but also it strengthens the community culture, thus, the effectiveness of other factors minimized.

Keywords: Rural Tourism, Intercultural Interactions, Chenesht, South Khorasan.

1. Assistant Prof, Sociology, Payam Noor University; Email: alebi856@yahoo.com

2. Tourism Management, Payam Noor University; Email: Javad.yousefi@pnu.ac.ir

3. Manager of International Relations, Birjand; Email: m.barati@yahoo.com

A study of the social health indicators of women in Ferdows city

Mohammad Hasan Sharbatian¹

Abstract

People's performance through coherent behaviors, adaptability, and acceptance, sharing and flourishing promotes quality of life and produces social health. The purpose of the present paper is to evaluate the social health status of Ferdowsi women as a society whose citizens' life structure has been transitioning from the traditional situation. The statistical population of the study consisted of 20-45 year-old women in Ferdows city in 2016. Based on Cochran formula, 304 people were selected by simple random sampling. The tool of collection was standardized Keyes social health questionnaire; Cronbach's alpha coefficient was 0.724. The results showed that the mean age between the age groups of 20 to 24 years was higher than the other groups; %66 of married women and about % 42 of women had university education. Among the underlying variables measured, monthly household income had a significant relationship with social health in this study. The mean score of women benefiting from social health indicators was above average (%64). Among the mean components of social health were social conformity (%24.39), social acceptance (%22.71), social actualization (%21.44), social coherence (%19.41) and social Contribution (%16.41), respectively has been important. According to the results of social education, facilitating the process of participation and encouragement of women to participate in social, political, voluntary behaviors, social support, implementation of cultural and social indicators, etc. to promote social health and empowerment the capacities of women seem necessary.

Keywords: Social health, women, Ferdows.

1. Ph.D., Sociology of Social Issues of Iran, Sina University Lecturer; Email: Sharbatian@gmail.com

The study of social capital on organizational efficiency with the mediating role of organizational creativity: General Administration of Tax Affairs of South Khorasan Province

Hajieh Rajabi Farjad¹, Tayebeh Sargazi²

Abstract

Social capital is a fundamental concept in understanding innovation, creativity and organizational dynamics, because it affects the process of innovation, creativity, team learning and so on, it facilitates them. The purpose of this study was to determine the effect of social capital on organizational efficiency with the mediating role of organizational creativity in South Khorasan Tax Administration. This study is an applied one in terms of purpose and a descriptive and survey method. The statistical population of this study was all 210 employees of the Tax Office of South Khorasan Province. According to Cochran formula, 136 people were selected by simple random sampling. The tools used in this study were three standard questionnaires including organizational performance of Pin Priyang and Singh Sai (2012), Dick's Organizational Creativity (2001) and Nahapit & Guchal's Social Capital (1998). The validity of the questionnaire was confirmed by content validity and its reliability was obtained through Cronbach's alpha for the questionnaires of efficiency, organizational creativity and social capital respectively 0.82, 0.77 and 0.85. Lisrel software was used to analyze the data. The results showed that social capital had a significant effect on organizational efficiency and creativity. But the impact of social capital through organizational creativity on organizational performance was not significant. According to the findings of the study, it can be said that social capital, like other funds, has provided a suitable platform for access to life opportunities and goals, and is one of the important sources of organizational and social success.

Keywords: Social Capital, Organizational Efficiency, Organizational Creativity, South Khorasan General Tax Office.

1. Assistant Prof, Human Sources Management, Amin University; Email: hajieh_rajabi@yahoo.com

2. MA Student, Government Management, Azad University of Tehran

Table and content

The study of social capital on organizational efficiency with the mediating role of organizational creativity: A Case Study on General Administration of Tax Affairs of South Khorasan Province/ HajiyeH Rajabi Farjad, Tayebbeh Sargazi	1
A study of the social health indicators of women in Ferdows city/ Mohammad Hassan Sharbatian	25
Investigating the effects of intercultural interactions between residents and tourists: A Case study of Chenesht village in South Khorasan/ Mohammad Ali Talebi, Javad Yoosefi, Mohammad Barati	51
The Educational functions of Hajj Abdul Ali Khan Endowment in Birjand/ Marziyeh Faryabi, Mofid shateri	77
The Citizens' perception analysis of the phenomenon of informal settlements and their inhabitants: A Case study of Mashhad city/ Simin Foroughzadeh, Neda Eidgahian	97
The Application of Mysticism Statements in The Theological Reflections of Mullah Mohammad Hassan Herdengi/ Akram Naseri	129

Referees of This Period. (Alphabetical Order)

Dr. Mohammad Eskandari Sani/ Assistant Professor, University of Birjand

Dr. Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Azad University of Gonabad

Dr. Mohammad Bagher Akhondi/ Assistant Professor, University of Birjand

Dr. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand



Dr. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand

Dr. Mitra Modi/ Associate Professor, Medical University of Birjand

Dr. Javad Mekaniki/ Associate Professor, University of Birjand

Dr. Mohammad Valipoor/ Assistant Professor, Farhangian University of Birjand

Dr. Mohammad Reza Yoosefi Roshan/ Assistant Professor, Farhangian University of Birjand

In The Name Of God

Scientific Quarterly of Social-Cultural Studies of Khorasan

Serial: 53

ISBN 1735-8256

Year 14, No. 1, Fall 2019

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Nabizadeh, Naser

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Rezaei, Hamed

Executive manager: Zerang, Mahin

The Editorial Committee

1. Mohammad Bagher Akhouni/ Assistant Professor, University of Birjand
 2. Habib Allah Ahmadi/ Professor, Shiraz University
 3. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
 4. Dr. Mohammad Behnamfar, Professor of Persian language and literature, Birjand University
 5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
 6. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
 7. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
 8. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
 9. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
 10. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
 11. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
 12. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand
-

Editor: Dr. Abbas Vaezzadeh

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah

Translator and English Editor: Toosheh, Elahe

Technical affairs: Chaharderakht publications

Lithography & Press: Ofogh Hezareh sevom kavir institution

Circulation: 100

Price: 350000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction.

Research Society Office **Tel:** 056-32323393 **Fax:** 056-32323277

Email: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

<http://Farhangekhorasan.ir>

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.



فرآیند دریافت وجه جهت پذیرش نهایی مقالات

نگارندگان محترمی که مقاله ایشان پس از طی مراحل داوری و بررسی نهایی مورد پذیرش قرار گرفته است، می‌بایست مبلغ ۱۵۰ هزار تومان بابت پذیرش نهایی به شماره حساب ۳۶۱۱۷۱۰۰۴۳۴۴۹۳۷ بانک قرض الحسنه مهر ایران مؤسسه فرهنگی - هنری افق هزاره سوم کویر واریز و تصویر فیش پرداختی را از طریق سامانه ارسال فرمایند.

(مقالاتی که فاقد فیش واریزی هستند در اولویت چاپ قرار نخواهند گرفت.)

